

مهر محمد بن الملل

گفتگوی اختصاصی

بامشاور بانک جهانی

ایران عامل تأثیر گذار بر
سیاست نفتی عربستان

پیام رهبری در نگاه اندیشمندان غربی

پیش بینی بهبود روابط ایران و عربستان

دیدگاه امیر کویت درباره رهبر انقلاب

موارد اختلاف ترکیه و اتحادیه اروپا

روابط هند و آمریکا؛ رابطه قرن

فهرست مطالب

ایران در جهان

۵



- ۴ گفتگو با حسین عسکری مشاور بانک جهانی
- ۷ گفتگو با آلن ایر سخنگوی وزارت خارجه امریکا
- ۸ گفتگو با رایان کاستلو عضو شورای ملی امریکایی
- ۹ گفتگو با پیلار مسنول سابق بخش تحلیل عملیات سازمان سیا
- ۱۰ گفتگو با تالیا فرو عضو انجمن فیلسوفان آمریکا

خاورمیانه و آفریقا

۱۳



- ۱۴ گفتگو با عبدالحمید دشتی نماینده پارلمان کویت
- ۱۶ یمن، مطامع بازیگران خارجی و چالشهای داخلی
- ۱۷ گفتگو با استفن لندنمن نظریه پرداز آمریکایی
- ۱۸ روابط ریاض و بغداد
- ۲۱ گفتگو با خلیل حمدان معاون رئیس پارلمان لبنان

اروپا

۲۵



- ۲۶ گفتگو با نورای مروت استاد دانشگاه استانبول
- ۲۷ موارد اختلاف آنکارا و اتحادیه اروپا
- ۲۹ گفتگو با بهرام امیراحمدیان کارشناس مسائل روسیه
- ۳۰ گفتگو با جلال الدین یاووز فرمانده ناوگان دریایی ترکیه

آسیا

۳۳



- ۳۴ دلایل همکاری امریکا با هند
- ۳۵ مهار چین سخت تر از شوروی
- ۳۵ ایجاد الگوی جدید در روابط چین و امریکا
- ۳۶ رویارویی یا همکاری بزرگترین اقتصادهای جهان

آمریکا

۳۷



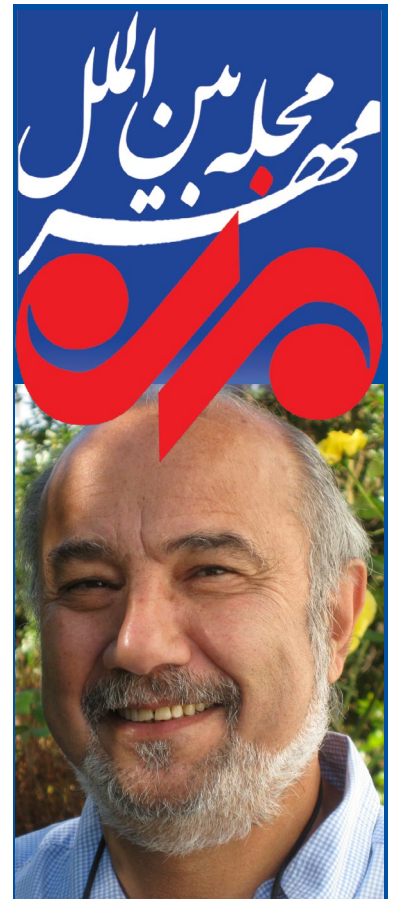
- ۳۸ بودجه جدید آمریکا
- ۳۹ شکاف سیاسی در آمریکا و اسرائیل به خاطر یک سفر
- ۴۰ اسناد جدید از برنامه های آمریکا برای کودتا در ایران
- ۴۱ ایران و جایگاه آن در سند امنیت ملی امریکا

اوراسیا

۴۵



- ۴۶ گفتگو با مشاور مرکز پژوهشهای راهبردی ترکیه



شناسنامه مجله

- مدیر مسئول: علی عسگری
- شورای سردبیری: سید امیرحسین دهقانی، حسن هانی زاده، جواد حیران نیا
- دبیر تحریریه: جواد حیران نیا
- همکاران این شماره: رضا مهری، حبیب اسدی، امید شمیمی، سید عبدالمجید زواری، عبدالکریم پهلوانی، محمدعلی تخت رونده، شقایق لامع زاده
- مدیر هنری: محبوبه عزیزی
- شماره تماس: ۸۸۰۹۵۰۰
- پست الکترونیک: world@mehnews.com
- آدرس: ایران، تهران، خیابان استاد نجات الهی، کوچه بیمه، پلاک ۱۸
- علاقتمندان می توانند مقالات و مطالب خود را برای مجله بین الملل مهر ارسال کنند.



گفتگوی اختصاصی مجله بین الملل با مشاور وزیر نفتی کشورهای خلیج فارس نوع رابطه با ایران از عوامل تأثیرگذار بر سیاستهای نفتی عربستان است

پروفسور حسین عسکری مشاور بانک جهانی و معمار اقتصاد عربستان معتقد است در عربستان این پادشاه است که در خصوص سیاستهای نفتی تصمیم می‌گیرد و ملاحظات منطقه‌ای از جمله نوع روابط با ایران و عراق بر سیاستهای نفتی این کشور اثر گذار است. حسین عسکری استاد تجارت بین الملل و امور بین المللی دانشگاه جرج واشنگتن آمریکاست. وی رئیس مؤسسه تحقیقات و مدیریت جهانی و رئیس پیشین دپارتمان تجارت بین الملل دانشگاه جرج واشنگتن بوده است. زمینه تخصصی و بحث‌های او در دانشگاه جرج واشنگتن بر اقتصاد، توسعه سیاسی و انسانی در خاور میانه، اختلافات و جنگ‌ها در خاور میانه، اقتصاد سیاسی نفت و اقتصاد اسلامی متمرکز است.

از سوابق اجرایی وی می‌توان به دو و نیم سال فعالیت در هیئت اجرایی صندوق بین المللی پول اشاره کرد. او در زمینه سیاست توسعه اقتصادی، سیاست‌های نفتی و اقتصاد و تجارت بین الملل مشاور وزیران دارایی، روسای بانک‌های مرکزی و وزیران نفت در خلیج فارس بوده است. او در گذشته مشاور نهادها و شرکت‌هایی نظیر سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، بانک جهانی، موسسه مالی بین المللی صندوق سرمایه‌داری کشورهای در حال توسعه، سازمان ملل متحد و... بوده است. حسین عسکری ۲۰ کتاب، شش رساله، بیش از ۱۰۰ مقاله و... درباره تحولات اقتصادی در خاور میانه، اقتصاد اسلامی، تجارت و اقتصاد بین الملل، اقتصاد کشاورزی، اقتصاد نفت و تحریم‌های اقتصادی منتشر کرده است. وی سابقه تدریس در دانشگاه‌های تگزاس در آستین، دانشگاه تافتس آمریکا، دانشگاه MIT، دانشگاه جانز هاپکینز و دانشگاه کلارک را دارد. «جهانی شدن و مایه اسلامی» (انتشارات جان ویلی اند سانز)، «ثبات مایه اسلامی» (انتشارات جان ویلی اند سانز) و «اسلام و راه بشر و توسعه اقتصادی» (انتشارات پلاگریو مک میلان) از جمله آثار او به شمار می‌روند.

حسین عسکری در مصاحبه‌ای اختصاصی با مجله بین الملل مهر به ذکر دلایل ادامه سیاست‌های نفتی عربستان سعودی و عدم تغییر آنها بعد از ملک عبداللہ پرداخت که مشروح آن در زیر آمده است.

|| بعد از فوت پادشاه عربستان شاهد افزایش جزئی قیمت نفت در بازارهای جهانی بودیم. آیا این روند ادامه پیدا خواهد کرد؟

تغییری در سیاست نفتی عربستان ایجاد نخواهد شد و افزایش اندک قیمت نفت ناشی از عدم اطمینان است و بازار ظرف چند روز بعد از اینکه مطمئن شود سیاست نفتی عربستان تغییر نخواهد کرد فرو خواهد نشست.

|| به طور کلی سیاست نفتی عربستان متأثر از چه عواملی است؟
سیاست نفتی عربستان نشأت گرفته از دو عامل اقتصاد و سیاست است. فاکتورهای اقتصادی مد نظر عربستان عبارتند از نیازهای مالی و هزینه‌ها اعم از ضروری و غیر ضروری، درآمدهای نفتی و میزان ذخایر مالی. ملاحظات سیاسی سعودی‌ها هم شامل اتحادهای بین المللی و ملاحظات منطقه‌ای (وضع روابط با ایران و عراق) است.

|| نقش پادشاه به طور مشخص در تعیین سیاستهای نفتی این کشور به چه میزان است؟

توجه داشته باشید در عربستان این پادشاه است که در خصوص سیاستهای نفتی تصمیم می‌گیرد و در این خصوص اگر اوضاع مثل سال‌های ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۰ سخت باشد یا شاهزاده‌ها و وزیر خارجه، رئیس سرویس اطلاعاتی و وزیر دارایی مشورت می‌کند و به وزیر نفت فقط گفته می‌شود که چه بگوید و اعلام کند.

|| یعنی در این میان وزیر نفت از اختیاراتی برخوردار نیست؟

وزیر نفت در عربستان فقط یک بلندگو است و درباره سیاست‌های نفتی تصمیم‌گیر نیست. پادشاه سلمان در دوره‌های شاه فهد و شاه عبدالله در این تصمیم‌گیری‌ها دخیل بوده است و با توجه به وضعیت جسمانی وی در حال حاضر شاهزاده مقرن، سعود الفیصل وزیر خارجه و شاهزاده خالد بن بندر رئیس سرویس‌های اطلاعاتی عربستان نقش بیشتری در تصمیم‌گیری‌ها در سیاست نفتی عربستان خواهند داشت. اما اهداف سیاست نفتی امروز عربستان همان‌هایی هستند که در گذشته بودند یعنی همان اهدافی که یکسال قبل و یا بیست سال قبل بوده‌اند. حمایت‌های آمریکا و غرب باعث تضعیف رقبای منطقه‌ای، حمایت از دوستان متحد حاکم، داشتن منابع کافی برای برقراری ثبات در منطقه و فراتر از همه اینها موجب تضمین ادامه حکمرانی سعودی‌ها شده است.

|| برخی معتقد بودند که ملک سلمان ممکن بود وزیر نفت عربستان علی‌نعمی را عوض کند اقدامی که می‌توانست موجب تغییر سیاست‌های نفتی و تولید نفت این کشور شود. دیدگاه شما

در این خصوص چیست؟ من کاملاً با این نظر و تحلیل مخالف بودم. اولاً سلمان مثل برادران پیشین خودش هوشیارانه و سنجیده عمل کرد و هیچ کار عجولانه‌ای انجام نداد. در چند ماه آتی شاهد هیچگونه تغییراتی نیز نخواهیم بود تا ثبات مد نظر پادشاه حاصل شود. این شیوه عملکرد سعودی‌ها بوده است. ثانیاً وزیر نفت فقط یک بلندگو است شاید شما احمد زکی وزیر نفت سابق عربستان را به یاد بیاورید که بنا به مناسبتی در اروپا چیزی گفت که مورد تأیید سعودی‌ها نبود و به همین خاطر همان روز برکنار شد و خبر استعفاي خودش را در خبرهای عصر همان روز از رسانه‌ها شنید. این شیوه سعودی‌ها است. سیاست نفتی سعودی‌ها بطور تدریجی تغییر می‌کند و اینکه وزیر نفت چه کسی باشد مهم نیست |

وزیر نفت در عربستان فقط یک بلندگو است و درباره سیاست‌های نفتی تصمیم‌گیر نیست. پادشاه سلمان در دوره‌های شاه فهد و شاه عبدالله در این تصمیم‌گیری‌ها دخیل بوده است و با توجه به وضعیت جسمانی وی در حال حاضر شاهزاده مقرن، سعود الفیصل وزیر خارجه و شاهزاده خالد بن بندر رئیس سرویس‌های اطلاعاتی عربستان نقش بیشتری در تصمیم‌گیری‌ها در سیاست نفتی عربستان خواهند داشت |





یکی از تحولات ماه گذشته صف آرای کنگره آمریکا و سناتورهای تندروی این کشور و کاخ سفید و دولت باراک اوباما درباره تصویب تحریم های جدید علیه ایران بود. امری که کاخ سفید و رئیس جمهور آمریکا آن را برای مذاکرات هسته ای با ایران بسیار مخرب می دانند و معتقد هستند تحریم جدید علیه ایران می تواند روند مذاکرات جاری را تخریب کند.

در همین راستا باراک اوباما طی سخنانی در سخنرانی سالانه خود و همچنین با حضور در کنگره آمریکا مخالفت خود را تصویب تحریم های جدید علیه ایران اعلام کرد و تهدید کرد در صورت انجام چنین کاری از سوی کنگره اقدام به وتوی آن خواهد کرد. در واکنش به تهدید باراک اوباما در این خصوص «جان بینر» سخنگوی مجلس نمایندگان از «بنیامین نتانیاهو» نخست وزیر رژیم صهیونیستی دعوت کرد تا با حضور در کنگره آمریکا درباره تهدیدات ایران با نمایندگان صحبت کند.

همچنین بسیاری از سیاستمداران آمریکایی سخنرانی نخست وزیر رژیم صهیونیستی در کنگره آمریکا در آستانه انتخاباتی پارلمانی در سرزمین های اشغالی را امری غیر عادی و خارج از عرف دانسته و با این کار مخالفت کردند و اعلام داشتند چنین اقدامی از سوی وی می تواند به روابط این دو متحد قدیمی آسیب بزند.

از دیگر موضوعاتی که در صدر خبری رسانه های منطقه و جهان قرار گرفت پیام رهبری معظم انقلاب اسلامی ایران حضرت آیت الله خامنه ای به جوانان آمریکا و اروپا بود. پیام معظم له بعد از آن داده شد که در پی شارلی ابدو پاری برخی محافل غربی بطور هماهنگ با سوء استفاده از اقدامات تعدادی افراط گرا در صدد هجمه به اسلام و ارائه تفسیر غلط از اسلام را داشتند.

همچنین از دیگر خبرهای در ماه گذشته مربوط به مرگ پادشاه عربستان و روی کار آمدن پادشاه جدید در این کشور بود.

در خبرها و گزارش های متعددی از احتمال بهبود روابط ایران و عربستان در رسانه های مختلف خبر داده شد و بر اهمیت نقش محوری ایران در تامین امنیت و ثبات منطقه پرداخته شد.

ایران در جهان



احتمال توافق تا بهار وجود دارد

تحریم جدید دیپلماسی را به شکست می کشاند

ضمانتی وجود ندارد که مذاکرات موفق شوند و من تمامی گزینه ها را برای جلوگیری از یک ایران هسته ای روی میز نگاه می دارم. اوباما در ادامه مدعی تاثیر تحریم های آمریکا علیه ایران شد و گفت: تصویب تحریم های جدید توسط کنگره در این مقطع زمانی منجر به شکست دیپلماسی می شود، آمریکا را از متحدانش جدا کرده و منجر به آن می شود که ایران بار دیگر برنامه هسته ای خود را از سر بگیرد.

رئیس جمهوری آمریکا سپس گفت: به همین دلیل است که من هر طرح تحریم جدید که تهدید علیه این پیشرفت ها باشد، و تو می کنم. مردم آمریکا از ما انتظار دارند تنها به عنوان گزینه آخر به سراغ جنگ برویم و من قصد دارم به این خرد و وفادار بمانم.

یک دهه، مذاکرات هسته ای با ایران پیشرفت داشته و آمریکا این فرصت را دارد تا در زمان باقی مانده تا پایان بهار، به توافقی جامع با ایران برسد، گفت: درباره ایران، دیپلماسی ما کارگر افتاده و ما برای اولین بار در طول دهه اخیر پیشرفت برنامه هسته ای این کشور را متوقف کرده و ذخائر مواد هسته ای آن را کاهش داده ایم.

اوباما افزود: ایران و گروه ۵+۱ از اکنون تا بهار سال جاری فرصتی برای مذاکره درباره رسیدن به یک توافق جامع هسته ای دارند که می تواند از ایران مسلح به سلاح های هسته ای جلوگیری کند آمریکا و متحدان این کشور را ایمن کند و در همان حال از یک درگیری دیگر در خاورمیانه جلوگیری کند. رئیس جمهوری آمریکا اضافه کرد: هیچ

به شکست دیپلماسی آمریکا منجر خواهد شد و ایران مجددا برنامه هسته ای خود را از سر خواهد گرفت و به همین دلیل هرگونه تحریم جدید را و تو خواهد کرد.

رئیس جمهور آمریکا مدعی شد که ممکن است این مذاکرات به نتیجه نرسد، و در این صورت آمریکا گزینه های دیگر را نیز در نظر خواهد گرفت.

جروزالد پست می نویسد: سخنرانی سالانه اوباما شامل هفت هزار کلمه بود اما وی در این سخنرانی اشاره ای به روابط آمریکا و اسرائیل نکرد و فقط به این نکته اکتفا کرد که توافق با ایران امنیت اسرائیل را تأمین می کند. اوباما در این سخنرانی به فلسطین نیز اشاره نکرد.

اوباما با بیان اینکه برای نخستین بار در طول

اوباما در نطق سالانه خود که به «استیت او یونیون» معروف است بار دیگر به کنگره این کشور درباره شکست روند دیپلماتیک برای حل موضوع هسته ای ایران هشدار داده و اعلام کرد که هرگونه تحریم جدید را و تو می کند به گزارش جروزالد پست، «باراک اوباما» در این سخنرانی گفت: تحریم ایران موجب شکست روند دیپلماتیک شده و احتمال جنگ را افزایش می دهد.

اوباما به کنگره آمریکا اعلام کرد که هرگونه تحریم احتمالی تازه کنگره علیه ایران را و تو می کند، زیرا این اقدام منجر به شکست دیپلماسی آمریکا در قبال ایران خواهد شد. رئیس جمهور آمریکا در ششمین نطق سالانه خود اعلام کرد که تحریم های تازه تصویب شده در کنگره علیه ایران، مطمئناً

واکنش رئیس کنگره به سخنان اوباما دعوت از نتانیاهو



رئیس کنگره آمریکا بار د تهدید به وتوی اوباما درباره تحریم های جدید علیه ایران از نخست وزیر رژیم صهیونیستی دعوت کرد تا در کنگره سخنرانی کند.

به گزارش آسوشیتدپرس، «جان بوئنر» رئیس کنگره آمریکا در واکنش به اظهارات امروز باراک اوباما در کنگره از «بنیامین نتانیاهو» نخست وزیر رژیم صهیونیستی دعوت کرد تا با حضور در نشست ماه آینده کنگره آمریکا درباره تهدیدات ایران و اسلام رادیکال سخنرانی کند.

وی در واکنش به اظهارات اوباما که تهدید کرد در صورت تصویب تحریم های جدید علیه ایران مصوبه کنگره را و تو خواهد کرد گفت: اوباما به ما هشدار داد که تحریم ها درباره ایران را که حامی تروریسم است پیگیری نکنیم. پیام دقیق اوباما به ما این بود که شمشیرها را غلاف نکنیم.

بوئنر گفت: او [اوباما] از ما می خواهد در حالیکه قصد دارد توافق بدی با ایران بکند کنار بایستیم و هیچ کاری نکنیم. وی در ادامه خطاب به اوباما گفت: ما جهنم نمی خواهیم و چنین کاری را نخواهیم کرد.

رئیس کنگره آمریکا با صدور بیانییه ای اعلام داشت: نتانیاهو دوست بزرگ کشور ماست و دعوت از وی بیانگر تعهد ما به امنیت اسرائیل و مردم آن است. من از نتانیاهو دعوت کرده ام تا برای ما درباره خطرات ایران و اسلام رادیکال برای امنیت و شیوه زندگیمان صحبت کند.

وی گفت: آمریکا و اسرائیل همواره در کنار هم ایستاده اند و الان لحظه ای است که باید به آن وضعیت و لحظه برسیم. باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا در سخنرانی در کنگره آمریکا از نمایندگان خواست تا از تصویب تحریم های جدید علیه ایران خودداری کنند و تهدید کرد در صورت تصویب چنین لایحه ای آن را و تو خواهد کرد زیرا این امر موجب شکست مذاکرات هسته ای با ایران خواهد شد و مسئولیت آن را در نظر متحدان آمریکا متوجه کاخ سفید خواهد کرد. کاخ سفید دعوت از نتانیاهو برای سخنرانی در کنگره را نقض پروتکل های دیپلماتیک خوانده است.

گفتگو با سخنگوی وزارت خارجه آمریکا:

آمریکا و شرکایش با تحریم جدید مخالفند تحریم مشکلات را دوچندان می کند

«آلن ایر» سخنگوی فارسی زبان وزارت خارجه آمریکا گفت اعمال تحریم جدید علیه ایران از سوی کنگره نه تنها مشکلی را حل نخواهد کرد بلکه مشکلات را دوچندان خواهد کرد. مذاکرات هسته‌ای ایران و گروه ۱+۵ با حضور تیم مذاکره کننده هسته‌ای کشورمان به ریاست محمد جواد ظریف روز جمعه ۱۷ بهمن ماه در مونیخ دنبال خواهد شد. پیشتر عباس عراقچی، معاون وزیر امور خارجه ایران، پس از پایان مذاکرات چهار جانبه با کشورهای اروپایی در ترکیه با بیان اینکه مذاکره با شش کشور کار مشکلی است گفته بود: با توجه به اینکه همه طرفها مواضع مشترک ندارند لذا هماهنگ کردن و رسیدن به منطق مذاکراتی واحد، کار زیادی می برد. وی افزود وده بود که هر چه به جزییات نزدیکتر می شویم اختلاف نظرها بیشتر می شود. وی با اشاره به اینکه ماراتن مذاکراتی همچنان ادامه دارد تصریح کرده بود که کماکان در موضعی نیستیم که بتوانیم بگوئیم پیشرفت داشتیم، به عقیده من هنوز برای قضاوت زود است. همچنین محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه کشورمان با تاکید بر اینکه ماه مارس تاریخ خوبی برای دستیابی به توافق است، گفت: اعتقاد دارم اگر اراده سیاسی در طرف مقابل برای اجرای مفاد توافق ژنو وجود داشته باشد، دستیابی به توافق امکان پذیر است. در همین راستا گفتگویی با «آلن ایر» سخنگوی وزارت خارجه آمریکا انجام شده است که مشروح آن در زیر آمده است:



ثابت کند. تحریم های هسته ای بر داشته خواهند شد و منطقه امن تر خواهد شد. اما در حال حاضر وضع تحریم های تازه توسط کنگره می تواند هر چه رشته ایم را پنبه کند و نه تنها درد ما را دوا نمی کند بلکه وضعیت را دوچندان دشوارتر خواهد ساخت. این تنها نظر دولتمان نیست بلکه شرکای ما در این پروسه هم در این راستا اظهار نظر کردند که در حال حاضر وقت وضع تحریم تازه ای نیست. پس من فکر می کنم که دولت می تواند با حرف منطقی منتقدین خود را راضی کند به نحوی که تحریم تازه اعمال نشود!

به شیوه ای که دولت باراک اوباما اعتقاد دارد، معتقد نیستند. در صورت پیروزی احتمالی آنها در انتخابات ریاست جمهوری آینده آمریکا آیا آنها به توافقات دولت اوباما با ایران که در گذشته صورت گرفته و احتمالاً در ادامه صورت خواهند گرفت، متعهد خواهند بود؟

رییس جمهوری ما آقای اوباما روشن ساخت که حالا فرصتی برای رسیدن به توافقی جامع در دست است که اگر آن را غنیمت شماریم، ایران می تواند ماهیت صرفاً صلح آمیز برنامه هسته ای اش را

به محتویات این مذاکرات آنچه می توانم بگویم این است که تابحال خیلی پیشرفت داشته ایم، اما هنوز شکاف های عمده ای سر جای خود باقی هستند. اما بقول حافظ «گر چه منزل بس خطرناک است و مقصد بس بعید / هیچ راهی نیست کان را نیست پایان غم مخور» و به امید خدا این مذاکرات نتیجه بخش می شود تا تحریم ها برداشته شوند و نگرانی های جامعه جهانی در مورد برنامه هسته ای ایران برطرف شوند.

به نظر می رسد جمهوری خواهان کنگره به دیپلماسی با ایران حداقل

|| طرف های مذاکرات هسته ای ایران ابراز خوش بینی کرده اند که تا بهار به توافق سیاسی برسند. به نظر شما دستیابی به توافق سیاسی تا چه حد می تواند موجب توافق هسته ای جامع شود؟

بله، هم طرف جمهوری اسلامی ایران و هم طرف گروه ۱+۵ بارها گفته اند که حصول توافق جامع هسته ای شدنی است، اما همه هم گفته اند که اصلاً حتمی نیست که به توافق برسیم. به نظر من در تجزیه و تحلیل وضعیت کنونی صحبت از «اراده سیاسی» این طرف یا آن طرف کفایت نمی کند، از اینکه با ورود به روند مذاکرات هر دو طرف نشان دادند که از اراده سیاسی لازم برخوردارند. پس اگر این کار آسان بود اراده سیاسی تنها عامل مهم بود، خیلی پیش از این به نتیجه می رسیدیم.

وضع تحریم های تازه توسط کنگره می تواند هر چه رشته ایم را پنبه کند و نه تنها درد ما را دوا نمی کند بلکه وضعیت را دوچندان دشوارتر خواهد ساخت

هدف ما این است که تا ۱۱ فروردین ماه به تفاهم سیاسی برسیم، یعنی عناصر عمده یک توافق را فراهم آوریم و سپس جزئیات فنی را تا نهم تیرماه تکمیل کنیم.

|| اساساً چند درصد از مسیر رسیدن به توافق جامع هسته ای طی شده است؟

در مورد این سوال، یعنی چند درصد از این مسیر طی شده است، بدون پرداختن



گفتگو با عضو شورای ملی آمریکایی ایرانی:

توافق سیاسی می تواند بیانگر نتایج ملموس باشد تحریم خطر جدی برای مذاکرات

گفتگو از بهمان بزدا



«رایان کاستلو» عضو شورای ملی آمریکایی ایرانی تصویب تحریم های جدید علیه ایران را تهدیدی جدی برای مذاکرات هسته ای خواند. این روزها شاهد شکاف در میان کنگره و دولت آمریکا بر سر وضع دور جدیدی از تحریم ها علیه ایران هستیم. اصرار گروهی از سناتورهای تندروی کنگره و سنا موجب شد تا باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا با حضور در کنگره این کشور تهدید کند که در صورت تصویب چنین تحریم هایی وی آنها را وتو خواهد کرد. از سویی دیگر «جان بوینر» رئیس کنگره آمریکا در واکنش به تهدیدات باراک اوباما با رد اظهارات وی از نخست وزیر رژیم اسرائیل خواست تا با حضور در کنگره این کشور درباره تهدیدات ایران به سخنرانی بپردازد. همچنین کمیته بانکی سنا آمریکا طرح افزایش تحریم ها علیه ایران در صورت شکست مذاکرات هسته ای با ایران را تصویب کرده است. از ۲۲ عضو این کمیته هم ۱۲ سناتور جمهوریخواه و ۱۰ عضو دموکرات کمیته به این طرح رأی مثبت دادند و ۸ سناتور دموکرات با آن مخالفت کردند. در پی این تحولات گفتگویی با «رایان کاستلو» عضو شورای آمریکایی ایرانی انجام شده است که در ادامه می آید.

کرده باشد و این روندی زمان بر است.

|| طرف های مذاکرات هسته ای درباره دستیابی به توافق سیاسی با ایران تا بهار امسال ابراز امیدواری کرده اند. به نظر شما دستیابی به توافق سیاسی تا چه حدی می تواند راه را برای دستیابی به توافق جامع هسته ای هموار کند؟

اگر دو طرف بتوانند تا بهار به توافق سیاسی دست یابند نشانگر این خواهد بود که مذاکرات نتایج ملموسی داشته است و شرایط برای کسانی که در دو طرف می خواهند مذاکرات به نتیجه نرسد سخت تر خواهد شد. در حال حاضر حوصله این کنگره کم است و تمديد بیشتر این روند می تواند فرصتی برای مخالفان آن در کنگره باشد که خواستار تحریم های جدید هستند، صرف نظر از خطراتی که چنین اقدامی خواهد داشت.

توافق سیاسی مثل توافق هسته ای موقت می تواند شامل دورنمای وسیعی از تمامی اجزاء عمده توافق نهایی باشد و یا می تواند شامل تعهد بیشتر برای حل و فصل مسائل برجسته و مهم باشد. اگر قرار باشد جزئیات فنی سابق طبقه بندی شوند، به نتیجه رسیدن توافق نهایی مسئله زمان خواهد بود و اگر بعدا اختلافات سیاسی بر سر برخی از موضوعات خاص باقی بماند به نتیجه رسیدن درباره توافق نهایی تا زمان تعیین شده در ماه ژوئن کاری سخت خواهد بود.

در پایان باید بگویم هر دو طرف باید درباره موضوعات سختی که تا الان از تصمیم گیری درباره آنها خودداری کرده اند تصمیم گیری کنند. با پایان ساعت سیاسی (مهلت) هیچ یک از طرف ها نخواهد توانست ارزش منافع دو جانبه این قرارداد را ارزش گذاری کند |

انتخاباتی شاهد رجزخوانی های زیادی در این خصوص خواهیم بود اما برای رئیس جمهور جدید از هر جناحی که باشد بسیار سخت خواهد بود تا از توافقی که بتواند برنامه هسته ای ایران را کنترل کند و مانع از فجایع جنگ شود بطور علنی صرف نظر کند و آن را نادیده بگیرد. اگر رئیس جمهور جدید چنین کاری را بکند در آن صورت مسئولیت تبعات آن با او خواهد بود که این تبعات می توانند شامل از دست رفتن محدودیت های معنی دار بر برنامه هسته ای ایران، شکاف و اختلاف بین جامعه جهانی بر سر ایران و افزایش احتمال برخورد نظامی در منطقه ای که در حال حاضر در آن هرج و مرج است باشد. اگر این توافق هسته ای در زمان باراک اوباما حاصل شود جانشین وی مشوق های قوی برای تضمین اجرایی شدن آن خواهد داشت.

|| اگر تمامی تحریم های ایران در دوره ریاست جمهوری اوباما برداشته شوند آیا دولت بعدی آمریکا به توافقات هسته ای اوباما با ایران متعهد باقی خواهد ماند؟ آیا این احتمال وجود دارد که تحریم ها مجددا برقرار شوند؟

من فکر نمی کنم تمامی تحریم ها در دوره باراک اوباما برداشته شوند. در صورتی که توافق هسته ای حاصل شود احتمالاً رئیس جمهور از بسیاری از آنها چشم پوشی خواهد کرد و یا بطور موقت آنها را تعلیق خواهد کرد. کنگره است که درباره برداشتن تحریم ها تصمیم خواهد گرفت و در حال حاضر قبل از اینکه توافقی حاصل شود، کنگره چنین تصمیمی را به رای گیری نخواهد گذاشت. اقدام آمریکا برای برداشتن تحریم ها بعد از آن صورت خواهد گرفت که ایران بر اساس توافق تعهدات خود را اجرایی

|| تلاش کنگره جدید برای تصویب تحریم های جدید علیه ایران که در کنترل جمهوری خواهان است نشان می دهد که جمهوری خواهان اعتقادی به دیپلماسی با ایران حداقل به شیوه ای که دولت باراک اوباما دارد ندارند، اگر دولت بعدی آمریکا در اختیار جمهوری خواهان باشد، آیا به توافقات انجام شده با ایران و توافقات احتمالی که در زمان باقی مانده از دوره ریاست جمهوری اوباما صورت خواهند گرفت پایبند خواهند بود؟

درست است که دموکرات ها بیشتر از جمهوری خواهان از مذاکرات حمایت کرده اند اما همه اعضای دو حزب از سیاست های احزابشان پیروی نمی کنند. سناتور «راند پال» که انتظار می رود کاندیدی انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا باشد یک جمهوری خواه است اما وی هم با تصویب تحریم جدید مخالفت کرده است. چرا که معتقد است اعمال تحریم جدید موجب خواهد شد تا ایران میز مذاکرات را ترک کند و چنین کاری می تواند احتمال برخورد نظامی را افزایش دهد. همینطور در میان دموکرات ها هم کسانی هستند که معتقدند مذاکرات ایده بدی است هر چند به نظر می رسد که «هیلاری کلینتون» که پیشرو دموکرات ها است در این موضوع کاملاً از باراک اوباما حمایت می کند. هر چند به احتمال زیاد در رقابت های

در صورتی که توافق هسته ای حاصل شود احتمالاً رئیس جمهور از بسیاری از آنها چشم پوشی خواهد کرد و یا بطور موقت آنها را تعلیق خواهد کرد |

|| منطبق آن دسته از سناتور ها که به دنبال تحریم های جدید علیه ایران هستند چیست آنهم در زمانی که مذاکرات هسته ای بین ایران و گروه ۵+۱ در جریان است؟

در آمریکا عده ای هستند که علاقمند هستند تا توافق نهایی صورت نگیرد و این روند تخریب شود. آن دسته از قانون گذاران آمریکایی که خواستار تصویب تحریم های جدید علیه ایران هستند توجیه شان این است که این تحریم ها می توانند اهرم فشار آمریکا بر ایران را در پشت میز مذاکرات تقویت کند و به ایران صراحتاً اعلام دارد تبعات دست نیافتن به توافق جامع هسته ای چه خواهد بود.

اما این توجیه طبق توافق هسته ای موقت (برنامه اقدام مشترک) رد شده است زیرا طبق توافق موقت اعمال تحریم های مرتبط با برنامه هسته ای ایران در زمانی که توافق موقت در جریان است ممنوع می باشد.

حتی اگر این تحریم ها به تعویق بیافتند، تصویب تحریم های جدید توسط کنگره تهدیدی جدی برای مذاکرات خواهد بود و این برداشت را به وجود خواهد آورد که آمریکا روند مذاکرات را تخریب کرده است. ضمناً آنهایی که در حال حاضر پشت میز مذاکره هستند از جمله مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، انگلیس، فرانسه و آلمان به صراحت اعلام داشته اند که تصویب تحریم های جدید نه تنها کمکی نخواهد کرد بلکه مذاکرات را به خطر خواهد انداخت.

بسیاری از آنها که برای تصویب دور جدید تحریم ها فشار می آورند خواهان شکست مذاکرات هستند. سناتور «تام کاتن» اخیراً گفته است که پایان مذاکرات «تبعات مورد انتظار» اقدام کنگره بود.

گفتگو با مسئول سابق بخش تحلیل عملیات سازمان سیا: توافق سیاسی راه را هموار می کند/ تحریم جدید توجیه پذیر نیست

«پل پیلار» تحلیلگر پیشین سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) گفت مسئله افزایش تحریم ها علیه ایران به بهانه افزایش قدرت چانه زنی آمریکا در مذاکرات پوششی برای به شکست کشاندن مذاکرات هسته ای است. این روزها شاهد شکاف در میان کنگره و دولت آمریکا بر سر وضع دور جدیدی از تحریم ها علیه ایران هستیم. اصرار گروهی از سناتورهای تندرو موجب شد تا باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا با حضور در کنگره این کشور تهدید کند که در صورت تصویب چنین تحریم هایی آنها را وتو خواهد کرد. از سوی دیگر «جان بوینر» رئیس کنگره آمریکا در واکنش به تهدیدات باراک اوباما با رد اظهارات وی از نخست وزیر رژیم اسرائیل خواست تا با حضور در کنگره این کشور درباره تهدیدات ایران به سخنرانی بپردازد. همچنین کمیته بانکی سنای آمریکا طرح افزایش تحریم ها علیه ایران در صورت شکست مذاکرات هسته ای با ایران را تصویب کرده است. از ۲۲ عضو این کمیته هم ۱۲ سناتور جمهوریخواه و ۶ نفر از ۱۰ عضو دموکرات کمیته به این طرح رأی مثبت دادند و ۶ سناتور دموکرات با آن مخالفت کردند. در این خصوص گفتگویی با پروفیسور «پل پیلار» که سابقه ۲۸ سال حضور در سازمان سیا را داشته و برای مدتی نیز ریاست تحلیل عملیات های سازمان سیا در خلیج فارس بر عهده او بوده است داشتیم. پروفیسور پل پیلار در سال ۲۰۰۵ میلادی پس از ۲۸ سال حضور در سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سازمان سیا) بازنشسته شد. آخرین پست وی در سازمان سیا فاسر اطلاعات ملی در امور شرق نزدیک و جنوب آسیا بود. البته پیلار پیش از این پست مسئولیت های متعددی را در اختیار داشت که از جمله آنها می توان بر ریاست واحدهای تحلیل عملیات های سیا در شرق نزدیک، خلیج فارس و جنوب آسیا اشاره کرد. پیلار سابقه حضور در شورای امنیت ملی آمریکا به عنوان یکی از اعضای اصلی آن را نیز دارد. پیلار از جمله متخصصان بنام موضوع هسته ای ایران است که آثار او مورد توجه است.



کشتن یک توافق بعد از گذشت ۲ سال از اجرایی شدن آن بسیار سخت تر از کشتن آن در این مرحله خواهد بود.

|| طرف های مذاکرات هسته ای ابراز امیدواری کرده اند تا بهار به توافق سیاسی دست یابند. دستیابی به توافق هسته ای به نظر شما تا چه حد راه را برای دستیابی به توافق جامع هسته ای هموار می کند؟

اگر بتوان به یک توافق سیاسی که گفته می شود دست یافت، آن موقع می توان گفت که به احتمال زیاد مذاکره کنندگان خواهند توانست ظرف ۳ ماه دیگر تمامی جزئیات فنی را نیز با موفقیت حل و فصل کنند. خطری که در این فاصله زمانی مذاکرات را تهدید خواهد کرد این است که تدریجاً ممکن است فرصتی بیابند تا راه های جدیدی برای به شکست کشاندن مذاکرات بیابند |

در حال حاضر به نظر نمی رسد که جمهوری خواهان رای کافی برای بی تاثیر کردن وتوی باراک اوباما را داشته باشند. در صورتیکه مذاکرات جاری به نتیجه برسند قبیل از آنکه رئیس جمهور جدید کار را در دست گیرد حداقل یک سال و نیم وقت برای اجرایی شدن آن باقی خواهد بود و در صورتیکه در این زمان این توافق با موفقیت اجرایی شود حتی برای یک رئیس جمهور جمهوری خواه هم نقض آن سخت خواهد بود.

|| اگر در دوره ریاست جمهوری اوباما تمامی تحریم های ایران لغو شوند آیا با روی کار آمدن یک رئیس جمهور جمهوری خواه در آمریکا امکان برگشت دوباره تحریم ها وجود دارد؟
همانگونه که اشاره شد با وجود اینکه برقراری مجدد تحریم ها امکان پذیر خواهد بود، اما

|| تلاش برای اعمال تحریم های جدید علیه ایران بیانگر این است که جمهوری خواهان به دیپلماسی با ایران حداقل به آن صورت که اوباما معتقد است معتقد نیستند. در صورتیکه جمهوری خواهان در انتخابات ریاست جمهوری آتی کنترل کاخ سفید را در اختیار خود گیرند آیا مذاکرات و توافقات هسته ای را از مسیر خود خارج خواهند کرد؟

|| در حالیکه مذاکرات هسته ای در جریان است، منطق آن دسته از کسانی که در کنگره در تلاش هستند تا تحریم های جدیدی را علیه ایران به تصویب برسانند چیست؟
آنها می گویند که به دنبال اعمال تحریم جدید علیه ایران هستند می خواهند مذاکرات را از بین ببرند زیرا آنها هیچگونه توافقی با ایران را نمی خواهند. آنها سعی می کنند اینگونه وانمود کنند که در تلاش هستند تا قدرت چانه زنی آمریکا را در مذاکرات هسته ای بالا ببرند و البته شاید برخی از مردم این حرف را باور کنند.



اگر بتوان به یک توافق سیاسی دست یافت، آن موقع می توان گفت که به احتمال زیاد مذاکره کنندگان خواهند توانست ظرف ۳ ماه دیگر تمامی جزئیات فنی را نیز با موفقیت حل و فصل کنند |

فارین پالیسی پیام رهبر ایران به جوانان غربی را غیرمنتظره خواند

یک مجله آمریکایی با اشاره به نامه رهبر انقلاب اسلامی ایران به جوانان غربی از استقبال کاربران شبکه های اجتماعی از این نامه خبر داد.

نامه رهبر انقلاب اسلامی ایران خطاب به جوانان اروپا و آمریکای شمالی توجه رسانه های غربی را به خود جلب کرد. مجله فارین پالیسی آمریکا در مطلبی که به این نامه اختصاص داد، آن را غیرمنتظره خواند.

در این مطلب با اشاره به نامه مذکور که محتوای آن در شبکه های اجتماعی به اشتراک گذاشته شده، خطاب قرار گرفتن جوانان اروپایی و آمریکایی از سوی رهبری ایران «بسیار غیرمنتظره» ارزیابی شده است.

بر این اساس رهبری ایران پس از حملات تروریستی اخیر در فرانسه، جوانان اروپایی و آمریکایی را مستقیماً مورد خطاب قرار داده و با آنها سخن گفته است. در این نامه از جوانان غربی خواسته شده در واکنش به سیل پیشداوری ها و تبلیغات منفی علیه اسلام به شناخت مستقیم و بی واسطه از این دین دست یابند. رهبر انقلاب اسلامی ایران همچنین از جوانان غربی خواسته است با مطالعه قرآن و زندگی پیامبر اسلام واقعیات این دین را شخصاً درک کرده و اجازه ندهند این واقعیت با اغراض و اهداف آلوده و از طریق تروریست های تحت استخدام به آنها شناسانده شود.

این مجله آمریکایی همچنین به دیدگاه منفی ایران نسبت به قدرت های غربی اشاره کرده و سخنان رهبر انقلاب در مورد اهداف استعمارگرایانه غرب به ویژه پس از اعتراضات ماه آگوست در شهر فرگوسن آمریکا را مورد تاکید قرار داده است.

این گزارش همچنین از استقبال گسترده کاربران شبکه های اجتماعی از جمله توییتر از این نامه خبر داده و نوشته است دهها نفر از کاربران این شبکه ها به باز نشر و به اشتراک گذاری آن پرداخته اند.



گفتگو با عضو انجمن فیلسوفان آمریکا:

پیام رهبری ایران به جوانان غرب باورهای غلط از اسلام را به چالش کشید

عضو انجمن فیلسوفان آمریکا پیام رهبری ایران به جوانان آمریکا و اروپا را به چالش کشاننده باورهای غلط درباره اسلام دانست. پیام مقام معظم رهبری به جوانان اروپا و آمریکا در خصوص لزوم شناخت اسلام واقعی از سوی آنها انعکاس و سببی در سطح جهانی داشت. از این رو گفتگویی با پروفسور «چارلز تالیافرو» استاد دانشگاههای آکسفورد، کلمبیا، پرینستون، کلمبیا و تتردام آمریکا انجام شده است که در ادامه از نظر می گذرد.

تالیافرو در حال حاضر استاد فلسفه کالج سنت اولاف در مینه‌سوتا، آمریکاست. راهنمای آکسفورد درباره الهیات، راهنمایی قدمتی بر زیبایی شناسی، تصویر در ذهن، فرهنگ فلسفه دین، تاریخ مختصر روح، راهنمای راتلج درباره خداشناسی و راهنمای مقدماتی فلسفه دین از جمله آثار وی به شمار می‌روند. او از فیلسوفان برجسته معاصر به شمار می‌رود که در این حوزه صاحب آثار ارزشمندی است. وی دانش آموخته دانشگاه براون و هاروارد است، وی عضو انجمن فیلسوفان آمریکاست.

تالیافرو در حال حاضر استاد فلسفه کالج سنت اولاف در مینه‌سوتا، آمریکاست. راهنمای آکسفورد درباره الهیات، راهنمایی قدمتی بر زیبایی شناسی، تصویر در ذهن، فرهنگ فلسفه دین، تاریخ مختصر روح، راهنمای راتلج درباره خداشناسی و راهنمای مقدماتی فلسفه دین از جمله آثار وی به شمار می‌روند. او از فیلسوفان برجسته معاصر به شمار می‌رود که در این حوزه صاحب آثار ارزشمندی است. وی دانش آموخته دانشگاه براون و هاروارد است، وی عضو انجمن فیلسوفان آمریکاست.

پیام رهبر انقلاب به جوانان غربی پس از ماجرای شارلی ابدو که دستاویز برخی برای دامن زدن به اسلام هراسی بود را چگونه ارزیابی می کنید؟

به نظر من پیام رهبر انقلاب سید علی خامنه ای با استقبال زیادی در غرب مواجه خواهد شد و این استقبال از سوی سنن مختلف خواهد بود. برداشت ایشان درباره اسلام و مسیحیت بسیار عمیق و هوشیارانه است. دقیقاً همانگونه که مسیحیان نیاز به این مسئله دارند که بفهمند که خشونت های انجام پذیرفته به نام مسیحیت در تضاد با آموزه های حضرت مسیح و مسیحیت حقیقی بوده، امروز کسانی هم

بر جنبش های ضد اسلامی مثل پیگیدا که نوعی تفسیر منحرف و غلط را از اسلام ارائه می دهند خواهد داشت؟

هر چه این نامه بیشتر نشر یابد و تفسیر آن این باشد که در این نامه هم کاریکاتورها و هم ارائه چهره غلط از اسلام توسط آنهاست که مرتکب خشونت می شوند محکوم شده است موفقیت اسلام نزد غربی ها بیشتر خواهد بود. باید صراحتاً به غربی ها گفته شود که اسلام کشتار دانش آموزان را نفی می کند. باید به صراحت اعلام شود که جمهوری اسلامی ایران شلیک افراد مسلح به نیروی پلیس در خیابان های پاریس را محکوم می کند. این نامه چالشی بزرگ برای پیگیدا و آنهاست که فکر می کنند اسلام واقعی با اعمال ناپسند سازگار است. اطلاعات غلطی درباره اسلام منتشر شده اند که باید اصلاح شوند.

چرا ساختار قدرت جهانی تمایل دارد اسلام را در حاشیه قرار دهد؟

بسیاری در غرب هستند که خواهان استقبال از فرهنگ و افراد اسلامی هستند برای اینکه در حال حاضر در اکثر کشورهای غربی ما شاهد رشد پایدار جمعیت مسلمانان هستیم و مسلمانان بطور روز افزونی در حال عضو شدن در مراکز قانونگذاری و دادگاه های حقوقی و پارلمان ها هستند از جمله در کشور ایالات متحده آمریکا که مسلمانان بطور فزاینده در حال به دست آوردن نمایندگی های سیاسی در سطوح بالای دولتی و فدرال هستند. نگرانی ها از اسلام نیست زیرا اگر چنین بود مسلمانان هیچ یک از این دستاوردها را کسب نمی کردند. نگرانی از افراد رادیکال و افراطی است که به نام اسلام سلاح و بمب در دست می گیرند و به جای راه های مسالمت آمیز راه های خشونت آمیز را دنبال می کنند. آنهاست که به نام اسلام پلیس فرانسه را می کشند و آنهاست که با این افراد به عنوان قهرمان رفتار می کنند. ریشه در اسلام ندارند و اساساً کاری با اسلام ندارند آنها پیرو اسلام نیستند آنها پیرو تفکرات خود هستند که فکر می کنند اسلام است، دوستان و دشمنان اسلام باید بر این نکته واقف باشند که رفتار این افراد ریشه در آموزه های حقیقی اسلام ندارد. من یک مسیحی هستم اما خودم را دوست قوی اسلام می دانم. من طوری عمل می کنم که بتوانم فرهنگ اسلام واقعی را در کشور خود بسط و گسترش دهم. زمانی که آخرین بار در ایران بودم از برادران ایمانی خود یعنی روحانیون اسلامی و فلاسفه اسلامی خواستم تا برای ایمنی من در سفرهایم دعا کنند و دعای من هم شامل حال آنها است.

جوانان غربی چگونه می توانند حقیقت واقعی اسلام را دریابند؟

از طریق قرار گرفتن در یک جامعه ای که بر اساس آموزه های قرآنی و پیامبر اسلام (ص) زندگی می کنند و در ارتباط بودن با دوستان واقعی اسلام که در همه جا حضور دارند.

تاکید رهبر انقلاب اسلامی به شناخت دقیق از اسلام چه تاثیری

پیش بینی بهبود روابط ایران و عربستان

آینده روابط ایران و عربستان است اما طی روزهای اخیر علائق و پالس‌های مثبت متعددی از سوی تهران برای ریاض در راستای بهبود روابط ارسال شده است که آخرین مورد آن به دیدارهای اخیر «علاء الدین بروجردی» رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی ایران با مقامات لبنانی مربوط می‌شود.

بروجردی در این دیدارها بر عزم ایران بر تقویت مناسبات با عربستان تأکید کرده است و در مقابل مقامات لبنانی از جمله «تمام سلام» نخست وزیر لبنان از تمایل ریاض برای برقراری آرامش و ثبات در منطقه سخن به میان آورده است و تأکید کرده که مقامات سعودی انتظار دارند مواضع مقامات ایرانی در صحنه عملی نیز دیده شود |



نیاز دارد و دوم اینکه مقامات ارشد سعودی طی سالهای طولانی اخیر که به دشمنی با ایران گذشته است، به این نتیجه رسیده اند که این سیاستها نفعی نداشته و باید تغییر کند. با وجود اینکه مطلب در حد گمانه زنی از

پادشاهی «ملک سلمان بن عبدالعزیز» روابط تهران و ریاض به دو دلیل اساسی تقویت شود. نخست اینکه عربستان سعودی در دوران ملک سلمان به بازآفرینی قوای خود (در منطقه) و سر و سامان دادن به وضعیت داخلی خود

در پی مرگ پادشاه عربستان سعودی و تحولات اخیر در منطقه پایگاه لبنانی النشرة به نقل از منابع موثق گزارش داد: به نظر می‌رسد در آینده نزدیک صفحه جدیدی در روابط ایران و عربستان گشوده شود. این منابع پیش بینی کردند که در دوران

همراهی با ایران تنها راه فرار عربستان از مخمصه کنونی



یک رسانه غربی با اشاره به بدتر شدن اوضاع امنیتی عربستان به دلیل تحولات یمن و همزمان شدن آن با مرگ ملک عبدالله، ایران را کشوری دانست که می‌تواند زندگی را برای ریاض آسان تر یا سخت تر کند. المانی‌تور در تحلیل خود می‌نویسد: مرگ پادشاه عربستان و همزمان شدن آن با شدت گرفتن تحولات یمن و سقوط دولت این کشور موجب شده تا امنیت ملی عربستان در شرایط بدی قرار بگیرد.

در همین رابطه برخی کارشناسان با استناد به شایعات مربوط به ارتباط حوثی‌های یمن با ایران می‌گویند که سقوط دولت یمن یک شکست برای آمریکا و عربستان و یک پیروزی کوچک برای ایران بود. البته سقوط دولت یمن برای شاخه القاعده در این کشور نیز یک موفقیت محسوب می‌شود.

در شرایطی که داعش فعال در عراق در نزدیکی مرزهای عربستان قرار دارد و همانند گرگی است که در جلوی خانه نشسته، و القاعده یمن نیز در آن سوی مرزهای عربستان حضور دارد و هر دوی این گروه‌ها (القاعده و داعش) خواستار سقوط حکومت عربستان هستند اوضاع امنیتی عربستان سعودی در مخمصه بدی گیر کرده است. و در این میان ایران کشوری است که بر هر دو گروه

زیادی به حل اختلافات عربستان و ایران کند دیدار «ملک سلمان» پادشاه جدید عربستان، با «حسن روحانی» رئیس جمهور ایران، است، این دیدار در صورت وقوع می‌تواند موجب بهبود شرایط موجود در منطقه شود. در غیر این صورت مخمصه‌ای که عربستان در آن گیر کرده بدتر شده و البته بدتر شدن شرایط برای ایران و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس نیز تبعاتی را دارد |

بر همین اساس تحولات جاری منطقه ممکن است موجب تغییر روش عربستان سعودی در خصوص ایران شود. عربستان عضو ائتلاف ضد داعش و القاعده است و البته ایران نیز در مبارزه با داعش منافعی را دارد. بر همین اساس ایران می‌تواند زندگی را برای عربستان سعودی سخت تر و یا آسان تر کند. البته عربستان همانند کشورهای ۵+۱ می‌تواند ایران را آزمایش کند. یکی از مواردی که می‌تواند کمک

حاکم در عراق و یمن تسلط دارد و می‌تواند در مبارزه علیه داعش و القاعده کمک زیادی به ریاض کند. البته در این میان بحرین نیز وجود دارد کشوری که اکثریت جمعیت آن خواهان تغییر در نحوه حکومت هستند و تحقق این امر یعنی یک شکست دیگر برای عربستان، هر چند ایران و عربستان اختلافاتی با یکدیگر دارند اما تهران خواستار براندازی حکومت عربستان نیست.



«کانترپانچ» تحلیل کرد؛

همکاری با تهران عامل تقویت امنیت منطقه/ ایران الگوی ثبات خاورمیانه

یک پایگاه تحلیلی آمریکایی در گزارشی همکاری بین المللی با ایران را عامل تقویت ثبات در خاورمیانه و جهان اسلام توصیف کرد.

در گزارش «کانترپانچ» آمده است: ایران باثبات ترین کشور خاورمیانه محسوب می شود و شورای همکاری خلیج فارس نمی تواند در برابر قدرت ایران چالشی ایجاد کند. با وجود گذشت ۳۵ سال از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، که طی آن شاهد تغییر موازنه قوا در خاورمیانه بوده ایم و مشکلات داخلی و تحریمها نیز ایران را آزار داده است، اما این کشور الگوی ثبات در منطقه ای محسوب می

شود که همسایگانش در اثر برخی تنشها دچار سرنگونی در راس هرم قدرت شده اند.

کانترپانچ در ادامه گزارش داد: کشورهای عضو شورای همکاری شامل عربستان سعودی، امارات، بحرین، کویت، عمان و قطر به همراه مصر و عراق در تلاش بودند که نفوذ ایران در منطقه را کنترل کنند اما در شرایط فعلی به دلایل متعدد نمی توانند کاری در این باره انجام دهند. مصر در شرایط فعلی با مشکلات داخلی و معضلات شدید اقتصادی مواجه است و نمی تواند در برابر ایران قدم علم کند. از طرفی ایران و عراق اختلافات گذشته را با تشکیل ائتلافی

بین خود، کنار گذاشته اند. در شرایط فعلی مبارزه با تروریستها تهدید نخست در برابر امنیت خاورمیانه است. آمریکا و انگلیس نیز در مبارزه با تروریسم در عراق و افغانستان شکست واضحی داشته اند، از طرفی به نظر می رسد ترکیه خواهان موضع گیری ضد داعش بر اساس آنچه غریبهها می خواهند، نیست. این شرایط باعث شده فرصت مناسبی برای تشکیل ائتلاف بزرگی میان شیعیان منطقه شامل ایران، عراق، ارتش سوریه و حزب الله لبنان ایجاد شود که در خط مقدم مبارزه علیه داعش قرار دارند. این پایگاه تحلیلی خطر واقعی در شرایط

کنونی را خلاء قدرت در خاورمیانه دانسته و گزارش می دهد: برای رهایی از این خطر، کشورهای غربی باید به ایران در مبارزه علیه داعش نزدیک شوند. همچنین از بین بردن این خطر باعث می شود تلاشهای روسیه برای تحریم صادرات نفت و گاز به کشورهای غربی به نتیجه نرسد. توافق میان ایران و گروه ۵+۱ نیز می تواند همکاری مستقیم میان ایران و غرب را به جلو ببرد و زمینه ساز بازگشت آرامش و ثبات به خاورمیانه و جهان اسلام باشد. این مسئله همچنین به اعتبار ایران به عنوان باثبات ترین کشور منطقه می افزاید.



دکتر ضیائی بیگدلی:

تلاش های جهانی برای منع کاربرد سلاح های شیمیایی کافی نبوده است

۱۹۲۲ نیز تلاش دیگری در این راه بود و طی آن ۵ قدرت فاتح جنگ جهانی اول استفاده از گازهای سمی را ممنوع کردند. اما به دلیل عدم صراحت کشورهای امضا کننده، این معاهده نیز اجرایی نشد. به اعتقاد این استاد دانشگاه در بین معاهدات امضا شده برای منع کاربرد سلاح های شیمیایی، پروتکل ۱۹۲۵ ژنو اهمیت ویژه ای دارد زیرا سلاح های بیولوژیکی و میکروبی را نیز شامل می شود. محور اصلی این پروتکل منع استفاده از گازهای خفقتان آور و جنگ میکروبی است. بر این اساس هر چند تا کنون کشورهای زیادی به این پروتکل پیوسته اند اما تا کنون جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده است. ضیائی بیگدلی در ادامه تشریح اعلامیه های ضد کاربرد سلاح شیمیایی اظهار داشت: اساسنامه ۱۹۴۶ دادگاه نورنبرگ نیز که استفاده از سلاح شیمیایی را جرم جنگی اعلام کرد در این چارچوب قرار می گیرد. هر چند این اقدام به منزله اعلام جرم و نه ممنوعیت بود. به گفته این حقوقدان کنوانسیون ۱۹۸۹ پاریس نیز متضمن حمایت همه جانبه از منع سلاح های شیمیایی است. بر این اساس کنوانسیون منع تولید و گسترش سلاح های شیمیایی مصوب ۱۹۹۳ از سال ۱۹۹۷ لازم الاجرا شده و تا سال ۲۰۰۳ بیشتر کشورهای جهان به آن پیوسته اند.

اعلامیه های تصویب شده در خصوص حقوق بین المللی شیمیایی به عنوان منابع خاص در این زمینه نام برد. دکتر ضیائی بیگدلی در ادامه افزود: تلاش ها برای ممنوعیت استفاده از سلاح شیمیایی به اعلامیه سن پترزبورگ در ۱۸۶۸ باز می گردد. متعاقب آن اعلامیه ۱۸۷۴ بروکسل بود که کشورها بر لزوم منع استفاده از این سلاح ها تاکید کردند اما مهمترین اعلامیه در این زمینه مربوط به نشست ۱۸۹۹ لاهه است که طی آن استفاده از سلاح های پرتاب کننده و پخش گازهای خفقتان آور در جنگ ها منع شد. به گفته این استاد دانشگاه در کنفرانس لاهه نمایندگان ۲۶ کشور از آمریکا، اروپا و ایران، چین، ژاپن و تایلند نیز از آسیا شرکت داشتند. بر این اساس هر چند هدف برگزار کنندگان این کنفرانس سیاسی بود تا با محدود کردن استفاده از این سلاح ها صلح عمومی برقرار شود اما وجهه حقوقی اعلامیه لاهه بسیار پررنگ تر شد. وی با اشاره به ماده ۲۲ کنوانسیون چهارم لاهه در سال ۱۹۰۷ که کاربرد سموم و سلاح شیمیایی را منع کرده این کنوانسیون را در زمان خود بسیار پیشرفته ارزیابی کرد. با این حال هیچیک از طرفین در جنگ جهانی اول مفاد آن را رعایت نکردند. دکتر ضیائی بیگدلی ادامه داد: معاهده واشنگتن در سال

یک استاد دانشگاه با اشاره به اعلامیه ها و کنوانسیون های متعدد بین المللی در منع استفاده از سلاح های شیمیایی، این تلاش ها را ناکافی دانست.

دکتر «محمدرضا ضیائی بیگدلی» استاد دانشگاه و حقوقدان و از سخنرانان همایش بین المللی احقاق حقوق قربانیان سلاح های شیمیایی طی سخنانی با موضوع «نگرشی اجمالی بر حقوق بین المللی سلاح های شیمیایی» گفت: حقوق بین المللی سلاح های شیمیایی به دنبال حمایت از افراد و اموال غیرنظامی، حمایت از جانوران، حمایت از محیط زیست و حمایت مجذانه از خلع سلاح شیمیایی است. وی حقوق بین المللی شیمیایی را با بسیاری از شاخه های دیگر حقوق بین الملل مانند حقوق بشردوستانه، حقوق کیفری، حقوق سازمان های بین المللی، حقوق مسئولیت بین المللی و حقوق بین الملل پزشکی مرتبط دانست. رئیس پنل نخست این همایش در ادامه سخنان خود از



منطقه خاورمیانه که به ویژه در سالهای اخیر تحولاتی خونینی را شاهد بوده در ماه بهمن نیز شاهد حوادث خونبار بود. بررسی پدیده های این منطقه مستلزم فهم پدیده های گوناگون و مختلف است و ارتباطی میان آنها وجود دارد.

این به هم پیوستگی مسائل باعث شده تا حل و فصل آنها با پیچیدگی بیشتری همراه باشد. برای نمونه حل بحران ریاست جمهوری لبنان در گرو حل مسائلی چون سوریه و یا حداقل روشن شدن چشم انداز آتی این کشور است.

پیشروی ارتش عراق در استان دیالی و آزادسازی ۳ روستا از لوث داعش، ادامه اعتراضات بین المللی به بازداشت شیخ علی سلمان توسط رژیم آل خلیفه بحرین، درگذشت ملک عبدالله پادشاه عربستان و درگذشت معاون دبیر کل گروه اخوان المسلمین مصر سایر اخبار خاورمیانه در ماه بهمن به شمار می روند. مصر در سالروز انقلاب ۲۵ ژوئن شاهد کشته و زخمی شدن ۵۰ نفر در این کشور بود. چهارمین سالگرد انقلاب بحرین (انقلاب ۱۴ فوریه) نیز به خشونت کشیده شد و در اقدامی که انتظار آن نیز می رفت رژیم آل خلیفه از حیث سرکوب معترضان چیزی کم نگذاشت و معترضان بحرینی را به شدیدترین وجه ممکن سرکوب کرد.

آزادی کامل کوبانی توسط نیروهای دفاع مردمی از کنترل تروریست های داعش و تغییرات در ساختار قدرت عربستان سعودی متعاقب درگذشت ملک عبدالله از جمله حوادث مهم خاورمیانه در ماه بهمن به شمار می روند.

تشکیل کابینه جدید تونس، بیانیه قانون اساسی انصارالله در خصوص ساختار تصمیم گیری یمن و متعاقباً تشکیل شورای ریاستی و مجلس شورای ملی، سوزانده شدن خلبان اردنی اسیر داعش توسط این گروه تروریستی از جمله مهمترین خبرهای منطقه خاورمیانه در ماه بهمن هستند

خاورمیانه و آفریقا

دبیران: سمیه خمارباقی
فرزادفرهادتوسکی

گفتگو با نماینده پارلمان کویت؛

دیدگاه امیر کویت درباره رهبر انقلاب / طرح مناسب ایران برای امنیت منطقه

کنند امیر کویت هنگام سفر خود به ایران و دیدار با مقامات ایرانی به من گفت که آیت الله خامنه ای فقط رهبر جمهوری اسلامی ایران نیست بلکه رهبر کل منطقه استچنانکه امیر کویت هنگام سفر خود به ایران و دیدار با مقامات ایرانی به من گفت که آیت الله خامنه ای فقط رهبر جمهوری اسلامی ایران نیست بلکه رهبر کل منطقه است.

|| با این وجود تهدیداتی که کل منطقه را تهدید می کند چیست؟
من تهدیداتی نمی بینم اما ترسهایی از سوی رژیم صهیونیستی و توطئه های این رژیم در منطقه وجود دارد. با این وجود کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در کنار همسایه ایرانی خود قرار دارند. امروزه برخی تلاش می کنند که استقرار و امنیت در منطقه خلیج فارس با بحران مواجه شود و در تلاشند تا با اشاعه برخی مفاهیم عداوت جویانه در ادبیات کشورهای عربی به تفرقه افکنی و آشوب در منطقه بپردازند اما کویت با چشمان باز و بسیار آگاهانه با این مسئله برخورد می کند و بر اهمیت روابط تاریخی میان کویت و ایران واقف است.

|| نظر شما در رابطه با تصمیم بحرین در خصوص ایجاد یک پایگاه دریایی انگلیسی در خاک این کشور چیست؟
کشورها این حق را دارند که در مورد حاکمیت اراضی خود و اتفاقاتی که در این راستا به وقوع می پیوندد، تصمیم بگیرند. اما آنچه مسلم است این است که امروز انگلیس در راه بازگشت خود به منطقه است اما باید گفت این تصمیم نمی تواند خطری را در منطقه ایجاد کند.

امیر کویت هنگام سفر خود به ایران و دیدار با مقامات ایرانی به من گفت که آیت الله خامنه ای فقط رهبر جمهوری اسلامی ایران نیست بلکه رهبر کل منطقه استچنانکه امیر کویت هنگام سفر خود به ایران و دیدار با مقامات ایرانی به من گفت که آیت الله خامنه ای فقط رهبر جمهوری اسلامی ایران نیست بلکه رهبر کل منطقه است



گفتگو از فاطمه در خشان

نماینده پارلمان کویت تاکید کرد که تحریکات و القاءات غرب علیه ایران یکی از عوامل و انگیزه های تشکیل نیروی نظامی مشترک میان کشورهای حاشیه خلیج فارس است. نظم امنیتی خلیج فارس از دیرباز توسط عناصر (هژمون) خارجی شکل گرفته است. پیش از خروج بریتانیا از منطقه خلیج فارس این نظم توسط این کشور سامان می یافت و مانع از شکل گیری نظم امنیتی طبیعی توسط کشورهای اصلی منطقه خلیج فارس می شد. با خروج بریتانیا، این نظم می توانست به طور طبیعی شکل بگیرد که چنین نشده است. اما به رغم اینکه بعد از خروج بریتانیا نظم امنیتی منطقه خلیج فارس توسط دو عضو ایران و عربستان تأمین می شد ولی این نظم در راستای اهداف ایالات متحده آمریکا در جهت مقابله با گسترش کمونیسم تعریف می شد. بر این اساس بود که عضو دیگر زیر سیستم منطقه ای خلیج فارس یعنی عراق حذف شد. بعد از انقلاب اسلامی ایران نیز نظم منطقه خلیج فارس، متعاقب حمله عراق به کویت با حذف ایران و عراق صورت گرفت. کشورهای منطقه حاشیه خلیج فارس قرار دادهای نظامی دو جانبه با قدرتهایی چون آمریکا، بریتانیا و فرانسه امضا کرده اند و نظم مورد دلخواه و تأمین کننده منافع هژمون را حاکم کرده اند. این سیاستها اگر چه در برخی موارد چون بیانیه دمشق (اتحاد کشورهای عضو شورای همکاری به همراه مصر و سوریه ۲۰۰۶) با ناکامی مواجه شد ولی این کشورها سعی داشته اند تا در خصوص مسائل نظامی و امنیتی به نوعی همکاری بر سرند. تلاش اخیر اعضای این شورا در راستای ایجاد نیروی نظامی مشترک نیز در این راستا قابل ارزیابی است. در همین راستا گفتگویی با «عبدالحمید دشتی» نماینده پارلمان کویت تر تیب داده شده که از نظر می گذرد.

توافقنامه امنیتی جدید دارند چه چیزی می تواند باشد؟
بدون شک این کشورها نگرانی دارند، عامل ترس و نگرانی باعث شده که این کشورها به سمت اتخاذ چنین تصمیمی سوق پیدا کنند. از سوی دیگر همیمانان این کشورها در اروپا و آمریکا با جوسازی در تعاملات خود با این کشورها سعی دارند اینگونه القا کنند که ایران کشوری است که در حال قدرت گیری است و بمثابة یک خطر بزرگ برای کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در آینده محسوب می شود و به آنها اعلام می دارند که شما باید خود را آماده کنید و با خرید تسلیحات، خود را برای نبرد و مقابله احتمالی با ایران آماده کنید، اما همه کشورهای حاشیه خلیج فارس این مسئله را باور نمی

پارلمان کویت نیز طرحی در این خصوص ارائه نشده است و هیچ توافقنامه ای از این دست به صورت رسمی و مکتوب منعقد نشده است. با اینحال من معتقدم که اتخاذ چنین تصمیمی نمی تواند به عنوان یک اقدام شایسته و راهکار مناسب محسوب شود اما در مقابل دکتر «حسن روحانی» رئیس جمهوری ایران طرحی را ارائه کرده منی بر آنکه کشورهای موجود در منطقه با تاکید بر انسجام، همیاری و همکاری در تمامی عرصه ها اعم از اقتصادی، نظامی و فرهنگی داشته باشند و به سهم خود از این طرح حمایت می کنم و به عقیده من این روش یک روش کاربردی و درست است.

|| انگیزه ای که کشورهای عربی حوزه خلیج فارس از انعقاد یک

|| چرا برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس (کشورهای عضو شورای همکاری) در صدد ایجاد نیروی نظامی مشترک هستند؟
کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس پیشتر در خصوص ایجاد یک نیروی دفاعی مشترک موسوم به نیروی سپهر الجزیره به توافق رسیده اند و این توافق نیز عملی شده است اما کشورهای عضو این شورا اخیرا در صدد آن هستند که به همراه برخی از کشورهای منطقه ای و عربی همچون اردن، مصر و مغرب اقدام به ایجاد یک نیروی نظامی مشترک کنند و این در حالی است که همه ما خبر اتخاذ چنین تصمیمی را شنیده ایم. اما هیچ قراردادی به صورت رسمی و مکتوب در این زمینه منعقد نشده است. چنانکه به

گفتگو با مشاور بانک جهانی:

تغییر قدرت در عربستان بر قیمت نفت تأثیر نخواهد داشت

از سوی دیگر خود او یک قادر نبوده است که به راهکار و فرمولی برای افزایش قیمت دست یابد، با این وجود آمریکا چگونه قادر خواهد بود که چیزی که در حوزه وظایف او یک است را به این سازمان دیکته کند. اگر چنین چیزی مطرح شود اینگونه تفسیر خواهد شد که او یک به وسیله آمریکا هدایت می شود که موضوعی مضحک برای این سازمان است.

|| آیا تغییر در ساختار قدرت عربستان سعودی منجر به افزایش قیمت نفت خواهد شد؟
نه تصور نمی کنم چنین شود. من اطلاع ندارم که ساختار جدید قدرت در عربستان چگونه رفتار و عمل خواهد کرد.

|| تمام این مسائل به سیاستهای دولت آتی این کشور بستگی خواهد داشت. اینکه آیا این ساختار جدید قدرت روابط نزدیک با آمریکا خواهد داشت یا با غرب یا با روسیه یا با چین؟ همچنین این سیاستها بستگی به این دارد که دولت جدید می خواهد چگونه روابطی با ایران و عراق داشته باشد؟

البته شما ممکن است تصور کنید ساختار قدرتی در عربستان ممکن است شکل بگیرد که باعث افزایش قیمتها خواهد شد ولی به طور منطقی ممکن است ساختاری نیز شکل بگیرد که به سیاست کاهش قیمتها - حتی بیشتر از چیزی که الان هست - منجر شود. اما در بلندمدت این اقتصاد خواهد بود که قیمت نفت را مشخص خواهد کرد.

|| یعنی شما معتقد هستید که سیاست در این زمینه نقشی نخواهد داشت؟

تا ۱۰ سال آینده وزن موفقه های سیاسی در تعیین قیمت نفت بیشتر از موفقه ها و فاکتورهای اقتصادی خواهد بود. اما موضوعاتی چون رشد اقتصاد جهانی، تکنولوژی های جدید (برای نفت و گاز غیرمتعارف و انرژیهای تجدیدپذیر) و کشف میادین جدید نفت و گاز از جمله موفقه های اقتصادی هستند که بر قیمت نفت تأثیر خواهد گذاشت.

از سوی دیگر تهدیدات ناشی از گرم شدن زمین نیز از جمله موفقه های تأثیرگذار بر قیمت نفت خواهد بود. اما همانگونه که اشاره شد تا ۱۰ سال آینده وزن موفقه های سیاسی در تعیین قیمت نفت بیشتر از موفقه های اقتصادی خواهد بود.

|| تداوم کاهش قیمت نفت باعث شده تا برخی شرکتهای نفتی برخی از کارکنان خود را اخراج کنند و به تعدیل نیرو روی آورند. اگر قیمت نفت در وضع کنونی باقی بماند و یا حتی کاهش بیشتری پیدا کند آیا ممکن است این شرکتهای خود برای چانه زنی با او یک برای کاهش تولید و نهایتاً افزایش قیمت نفت فشار آورند؟

ابتدا لازم است که توضیح دهم بعید است که قیمت نفت به قیمتهای بالایی که در طی چند سال اخیر تجربه کرد باز گردد. به طور مشخص ما دیگر شاهد نفت ۱۰۰ دلاری که در سال ۲۰۱۴ وجود داشت حداقل برای ۱۰ سال آینده نخواهیم بود.

در سالهای پیش رو قیمت نفت بین ۴۰ تا ۶۰ دلار در نوسان خواهد بود. باید توجه داشت که این وضعیت به نفع برخی کشورها و شرکتهای خواهد بود.

از سوی دیگر این کاهش قیمت باعث خواهد شد تا سرمایه گذاری در برخی شرکتهای کاهش یابد و به تعدیل نیرو و اخراج نیرو در برخی شرکتهای نفتی نیز منجر شود. اما مذاکراتی بین این شرکتهای و کشورهای متبوع آنها با کشورهای صادرکننده نفت صورت نخواهد گرفت. دلیل این امر این است که شیوه تولید نفت به طور فزاینده ای متنوع و گوناگون شده است. در حال حاضر صادرکنندگان نفت با یکدیگر چالش دارند. بر این اساس احتمال همکاری بین آنها برای پیدا کردن راهکاری برای افزایش قیمت خیلی محتمل نیست.

من پیشنهاد می کنم که صادرکنندگان نفت تصور احتمال همکاری بین آنها و کشورهای صادرکننده نفتی را کنار بگذارند.

|| کاهش قیمت نفت از سوی دیگر می تواند منجر به این شود که تولید نفت رسی (Shale oil) آمریکا صرفه اقتصادی خود را از دست بدهد. آیا شرکتهای تولیدکننده و سرمایه گذار در این عرصه ممکن است به دولت برای چانه زنی با او یک فشار وارد کنند؟

جواب کوتاه و ساده به این پرسش منفی است. آمریکا نمی تواند هیچ معامله ای با او یک برای افزایش قیمت انجام دهد. اگر آمریکا بخواهد چنین تقاضایی را مطرح کند گویی بخشی از او یک شده است!



گفتگو از جواد حیران نیا

پروفسور حسین عسکری مشاور وزاری نفت برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس معتقد است تغییر در هر قدرت عربستان تغییر در وضعیت قیمت نفت نخواهد داشت و قیمتها در سالهای آتی بین ۴۰ تا ۶۰ دلار باقی خواهد ماند.

با آغاز سقوط قیمت طلای سیاه در بازار نفت، جنگ تمام عیار ارزان فروشی نفت بین کشورهای عضو او یک به ویژه کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس همچون عربستان سعودی، قطر، عراق و امارات متحده عربی راه افتاده است.

بر این اساس هر چند برخی از کشورهای آفریقایی و آمریکای جنوبی عضو او یک همچون نیجریه، لیبی، آنگولا و نوزولاندسایت به کاهش قیمت نفت واکنش سفت و سختی نشان داده اند اما کارشناسان بازار معتقدند که عربستان سعودی بزرگترین تولیدکننده نفت او یک و آمریکا ائتلافی را شکل دادند تا با کاهش بهای نفت اقتصاد کشورهایی همچون ایران، روسیه و نوزولاندسایت آزار دهند.

این مسائل نشان می دهد که رویکرد حاکم بر تجارت و اقتصاد جهانی کنونی - حداقل در مورد نفت - از ملی گرایی تبعیت می کند و این مؤلفه های سیاسی هستند که تعیین کننده اقتصاد هستند و نه آنگونه که لیبرالهای اقتصادی می اندیشند اقتصاد تعیین کننده بازار باشد.

پروفسور حسین عسکری که از او به عنوان معمار اقتصاد عربستان یاد می شود معتقد است که قیمتهای نفت طی سالهای آینده بین ۴۰ تا ۶۰ دلار باقی خواهد ماند و تغییر در هر قدرت عربستان نیز تغییری در قیمت نفت به وجود نخواهد آورد. اهمیت پیش بینی این استاد و کارشناس بین المللی حوزه انرژی از آنجا که اهمیت است که بدانیم «بانک نیویورک» در گزارشی اعلام کرده که «حسین عسکری» اولین فرد در جهان بود که پیش بینی کرد قیمت نفت به ۵۰ دلار سقوط خواهد کرد. آنچه در ادامه می آید گفتگو با این کارشناس بین المللی درباره آینده بازار نفت و تأثیر تغییر در هر قدرت عربستان بر این بازار است.

حسین عسکری استاد تجارت بین الملل و امور بین المللی دانشگاه جرج واشنگتن آمریکا است. وی رئیس مؤسسه تحقیقات و مدیریت جهانی و رئیس پیشین دیپارتمان تجارت بین الملل دانشگاه جرج واشنگتن بوده است. زمینه تخصصی و بحث های او در دانشگاه جورج واشنگتن بر اقتصاد، توسعه سیاسی و انسانی در خاورمیانه، اختلافات و جنگها در خاورمیانه، اقتصاد سیاسی نفت و اقتصاد اسلامی متمرکز است.

از سوابق اجرایی وی می توان به دو و نیم سال فعالیت در هیئت اجرایی صندوق بین المللی پول اشاره کرد. او در زمینه سیاست توسعه اقتصادی، سیاستهای نفتی و اقتصاد و تجارت بین الملل مشاور وزیران دارایی، روسای بانکهای مرکزی و وزیران نفت در خلیج فارس بوده است. او در گذشته مشاور نهادها و شرکت های نظیر سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، بانک جهانی، موسسه مالی بین المللی صندوق سرمایه داری کشورهای در حال توسعه، سازمان ملل متحد و... بوده است.

حسین عسکری ۲۰ کتاب، شش رساله، بیش از ۱۰۰ مقاله و... درباره تحولات اقتصادی در خاورمیانه، اقتصاد اسلامی، تجارت و اقتصاد بین الملل، اقتصاد کشاورزی، اقتصاد نفت و تحریم های اقتصادی منتشر کرده است. وی سابقه تدریس در دانشگاه های تگزاس در آستین، دانشگاه تافتس آمریکا، دانشگاه MIT، دانشگاه جانز هاپکینز و دانشگاه کلارک را دارد. «جهانی شدن و مالیه اسلامی» (انتشارات جان ویلی اند سانز)، «ثبات مالیه اسلامی» (انتشارات جان ویلی اند سانز) و «اسلام و راه بشر و توسعه اقتصادی» (انتشارات پلاگرو مک میلان) از جمله آثار او به شمار می روند.

متن گفتگو با این کارشناس اقتصاد در پی می آید:

یمن؛ مطامع بازیگران خارجی و چالشهای داخلی



در این میان نکته ای که نباید از نظر دور داشت نقش برخی رسانه به ویژه العربیه است که به دنبال دامن زدن به اوضاع یمن است. به طور حتم سعودی ها از وضعیت یمن و حضور حوثی ها در صنعا راضی نیستند و از همین رو به همراه آمریکایی ها و با بهره برداری از ابزارهای بین المللی و نیز بهره گیری از گروههایی مانند سلفی ها و برخی نظامیان وابسته به خود در صد طراحی توطئه هستند که هوشیاری حوثی ها و گرفتار نشدن در دامهایی که برای آنها پهن شده است را می طلبد. شکی نیست که سعودی ها از همه ابزارهای فشار برای ضربه زدن به نیروهای مردمی و حوثی ها استفاده خواهند کرد.

به هر حال تا زمانی که توسعه پایدار در یمن صورت نگیرد و مداخله جویی های غربی و سعودی ها قطع نشود بعید است که بتوان در یمن ثبات نسبی را انتظار داشت. از سویی ثبات سیاسی و امنیتی در یمن زمانی حاصل می شود که همه طیف های سیاسی به خواسته های مردم این کشور توجه کنند و راهکاری یمنی و نه دیکته شده از سوی خارجی ها (طرح موسوم به خلیج فارس که با مدیریت سعودی ها و حمایت آمریکایی اجرا شد و به روی کار آمدن عبد ربه منصور هادی منجر شد) مورد توجه قرار گیرد.

جریانهای وابسته به برخی قدرتهای منطقه ای و غربگرا به دنبال تغییرات مورد نظر اربابان خود که خواسته های مردم در آنها جای ندارد هستند موضوعی که با واکنش کمیته های نیروهای مردمی روبرو است. هم اکنون حمله رسانه ای علیه کمیته های مردمی صورت گرفته است و سعی می شود که وجهه این کمیته ها مردمی را تخریب کنند.

حسن هانی زاده کارشناس مسایل خاورمیانه درباره روند تحولات یمن گفت: «شرایط یمن اکنون وارد مرحله حساسی شده است و برخی از بازیگران بحران داخلی یمن در تلاش برای برهم زدن اوضاع امنیتی این کشور برآمده اند.

عربستان سعودی با چیدن مهره های نظامی وابسته به خود و سران قبایل مناطق تعز، مارب، حضرموت و این تلاش می کند که در برابر حوثی ها صف آرای جدیدی ایجاد کند. حضور مشکوک علی محسن الاحمر معروف به علی شمیمیایی یمن (حملات شمیمیایی به حوثی ها) به سبب سازمان دهی گارد جمهوری نشان می دهد که عربستان سعودی در صد پیاده کردن طرح مصر در یمن هستند. بنابر برخی گزارش ها قرار است ارتش یمن و گارد جمهوری در فرصت مناسب ضمن برکناری عبد ربه منصور هادی رئیس جمهوری یمن به سرکوب حوثی ها و قلع و قمع آنان بپردازند. باتوجه به اینکه حرکت اخیر حوثی ها برای تصرف کاخ ریاست جمهوری از سوی کمیته های مردمی حمایت می شود لذا اکنون نوعی صف آرای میان نیروهای داخلی یمن به وجود آمده است که این امر به بروز یک جنگ داخلی در کشور منجر خواهد شد»

پس از گذشت دو هفته از امضای توافقنامه صلح و مشارکت با مخالفان عوض بن مبارک را به عنوان نامزد نخست وزیری این کشور اعلام کرد اما جنبش انصارالله به عنوان رهبر مخالفان دولت صنعا مخالفت خود را با این اقدام رئیس جمهور اعلام و تأکید کرد که تعیین بن مبارک تصمیمی کاملاً خارجی است که در نهایت عبد ربه منصور هادی مجبور به تغییر تصمیم خود شد.

هنگامی که حوثی ها احساس کردند که عوض بن مبارک که رئیس دفتر رئیس جمهوری بود تحرکات مشکوکی را دنبال می کند وی را بازداشت کردند که این موضوع روند تحولات یمن را سریع تر کرد. در این میان جنبش انصارالله با صدور بیانیه ای تأکید کرد اجرای بندهای کنفرانس گفتگوی ملی یمن با تخلفات خطرناکی درباره پیش نویس قانون اساسی و اقدامات هیئت ملی نظارت بر اجرای مصوبات کنفرانس گفتگوی ملی روبروست. این جنبش بر تسریع حل اختلافات در هیئت ملی به ویژه سهمیه نمایندگی، همسو شدن شروط عضویت با سند ضمانت ها، حفظ اختیارات هیئت، ماموریت و سازوکار فعالیت آن، غیر قانونی بودن اقدام این هیئت در پذیرش پیش نویس قانون اساسی و همچنین مخالفت با مورد اشاره قرار گرفتن تقسیم یمن به شش منطقه در این پیش نویس تأکید کرد. جنبش انصارالله یمن با پیش نویس کنونی قانون اساسی مخالف است.

با خروج ماتئو تونلر سفیر آمریکا در یمن از این کشور و تشدید درگیری ها در صنعا به ویژه در اطراف کاخ ریاست جمهوری به نظر می رسد که این کشور طی روزهای آینده آستان حوادث تازه ای است به ویژه که اگر واکنش سریع بان کی مون دبیر کل سازمان درباره ضرورت توقف درگیری ها در یمن و نشست شورای امنیت را مورد توجه قرار دهیم.

و مذهبی این کشور صورت گرفته است. درست از همین زمان است که تنش های دولت یمن با شیعیان که تا قبل از نظام جمهوری، کشور را اداره می کردند آغاز شد. در واقع یکی از مشکلات نگاه دولتمردان حاکم بر یمن این بوده که همواره شیعیان را تهدیدی برای حکومت خود می دانسته اند در حالی که آنها خواستار حقوقی برابر هستند. همین مشکلات داخلی به ویژه اقتصادی سبب شد که در تابستان گذشته زمانی که که قیمت های حاملهای انرژی افزایش یافت مردم دست به اعتراضات گسترده بزنند در این میان باید مشکلات امنیتی را نیز مورد توجه قرار دهیم به ویژه که حملات پهادهای آمریکایی را مورد توجه قرار دهیم.

اما در بخش خارجی سعودی ها و آمریکایی ها با دخالت خود در تنش های این کشور نقش بسزایی داشته اند. سعودی ها که هرگز شیعیان را در همسایگی خود نمی توانند تحمل کنند از هیچ اقدامی علیه آنها دریغ نکرده اند آنها علاوه بر حمایت از قبایل سلفی همواره در امور داخلی یمن دخالت کرده اند. علامه بر اختلافات ایدئولوژیک مهم ترین دغدغه عربستان در خصوص یمن ناشی از مولفه های ژئوپلیتیک است. یمن به لحاظ موقعیت ژئوپلیتیک دریای سرخ و تنگه باب المندب اهمیت ویژه و خاصی برای سعودیها دارد.

آمریکایی ها نیز در افزایش مصائب یمن نقش داشته اند. آنها علاوه بر دخالت در امور سیاسی و حمایت از دولتمردانی که مردم در نگاه آنها جایی نداشته اند به پهنانه مبارزه با القاعده حملاتی به مناطق مختلف به ویژه در جنوب این کشور انجام می دهد و غیر نظامیان را قربانی می کند. همانطور که پیش از این اعلام شد روند تحولات در یمن که با خیزش مردمی در اعتراض به قیمت های حامل های سوخت شروع شده بود ادامه پیدا کرد و در عرصه سیاسی توافق جامعی رخ نداد. در اوایل پاییز گذشته رئیس جمهور یمن

روند تحولات در یمن روند شتابانی شده و به نظر می رسد که اوضاع این کشور در حال حرکت به دوره جدیدی از بی ثباتی و تداوم اعتراضات مردمی است.

روند تحولات یمن این روزها با شتاب بیشتری دنبال می شود در واقع اگر بخواهیم نیم نگاهی به تحولات یمن بیندازیم باید ریشه مشکلات این دو کشور را از دو بعد داخلی و خارجی بررسی کنیم. در بخش داخلی سالها زمامداری علی عبدالله صالح (بیش از چهار دهه) سبب شد که این کشور یکی از عقب مانده ترین کشورهای عربی لقب بگیرد. مردم یمن در مقایسه با کشورهای دیگر به ویژه همسایگان ثروتمند فقیر هستند و با مصائب اقتصادی بی شماری دست و پنجه نرم می کنند که دیکتاتوری عبدالله صالح و فساد دولتمردان نقش بسزایی در این موضوع داشته است.

آثار عقب ماندگی را حتی در پایتخت این کشور می توان به خوبی مشاهده کرد. بیکاری و تورم، شکاف طبقاتی، بافت قبیله ای و وجود رژیم دیکتاتور همگی در عقب ماندگی یمن نقش داشته اند.

شمار زیادی از یمنی ها متقاضی کار در دیگر کشورها به ویژه همسایه نزدیک خود عربستان سعودی هستند و حاضرند با حداقل حقوق کار کنند از دلایل این ضعف بنیه اقتصادی مدرن فقدان زیر ساخت ها و شیوه سنتی گذران زندگی که عمدتاً بر کشاورزی سنتی استوار است به شمار می رود.

این بافت جمعیتی سنتی و عمدتاً قبیله ای سبب شده تا یمن همچنان همانند یک جامعه سنتی اداره شود و روند ملت سازی در آن شکل نگیرد.

تنش های مذهبی نیز در این موضوع بی تأثیر نبوده است. از سال ۱۹۶۲ که عبدالله سالار موفق شد با حمایت و تحریک جمال عبدالناصر مصری کودتایی را علیه امام محمد بدر، حکمران وقت یمن صورت دهد، تغییرات زیادی در معادلات طایفه ای

سیاست خارجی کشورها بیشتر است. با استفاده از ابزار تحلیل روزنا انتظار می رود شاهد تغییراتی در سیاست خارجی عربستان سعودی با مرگ پادشاه این کشور باشیم. استفن لندمن نظریه پرداز آمریکایی این احتمال را بعید می داند.

لندمن می گوید سیاست خارجی عربستان با مرگ ملک عبدالله تغییر جدی نخواهد کرد.

به اعتقاد وی تغییر در استراتژیها و اهداف سیاست خارجی عربستان با مرگ ملک عبدالله بعید به نظر می رسد و احتمال تغییر شاید در سطح تاکتیکیها متصور باشد.

لندمن تصریح کرد: عبدالله چند وقتی بود که در بستر بیماری به سر می برد و کنترل امور و اداره کشور و سیاست خارجی را عملاً در اختیار نداشت.

لندمن احتمال تغییر سیاست خارجی عربستان در قبال ایران متعاقب مرگ پادشاه عربستان سعودی را نیز امری بعید دانست |

«استفن لندمن» نظریه پرداز آمریکایی معتقد است که مرگ ملک عبدالله پادشاه عربستان سعودی تغییری در سیاست خارجی این کشور از جمله در قبال ایران ایجاد نخواهد کرد.

ملک عبدالله پادشاه عربستان سعودی بامداد روز جمعه سوم بهمن ماه درگذشت. وی چند وقتی بود که به خاطر بیماری ذات الریه در بستر بیماری به سر می برد.

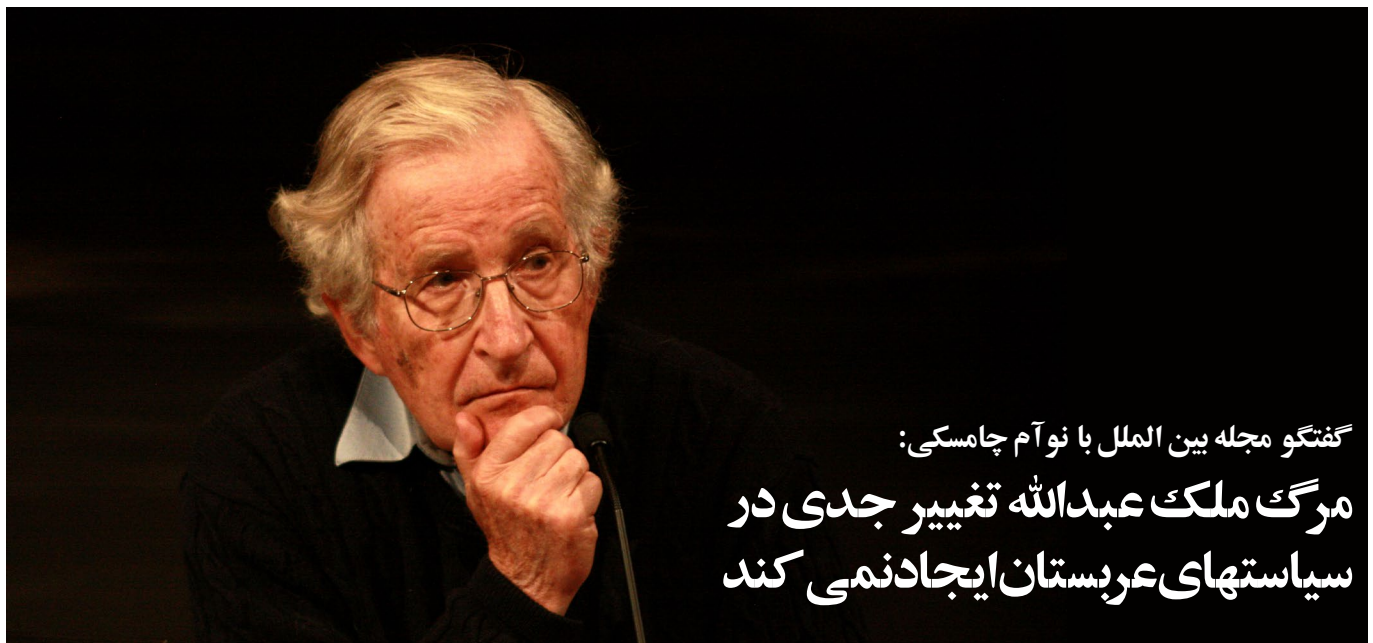
از منظر تاثیر عوامل فردی بر سیاست خارجی کشورها «جیمز روزنا» بنیانگذار مکتب فرارفتارگرایی در نظریه معروف خود معتقد است که عامل شخصیت از عوامل تاثیرگذار بر سیاست خارجی کشورهاست.

روزنا معتقد است که ۵ متغیر شخصیت، نقش، جامعه، حکومت و نظام بین الملل بر سیاست خارجی دولتها تاثیر می گذارند. به اعتقاد وی در کشورهای جهان سوم نقش متغیرهای فردی (شخصیت) و نظام بین الملل در مقایسه با سه متغیر دیگر بر



گفتگو مجله بین الملل با نظریه پرداز آمریکایی:

سیاست خارجی عربستان با مرگ عبدالله تغییر نمی کند



گفتگو مجله بین الملل با نوآم چامسکی:

مرگ ملک عبدالله تغییر جدی در سیاستهای عربستان ایجاد نمی کند

ایالات متحده آمریکا در دوره ملک سلمان نیز تاکید کرد: در این خصوص هم تغییر در سیاستهای کلان عربستان نسبت به آمریکا ایجاد نخواهد شد و لذا نباید منتظر تغییری مهم و عمده در این خصوص باشیم. در خصوص استدلال چامسکی باید به نظام سیاسی و نظام قدرت در عربستان سعودی توجه داشت. این نظام به صورت قبیله ای و عشیره ای است که در آن نهاد «وهابیت» و «خاندان آل سعود» دو متغیر اصلی و عمده هستند.

بر این اساس پادشاه نیز در این نظم می تواند کنشگری داشته باشد. البته این به معنای این نیست که در سطح تاکتیکی و با برخی تغییرات هیچ اراده ای ندارد |

بین الملل» در کشورهای جهان سوم حائز اهمیت ویژه ای است.

بر این اساس و در تحلیل سیاست خارجی عربستان سعودی تغییر در رأس هرم قدرت منطقاً می تواند باعث تغییر در سیاست خارجی این کشور شود. اما نوآم چامسکی نظریه پرداز آمریکایی معتقد است که مرگ ملک عبدالله پادشاه عربستان سعودی تغییری در روندهای کلان سیاست خارجی این کشور به دنبال نخواهد داشت.

وی تصریح کرد: نباید انتظار تغییر جدی در سیاست خارجی عربستان چه در سطح بین المللی و چه در سطح منطقه ای را نداشته باشید.

چامسکی در خصوص نوع روابط عربستان با

نیست ولی مبنای تحلیلش برای سیاست خارجی اینگونه بیان می دارد که سیاست خارجی کشورها متأثر از ساختار نظام بین الملل است و پوششهای داخلی در سیاست خارجی کشورها تأثیر ندارند.

برخی معتقد هستند که عوامل داخلی در سیاست خارجی یک کشور مؤثر است. برای نمونه سازه انگاران به نقشهای متأثر از عوامل داخلی در تعیین هویت معتقد هستند که نهایتاً این هویتها منافع ملی را رقم می زند.

برخی چون جیمز روزنا معتقد هستند که از میان متغیرهای تأثیرگذار بر سیاست خارجی کشورها-شخصیت، نقش، جامعه، حکومت و نظام بین الملل- عامل «فرد» و «نظام

نوآم چامسکی نظریه پرداز آمریکایی معتقد است که مرگ ملک عبدالله پادشاه عربستان سعودی تغییر عمده و مهمی در سیاست خارجی این کشور ایجاد نخواهد کرد.

سیاست خارجی از متغیرهای گوناگون و مختلفی تأثیر می گیرد که وزن هر متغیر به چشم انداز نظری ما وابسته است.

اینکه چه تغییری را در بررسی سیاست خارجی یک کشور عامل اصلی و عمده بدانیم بر یک رویکرد نظری خاص تأکید و توجه کرده ایم.

«کنت والتز» بنیانگذار مکتب نئورالیسم در نظریه سیاست بین الملل خود اگرچه می گوید این نظریه برای سیاست خارجی

روابط ریاض و بغداد؛ سیاست درهای باز العبادی و پادشاهی محافظه کار



برخی مواضع نوری المالکی در ضدیت با سعودی ها

نوری المالکی گفت: تحولات اخیر اثبات کرده است که موضع عراق در مسائل مختلف، میان مواضع اتخاذ شده از سوی دیگر کشورها از جایگاه صحیح و قابل قبولی برخوردار است. سیاست عراق در ارتباط با دیگر کشورها مبتنی بر گشایش و ارتباط دوسویه است و موضع ما در مقابل عربستان نیز همین گونه است، اما همانطور که ما تمام توجه خود را به رشد و شکوفایی عراق معطوف کردیم و در امور داخلی عربستان دخالت نمی کنیم، از ریاض نیز می خواهیم که در امور داخلی کشور ما دخالت نکند.

وی در ادامه از موضع عربستان و دیگر کشورهای عربی درباره بحران سوریه و کشتار مردم بیگناه این کشور طی سه سال گذشته انتقاد کرد و گفت: ریاض و جامعه جهانی و دیگر کشورهای عربی مسئول رنجهای مردم سوریه هستند. مالکی افزود: در ابتدای بحران سوریه برخی مدعی شدند که نظام سوریه طرف دو ماه سقوط خواهد کرد و حالا با گذشت سه سال شاهد آن هستیم که نظام سوریه پابرجا و برقرار است. هر کشوری که خواهان اتخاذ راهکار نظامی برای حل بحران سوریه است در این امر ناکام خواهد ماند.

وی همچنین با اشاره به حضور گروههای مختلف تروریستی در سوریه از جمله جبهه النصره و داعش اعلام کرد کسانی که در سوریه با دولت و ارتش این کشور می جنگند تدریجاً هتیمی هستند که از سوی کشورهای مجاور حمایت می شوند. وی همچنین با اشاره به درگیریهای استان الانبار (آن هنگام) گفت: خشونت‌هایی که هم اکنون در الانبار شاهد هستیم جزئی از جنگ سوریه است که توسط کشورهای حامی تروریسم در سوریه دامنگیر عراق شده است.

نوری المالکی هشتم ماه مارس سال ۲۰۱۴ عربستان و قطر را به اعلام جنگ علیه عراق متهم کرد و گفت: عربستان و قطر عاملان ناامنی در عراق هستند و به گروه های تروریستی از جمله القاعده پناه داده و از آنها حمایت می کنند.

وی با اشاره به حمایت مالی و معنوی عربستان از شبه نظامیان سنی گفت عربستان مسئول جنایاتی است که در عراق رخ می دهد. عربستان سعودی همچنان در توهم براندازی نظام سوریه و سپس عراق، لبنان و ایران به سر می برد. در مقابل سعودی ها نیز واکنش نشان دادند. ترکی فیصل از مستولان امنیتی سعودی گفت: «نوری المالکی، نخست وزیر عراق یکی از نقاط اختلاف میان عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا باقی خواهد ماند. بسیاری از مسائلی که نوری المالکی درباره حضور القاعده در

روابط عربستان باعراق در دوره مالکی

از بیست ماه ۲۰۰۶ تا تابستان سال ۲۰۱۴ در عراق نوری المالکی طی دو دوره حکومت را در دست داشت. در این دوره عربستان در بعد سیاسی همچنان از گشودن سفارت خود در عربستان خودداری کرد و سفیری به عراق نفرستاد در بُعد امنیتی نیز در انفجارهایی که در بغداد و دیگر شهرها رخ داد رد پای سعودی ها مشهود بود.

در اواخر دوره مالکی تنش میان وی و حاکمان سعودی به نحو قابل ملاحظه ای افزایش یافت. با این حال عربستان در سال ۲۰۱۲ فهد بن عبدالمحسن الزید را سفیر خود در عراق معرفی کرد اما این فرد به عنوان سفیر غیر مقیم معرفی شد (سفیری که در کشور عراق حضور ندارد).

اوج تنش میان دو کشور در واقع از سال ۲۰۱۱ یعنی زمانی که بیداری اسلامی در برخی کشورهای عربی و متعاقب آن بحران در سوریه رخ داد شروع شد. در این دوره تحصن هایی در برخی مناطق غربی عراق با تحریک کشورهای عربی از جمله سعودی رخ داد.

دوره دوم نوری المالکی عراق شاهد برخی حوادث از جمله تحت تعقیب قرار گرفتن طارق الهاشمی معاون جلال طالبانی رئیس جمهور وقت به جرم دخالت در حوادث تروریستی و فرار وی به خارج و ارتباطات الهاشمی با سعودی ها بود. در همین دوره اخباری درباره حضور عزت الدوری از سرکرده های حزب بعث در عربستان مخابره شد.

نگرانی این روابط با حمله ارتش رژیم بعث عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ کاملاً قطع شد.

عربستان در اواخر دوره حکومت صدام حسین تا سال ۲۰۰۳ روابطی با رژیم سابق برقرار نکرد. پس از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و پس از آن روی کار آمدن دولت شیعی در عراق از سر دشمنی با آن برآمد.

دهه آخر حکومت صدام تا سال ۲۰۰۵ یعنی تا زمان تکیه زدن رسمی ملک عبدالله بر تاج و تخت عربستان، ملک فهد شاه عربستان بود. در این دوره ملک عبدالله باتوجه به ناتوانی و بیماری ملک فهد عهده دار امور بود.

پس در واقع از زمان سرنگونی رژیم صدام در سال ۲۰۰۳ دوره محدود جی گارنر حاکم نظامی و متعاقب آن پل برمر حاکم مدنی آمریکایی و شورای انتقالی و دوره محدود حکومت موقت ایاد علاوی (۲۰۰۴) در عراق، هر چند که ملک عبدالله به طور رسمی پادشاه عربستان نشده بود اما همانطور که گفته شد عملاً عهده دار امور و سیاستگذار بود. سال ۲۰۰۵ یعنی سالی که ملک عبدالله رسماً به عنوان پادشاه عربستان بر تخت پادشاهی تکیه زد و در پی انتخاباتی که عراقی ها مشارکت قوی در آن داشتند ابراهیم الجعفری به عنوان رئیس جمهوری منتخب روی کار آمد (۷ آوریل ۲۰۰۵-۲۰۰۶).

در طول این دوره سیاست عربستان حمایت نکردن از حاکمیت جدید در عراق بود و ردپای سعودی ها در خشونت‌ها آشکار بود.

مرگ ملک عبدالله و تغییرات رخ داده در ساختار قدرت آل سعود بررسی روابط عراق با عربستان در گذشته، حال و آینده قابل توجه به نظر می رسد.

مرگ ملک عبدالله در جمعه گذشته سبب بروز برخی تغییرات در عرصه داخلی در عربستان شد به این ترتیب که خالد التویجری رئیس دربار عربستان و مرد قدرتمند دوره ملک عبدالله از قدرت کنار گذاشته شده و هنوز سرنوشت وی مشخص نیست زیرا درحالی که برخی از خروج وی از عربستان سخن به میان می آورند برخی دیگر این موضوع را رد کرده و از بازداشت وی خبر داده اند.

یکی دیگر از تغییراتی که رخ داد انتخاب محمد بن نایف به عنوان جانشین مقرر بن عبدالعزیز ولیعهد عربستان بود. درباره اوضاع داخلی و شرایط جدید رسانه ها طی روزهای گذشته به تفصیل سخن گفته اند اما موضوعی که با روی کار آمدن سلمان بن عبدالعزیز مهم به نظر می رسد سیاست خارجی این کشور و نوع تعامل شاه جدید با کشورهای دیگر به ویژه همسایگان است. برای بررسی این موضوع لازم است به بررسی دوره ملک عبدالله در تعامل با کشورهای منطقه به ویژه عراق پرداخته شود و آنگاه سیاست خارجی جدید در دوره ملک سلمان مشخص شود.

رابطه با عراق قبل از نوری المالکی

رژیم حاکم بر عربستان از زمانی که طراد عبدالله الحسین الحارثی (۱۹۸۳-۱۹۹۰) آخرین سفیر عربستان در سال ۱۹۹۰ عراق را ترک کرد هیچگاه رو به بهبودی

استان الانبار عراق، از آن صحبت می کند، در آن غلو شده است. سخنان نخست وزیر عراق برای جلب حمایت بیشتر شیعیان این کشور از وی است.» همانطور که گفته شد در این دوره روابط میان سعودی ها و دولت مالکی کاملاً خصمانه بود.

دوره حیدر العبادی و روابط با سعودی ها

حیدر العبادی در هشتم سپتامبر سال ۲۰۱۴ به جای نوری المالکی روی کار آمد. روابط عراق و عربستان سعودی در این دوره که هنوز مدت زمان زیادی از آن سپری نشده است تحت تاثیر روی کار آمدن العبادی است. استقبال جامعه جهانی از روی کار آمدن وی سبب شد که سعودی ها نیز با توجه به متغیرهای جدید حرکت کردند. این دوره ای بود که داعش مساحت زیادی از عراق را اشغال کرده بود و بحث مبارزه با تروریسم از نظر جامعه جهانی مهم به نظر می رسید.

از سوی دیگر حیدر العبادی کوشید که سیاست درهای باز را در قبال همسایگان به اجرا در آورد. در این دوره زمزمه هایی برای افتتاح سفارت عربستان با گذشت قریب به ۲۵ سال شنیده شد. متعاقب حرف و حدیثها و رایزنی های صورت گرفته، هیئتی فنی برای بازگشایی سفارت عازم بغداد شدند و قرار شد که سفارت در منطقه سبز بغداد بازگشایی شود.

در این دوره ابراهیم الجعفری وزیر خارجه و فواد معصوم رئیس جمهور عراق به عربستان رفتند و با مقامات سعودی دیدار کردند.

روابط دو کشور در این دوره تحت تاثیر داعش بود. در این دوره عربستانی ها خطر داعش را حس کرده اند و حمله این گروهک به پاسگاه مرزی میان عربستان و عراق و کشته شدن سه نظامی سعودی به آل سعود نشان داد که خطر در بیخ گوش آنهاست.

حیدر العبادی در تماس تلفنی با سلمان بن عبدالعزیز که در آن هنگام ولیعهد بود گفت: «تهدیدات داعش نه تنها برای عراق بلکه برای کل منطقه و جهان خطرناک است. این حادثه بر خطرناک بودن این گروه تروریستی و اهمیت مقابله با آن از طریق هماهنگی

تلاش های مشترک تاکید دارد.» از آن هنگام عربستان احداث دیوار حائل برای مقابله با نفوذ گروههای مسلح به عربستان را شروع کرد.

پس از مرگ ملک عبدالله، سلیم الجبوری رئیس پارلمان، بهاء الاعرجی معاون نخست وزیر و اسامه التجیفی معاون رئیس جمهوری برای شرکت در مراسم تشییع جنازه وی به عربستان رفتند. الجبوری در دیدار با سلمان بن عبدالعزیز گفت: به حکمت و دوراندیشی رهبری جدید عربستان و قدرت وی برای ادامه نقش فعال برای عبور از چالشهای پیش رو اعتماد دارد.

پیش بینی ها از آینده چه می گوید

به طور کلی می توان گفت که در دوره ملک عبدالله، عربستان به سیاست خصمانه خود علیه عراق ادامه داد و تلاش چندانی برای نزدیک شدن به دولت شیعی عراق انجام نداد. در این دوره شاهد سلاح های سعودی در دست گروههای مسلح مخالف دولت عراق و دخالت آن در حوادث انتحاری و بمب گذاری در بغداد و دیگر شهرهای این کشور هستیم. عربستان در این دوره تعدادی از زندانیان عراقی را که در زندانهایش بودند اعدام کرد و در مقابل به دنبال نجات زندانیان که به سبب دخالت در حوادث تروریستی در زندانهای عراق بودند برآمد. عملاً در این دوره تحرک از جانب سعودی

کار آوردن محمد بن نایف را در این راستا می دانند و اینکه وی ارتباط قوی تری با موسسات دینی سعودی دارد و به عبارت دیگر شخصیت محافظه کارانه تری دارد. از آنجا که تفکرات تکفیری ها برگرفته از وهابیت است در صورتی که موسسات دینی قدرت بیشتری به دست آوردن این موضوع ممکن است به تقویت این گروهها و افزایش ارتباط آنها با وهابیون بیانجامد و در واقع این گروه دیدگاه خوش بینانه ای ندارند. ناظرانی که در این دسته جای می گیرند تغییرات سریع انجام گرفته از سوی ملک سلمان حتی قبل از بیعت شامل انتخاب محمد بن نایف به عنوان جانشین ولیعهد را به عنوان سند تایید نظریه خود می دانند به ویژه که محمد مانند پدرش حامی سیاستهای امنیتی است.

اما در مقابل برخی ناظران دیدگاه دیگری دارند و بر این باورند که ملک سلمان با سیاست درهای باز حیدر العبادی همسویی خواهد کرد و به دنبال بهبود روابط با بغداد بر خواهد آمد به ویژه که قبلاً از عدم تحرک در زمینه بازگشایی سفارت انتقاد کرده بود و اینکه با توجه به اینکه عربستان و عراق قریب به ۸۰۰ کیلومتر مرز مشترک دارند و خطر تروریسم بیش از هر زمان دیگری عربستان را تهدید می کند از همین رو ملک سلمان به دنبال تقویت روابط با عراق بر خواهد آمد و طرفداران این

چند میلیارد دلاری به اقتصاد عراق شده است. این در شرایطی است که عراق در حال مبارزه با داعش است و این مشکل اقتصادی بار سنگینی بر اقتصاد بیمار عراق وارد می کند و سبب خواهد شد که سیاست های دولت عراق در زمینه امنیتی و اقتصادی و زیر ساخت ها و به تبع آن خدمات رسانی به مردم عراق با مشکل جدی روبرو شود.

همچنین باید توجه داشت که اختلاف ایدئولوژیک اصلی ترین اختلاف میان عربستان سعودی و عراق است. لذا طبیعی است که هیات دینی عربستان که پیوند محکمی با آل سعود از زمان عبدالعزیز بنیانگذار عربستان نوین برقرار کرده است به حاکمان سعودی اجازه تحرک و مانور زیادی را نمی دهد و به عبارت دیگر تا زمانی که سعودی ها نگرش مذهبی به عراق دارند بعید است بتوان انتظار داشت تحول قابل ملاحظه ای در عرصه روابط دو کشور ایجاد شود. روابط میان بغداد و ریاض تا حدودی برگرفته از سیاست های ایالات متحده آمریکا نیز هست زیرا اگر آمریکا همچنان که در حال حاضر می کوشد به دنبال تقویت اهل تسنن و سوق دادن عراق به سوی تجزیه حرکت کند این بر سیاست ریاض نیز تاثیر دارد.

آمریکا سیاست دوگانه ای در عراق پیاده می کند زیرا از سویی از حمایت



آمریکا سیاست دوگانه ای در عراق پیاده می کند زیرا از سویی از حمایت از دولت عراق دم می زند و از سوی دیگر اقداماتش چه در زمینه نظامی و جنگ با داعش و چه در زمینه ارتباطات با شخصیت های خارج از دولت و بعضاً عشایری مغایر با تلاش های آن برای تقویت دولت مرکزی است |

از دولت عراق دم می زند و از سوی دیگر اقداماتش چه در زمینه نظامی و جنگ با داعش و چه در زمینه ارتباطات با شخصیت های خارج از دولت و بعضاً عشایری مغایر با تلاش های آن برای تقویت دولت مرکزی است. در پایان باید منتظر ماند و دید آیا روند تحولات آتی ریاض و بغداد را به سوی همگرایی می کشاند یا عربستان و آل سعود همچنان به سیاست سنتی سالهای گذشته خود ادامه خواهند داد |

نظریه حضور عربستان سعودی در ائتلاف بین المللی ضد داعش به رهبری آمریکا را به عنوان سندی در این زمینه می دانند. از سوی دیگر اگر رویکرد عربستان را به دقت مورد بررسی قرار دهیم شاهد خواهیم بود که عربستان جدا از سیاست خصمانه سیاسی از نظر اقتصادی نیز به گونه ای عمل می کند که به بغداد ضربه وارد کند. کاهش عمده قیمت نفت که با هدف ضربه زدن به اقتصاد روسیه و ایران صورت گرفت سبب زبان

ها برای گشایش سفارت در بغداد صورت نمی گیرد و تنها زمانی که خطر داعش فراگیر شد یعنی در چند ماه اخیر آنها به دنبال از سرگیری روابط با عراق برآمدند. دو دیدگاه در دوره ملک سلمان وجود دارد. نخست اینکه برخی ناظران وی را حامی سیاست های امنیتی مشابه آنچه در دوره ریاست بندر بن سلطان بر دستگاههای اطلاعاتی وجود داشت می دانند که در این دوره رد پای عربستان در انفجارها و خشونت های عراق دیده می شد و از همین رو روی

گفتگو با مادر شهید عماد مغنیه:

مقاومت قوی تر از قبل است/روایت روزهای آخر قبل از شهادت مغنیه



می توانست اعطا کرد خط و راهی که وی برای آن شهید شد، باید ادامه پیدا کند. وی در پایان خطاب به فرزندان شهیدش گفت: به حاج عماد می گویم که مطمئن باش ما امانت تو را حفظ می کنیم و مقاومت همانطور که برایش ترسیم و برنامه ریزی شده بود قوی و استوار حرکت می کند و ما این مسیر را ادامه می دهیم. ما خط و مسیر جهاد را ادامه می دهیم همانطور که شهید رضوان وصیت کرده است. به شهید فواد می گویم که خدا را شکر که شهادت تو شهادت عزت و کرامت بود و ای فرزندم به تو اطمینان می دهم که فرزندان همانگونه که تو بودی خواهند بود و بر عهد و خط مشی مقاومت باقی می ماند. شهید جهاد فرزندم انشاء الله در بهشت برین در کنار شهدا باشی، و به شهید جهاد نوه ام می گویم: گورا یاد بر تو، امروز در کنار شهیدان مطهر هستی به آغوش پدر شهیدت حاج عماد بازگشتی و تو مبارز در مسیر خدا هستی همانطور که پدر شهیدت خواست

آینده دور است. مبارزان امروز مطابق برنامه حاج عماد حرکت می کنند و حاج عماد برای آنان تفکر نظامی و ایمانی برجای گذاشته است تا مقاومت باقی بماند. مقاومت باقی و مستمر در مسیر حاج رضوان و شهید سید عباس موسوی و شهید شیخ راعب حرب است و همه شهیدانی که فدای کشور عزیزمان شدند. اگر آن شهیدان نبودند ما کرامت نداشتیم. مقاومت با خون شهیدان قوی شده است. به نظر من مسیر راه در پیش همواره نیازمند جانفشانی است. ما پیرو مکتب امام حسین(ع) هستیم که با خون خود پرچم حق را برافراشت. امام حسین(ع) اعتقاد و عقیده جهادی را در میان ما ایجاد کرد و مسیر ما بخشی از مسیری است که سرور آزادگان پیمود و این بزرگوار الگو و سرمشق ما در این مسیر است. مادر شهید مغنیه خاطر نشان کرد: حاج عماد این حق را بر سر گردن امت دارد که وی را فراموش نکنند زیرا وی انسانی بی نظیر در کارش بود و ۲۵ سال در سایه بود و هر آنچه

تاکید کرد: در روز شهادت فرزندم من در برابر عزاداران خطاب به سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله لبنان گفتم: امروز متأسفم که همه فرزندانم را از دست داده ام و برایم احدی باقی نمانده است تا آن را در این تقدیم کنم و اگر فرزندان بیشتری داشتم لحظه ای درنگ نمی کردم که ادامه دهنده این خط مشی باشند و در عداد شهیدان قرار گیرند. حاج عماد پایگاهی است که گریزی از آن نیست اگر حاج عماد مجدداً برگردد به مقاومت، در برابر اسرائیل و به زانو درآوردن آن و تروریسم آن روی خواهد آورد اما امروز حاج عماد در کنار پروردگارش است و انشاء الله از سربازان امام زمان (عج) است. مادر شهید مغنیه درباره چگونگی وداع حاج عماد با ایشان افزود: حاج عماد معمولاً عادت به خداحافظی نداشت و هر بار وداعی عادی و معمولی داشت و وداع آخر وی نیز معمولی بود اما ما در دیدار آخر، شب زنده داری کردیم و این دو روز قبل از شهادت وی در روز یکشنبه بود و حاج عماد در روز سه شنبه شهید شد. آن شب عادی نبود. طبیعتاً هر مادری دوست دارد که فرزنداننش در کنارش باشند. وی درباره آینده مقاومت گفت: نیاز مقاومت به حاج رضوان قابل انکار نیست اما مقاومت امروز قوی تر از قبل شده است و باقی و مستمر است. همانطور که سید حسن نصرالله گفته است حاج عماد طراح

مادر شهید عماد مغنیه ضمن تشریح روزهای آخر قبل از شهادت حاج رضوان به تاثیر وی در ترسیم خط مقاومت و قوی تر شدن آن پرداخت. آینه سلامت مادر شهید عماد مغنیه در گفتگویی درباره محیطی که شهیدان جهاد عماد و فواد در آن پرورش یافته اند و تاثیرات دین اسلام از زمان کودکی سخن گفت و افزود: اساس تربیت در خانواده اسلام است و اسلام انگیزه اساسی در موفقیت فرد در زندگی است. وی درباره چگونگی دریافت خبر شهادت حاج رضوان بیان کرد: موضوع شهادت حتمی و قابل انتظار بود زیرا حاج عماد مورد هدف بود و این وضعیت در شرایطی مشابه وضعیت فرزند من موضوع دور از انتظاری نبود. شهید عماد مبارزی با تاکتیک عالی بود و دشمن را با تفکرات نظامی و طرح های امنیتی اش به ستوه درآورده بود و همانند این انسان مقاوم هر لحظه در انتظار شهید شدن است. شهادت حاج عماد برای من دشوار بود و تاثیر زیادی در روحیه من داشت. دوری وی کار آسانی نبود اما من تصمیم گرفتم که با موضوع کنار بیایم و قوی باشم و از حضرت زینب کبری(س) الهام گرفته و اراده ام را قوی کردم. ماد شهید عماد مغنیه در پرسش به این سؤال که اگر حاج عماد دوباره به عرصه بازگردد راضی خواهید شد که وی دوباره خط مشی جهادی را برگزیند و شهید شود

اندیشکده بروکینگز تحلیل کرد؛

چگونگی پاسخ عربستان به موفقیت حوثیهای یمن/تلاش برای تجزیه

توافقنامه اتحاد دو یمن را که با علی عبدالله صالح امضاء کرده بود، رد کرد. بطوریکه جنوب یمن خود را جمهوری دموکراتیک اعلام کرد که در پی این واقعه عربستان سعودی اقدام به کمک مالی و تسلیحاتی از «علی سالم البیض» کرد و حتی جنگنده های میگ ۲۹ خریداری کرد و در اختیاری وی قرار داد اما علی عبدالله صالح با شکست دادن سالم بیض وی را به عمان تبعید کرد. وی در حال حاضر در لبنان به سر می برد و در بیروت یک شبکه رادیو و تلویزیونی بنام «عدن لایو» را در اختیار دارد که برای مناطق جنوبی یمن و عدن که اکثر سنی نشین هستند برنامه پخش می کند. نویسنده معتقد است کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و عربستان به علت داشتن قدرت مالی زیاد این توان را دارند تا به سنی های جنوب یمن که ماوای بسیاری از القاعده این کشور و شبه جزیره عربستان هست کمک کنند تا حتی با جذب جنگجویان خارجی برای مقابله با حوثی ها به نفع عربستان بچنگند. در انتهای این گزارش آمده است: ریاض به سادگی حوثی ها را بایکوت خواهد کرد. در این راه سازمان ملل هم از شورای همکاری خلیج فارس حمایت خواهد کرد و این شورا سنی ها را در برابر حوثی ها حمایت مالی خواهد کرد و قطع کمک های مالی و فشار به کارگران یمنی در کشورهای عربی موجب خواهد شد تا دولت صنعا با فاجعه مالی مواجه شود. نویسنده معتقد است حداقل کاری که عربستان برای تضعیف حوثی ها انجام خواهد داد حمایت از استقلال جنوب یمن خواهد بود.

در پی درخواست شورای همکاری خلیج فارس از شورای امنیت سازمان ملل متحد برای دخالت در یمن، اندیشکده بروکینگز به بررسی اقدامات احتمالی عربستان در یمن پرداخت. اندیشکده آمریکایی بروکینگز در پی کنترل اوضاع یمن توسط حوثی ها به بررسی پاسخ ها و اقدامات احتمالی عربستان سعودی و شورای همکاری خلیج فارس برای برکناری حوثی ها از قدرت پرداخت. در این گزارش با اشاره به درخواست شورای همکاری خلیج فارس از شورای امنیت سازمان ملل برای کنار گذاشتن حوثی ها از قدرت که این شورا آن را کودتا نامیده است با طرح سوالی اینطور آمده است: پاسخ عربستان و شورای همکاری خلیج فارس به سیطره حوثی ها بر یمن چگونه خواهد بود؟ آیا عربستان بار دیگر از جنبش جدایی طلب «هیراک» در جنوب برای تضعیف حوثی های حمایت خواهد کرد. نویسنده با اشاره به حمایت عربستان از این گروه جدایی طلب در سال های گذشته که خواستار تشکیل یمن جنوبی بود، می نویسد: چهار سال پیش «علی سالم بیض» دیکتاتور کمونیست سابق جمهوری دموکراتیک خلق یمن



وال استریت ژورنال تحلیل کرد:

چرا دوستان واشنگتن در خاورمیانه دیگر امریکارا دوست ندارند



یک روزنامه غربی با اشاره به سفر اخیر رئیس جمهور آمریکا به عربستان به بررسی دلایل دور شدن تدریجی متحدان قدیمی واشنگتن در خاورمیانه از ایالات متحده پرداخت.

وال استریت ژورنال در تحلیل خود می نویسد: سفر هفته گذشته «باراک اوباما» به عربستان سعودی در راس هیئتی بلندپایه یک حرکت هوشمندانه بود اما هیچکس نباید در این مورد تردید کند که این حرکت موجب از بین رفتن ناراحتی های موجود میان عربستان و آمریکا و یا حتی میان واشنگتن و دیگر متحدان ایالات متحده در خاورمیانه نمی شود.

در این روزها دو متحد قدیمی آمریکا در خاورمیانه و از مهمترین دوستان واشنگتن در منطقه یعنی اسرائیل و عربستان سعودی بیش از آنکه با ایالات متحده نکات مشترک داشته باشند با یکدیگر موارد مشترک پیدا کرده اند. در این میان باید مصر را نیز به این لیست اضافه کنیم و بدین ترتیب با یک جامعه یهودی، یک کشوری که به صورت پادشاهی اداره می شود و کشوری که تحت حکومت نظامیان قرار دارد مواجه هستیم.

به نوشته وال استریت ژورنال، اگر آمریکا دوستان زیاد و مورد اطمینانی در خاورمیانه داشت دور شدن هیچ یک از این سه مورد (عربستان، مصر و اسرائیل) از واشنگتن اهمیت چندانی نداشت اما خاورمیانه در حال ذوب شدن است و نمونه مصر موردی است که به ما می گوید آمریکا باید با دقت بیشتری با دوستان خود در خاورمیانه برخورد کند. این کار چندان ساده ای برای دولت آمریکا نیست که دوستان قدیمی خود را که از وی ناراحت هستند مجددا و در یک دوره کوتاه دور خود جمع کند.

«بنیامین نتانیاهو» نخست وزیر اسرائیل، در سال ها و بویژه ماه های اخیر به شدت از دولت اوباما فاصله گرفته که این امر دلایل متعددی دارد. «عبدالفتاح السیسی» رئیس جمهور مصر،

گفتگو با معاون رئیس پارلمان لبنان:

فضای مثبت بر مذاکرات حزب الله و المستقبل/روابط قابل قبول با حماس

گفتگو از فاطمه درخشان



معاون رئیس پارلمان لبنان ضمن اظهار امیدواری درخصوص نتایج مثبت مذاکرات میان جریان المستقبل و حزب الله اعلام کرد که انجام این مذاکرات در لبنان در حال حاضر یک امر حیاتی و ضروری است.

با وجود گذشت چند ماه از خلاء ریاست جمهوری در لبنان مذاکرات میان جریان المستقبل و حزب الله لبنان در راستای پیشبرد روند سیاسی در این کشور و برطرف کردن خلاء ریاست جمهوری چند ماهی است که در جریان است و دو طرف در خصوص نتایج آن ابراز رضایت کرده اند. از جمله سید حسن نصرالله در سخنرانی دیشب خود در مراسم بزرگداشت فرماندهان شهید حزب الله از حاکم بودن فضای مثبت در روند این مذاکرات خبر داد.

این در حالی است که این گفتگوها تاکنون به توافقاتی در زمینه مسائل امنیتی در لبنان منجر شده است. «خلیل حمدان» عضو جنبش امل لبنان و معاون «نبیه بری» رئیس پارلمان این کشور در این خصوص گفت: مذاکرات میان جریان المستقبل و حزب الله لبنان مدتی قبل برای پایان دادن به چالشهایی که میان احزاب و گروههای لبنانی وجود دارد، اختلافات میان جریانهای شیعه و سنی و همچنین توقف جریان افراطی گری که کل منطقه را تحت شعاع قرار داده آغاز شد.

وی در ادامه اظهار داشت: ما تاکید داریم که امر مذاکره مسئله اصلی و حیاتی در لبنان است چرا که تنشها را میان احزاب و گروههای شیعه و سنی در لبنان کاهش می دهد و راه را بر اجرای توطئه هایی که در این زمینه صورت می گیرد می بندد. حمدان در ادامه تصریح کرد که انجام مذاکرات میان حزب الله و جریان المستقبل این مزیت را دارد که دیگر گروههای سیاسی را در لبنان ترغیب می کند که وارد این مذاکره شوند که به طبع نتایج مثبت و قابل قبولی را در پی خواهد داشت.

معاون رئیس پارلمان لبنان در پاسخ به سؤالی درخصوص نتایج خلاء ریاست جمهوری در لبنان اظهار داشت: خلاء ریاست جمهوری حدود هشت ماه است که در لبنان سایه انداخته

و ما در جنبش امل خواهان حل این موضوع و پایان خلاء ریاست جمهوری در سریعترین زمان ممکن هستیم چرا که وجود رئیس جمهوری از ضروریات است و این امکان وجود دارد که لبنان متحمل ضرر و زیانهای زیادی شود و ما مصرا خواهان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در سریعترین زمان ممکن هستیم.

وی تأکید کرد: با این وجود باید تاکید کنم که در صورت موفقیت آمیز بودن مذاکرات نتایج مثبت و قابل قبولی را شاهد خواهیم بود و این امر یکی از عوامل اصلی در موفقیت آمیز بودن روند انتخاب رئیس جمهوری در لبنان محسوب می شود.

حمدان در پاسخ به سؤالی درخصوص امکان تغییر عقیده حزب الله در توقف حمایتها از میشل عون و حمایت از نامزد دیگری در انتخابات ریاست جمهوری لبنان گفت: این مسئله تماما به تحولات و نتایج مذاکرات جاری بستگی دارد اما چیزی که مشخص است این است که تاکنون مواضع همان مواضع گذشته است و تغییری در آنها رخ نداده است. اما این امکان وجود دارد که در آینده شاهد مسائل و مواضع جدیدی باشیم.

حمدان در ادامه با اشاره به روابط حماس و حزب الله اعلام کرد که این روابط قطع نشده و همچنان به صورت قابل قبولی تداوم دارد. چرا که همگی در مورد گزینه مقاومت به اجماع رسیده اند و گزینه دیگری در میان نیست و باید تاکید کنم که همه امور در روند مثبتی در جریان است.



یک اندیشکده آمریکایی تحلیل کرد: حزب الله پیروز جنگ احتمالی جدید در منطقه/ اسرائیل آماده دفاع باشد

موسسه مطالعاتی واشنگتن با اشاره به پیشرفت های مقاومت لبنان در جبهه نبرد سوریه، اعلام کرد رژیم صهیونیستی در جنگ جدید علیه حزب الله بازنده خواهد بود.

موسسه مطالعاتی واشنگتن در گزارشی تحلیلی اعلام کرد هر چند شرایط کنونی خاورمیانه پیش از هر زمان دیگری امکان بروز جنگی دیگر بین حزب الله لبنان و رژیم صهیونیستی را فراهم کرده، اما چنین جنگی به زبان این رژیم خواهد بود. در این گزارش آمده است:

نیروهای حزب الله از آمادگی کافی برای مقابله با حمله احتمالی اسرائیل به مناطق جنوبی لبنان برخوردارند. در کنار این پیشرفت ها راهبرد حزب الله در مورد سوریه که مشارکت حدود ۵ هزار نیروی آن در مناطق درگیری سوریه را در پی داشته، به آمادگی حزب الله برای درگیری شدن احتمالی با اسرائیل افزوده است

درگیری های مرزی اخیر در مرز جنوب لبنان موجب گمانه زنی هایی در مورد بروز جنگ دیگری در منطقه شده است. طی سال های گذشته حزب الله لبنان و اسرائیل به افزایش توانایی های خود برای جنگ احتمالی پرداخته اند، اما درگیری های داخلی در سوریه راهبرد این دو را تغییر داده است. حزب الله به نوبه خود پیشرفت هایی در زمینه افزایش شمار و برد موشک هایش داشته است. این گروه در حالی که در سال

این امر به منزله ناکارآمدی تدابیر امنیتی اسرائیل نیز بوده و کارکرد گنبد آهنین را زیر سوال می برد. در حالی که سامانه های دفاع موشکی اسرائیل تنها بخش های شمال و حداکثر مرکز اراضی اشغالی را پوشش می دهند، حزب الله موشک هایی دارد که مناطقی را در جنوب اراضی اشغالی هدف می گیرند.

علاوه بر این نیروهای حزب الله با توجه به افزایش قدرت تهاجمی این گروه می توانند از طریق مرزهای لبنان و سوریه به اراضی اشغالی نفوذ کرده و در درگیری احتمالی آینده پیش از پیش اسرائیل را تهدید کنند. گزارش سرویس اطلاعاتی ارتش اسرائیل حاکی است نبرد در جبهه سوریه چنین امکانی را برای حزب الله فراهم کرده است. اسرائیل هر چند تجربه حمله به نوار غزه و تخریب تونل های حماس برای جلوگیری از نفوذ نیروهای مقاومت را دارد، اما این تجربه نمی تواند نقطه قوتی برای این رژیم در جنوب لبنان به شمار رود. زیرا ارتفاعات این منطقه به سیستم های اطلاعاتی اسرائیل اجازه نمی دهد به راحتی از وجود چنین تونل هایی باخبر شوند، موردی که به یکی دیگر از نگرانی های اسرائیل تبدیل شده است.

در کنار این توانایی ها، وجود سنگرهای زیر زمینی و مراکز حزب الله در بیشتر روستاهای مرزی جنوب لبنان امکان موفقیت حملات جنگنده های اسرائیل به این مناطق را کاهش داده است. با توجه به این توانایی ها، اسرائیل برای مقابله با قدرت تهاجمی حزب الله باید علاوه بر تقویت قدرت بالفعل خود از جمله استقرار سامانه های دفاع موشکی بیشتر، از قدرت بالقوه خود نیز استفاده کرده و نیروهای ذخیره ارتش را فراخواند. در شرایطی که کار در میدان نبرد برای اسرائیل دشوار شده، این رژیم در صورت نفوذ نیروهای حزب الله، باید آماده رو در رویی با آنها در اراضی اشغالی شود.

آمادگی حزب الله برای درگیر شدن احتمالی با اسرائیل افزوده است. به عبارت دیگر حزب الله بدون درگیر شدن با اسرائیل به تجارب خوبی در جبهه نبرد زمینی و موشکی دست یافته و توانسته با حضور در جبهه سوریه توان رزمی خود را افزایش دهد.

در همین حال ارتش اسرائیل نیز نسبت به سال ۲۰۰۶ تغییراتی داشته است. با این حال در صورت آغاز درگیری، توان محدودی برای کاستن از زیان های این درگیری وجود دارد. به ویژه اسرائیل در این میان آسیب پذیرتر است.

سرویس اطلاعاتی ارتش اسرائیل تخمین می زند در صورت آغاز جنگی دیگر، حزب الله توان شلیک روزانه هزار موشک را به عمق اراضی اشغالی دارد. در حالی که سال ۲۰۰۶ روزانه ۱۱۸ موشک حزب الله به این مناطق شلیک می شد. اما مهمتر از همه دستیابی حزب الله به موشک های دوربرد است که موجب شد نگرانی تل آویواز هدف قرار گرفتن مناطق امنیتی، نظامی و اقتصادی اش شده است.

حمله حزب الله به نظامیان صهیونیست



صدور بیانیه قانون اساسی؛ اولین گام برای تعیین آینده سیاسی یمن

محمدعلی تخت رونده



صدور بیانیه قانون اساسی یمن پس از توالی تنشها در این کشور توسط کمیته انقلابی یمن واکنشهای متعددی را در پی داشته است.

کمیته های انقلابی یمن در نشست شب گذشته که در ساختمان ریاست جمهوری یمن در صنعاء برگزار شد با صدور بیانیه قانون اساسی از انحلال پارلمان این کشور خبر دادند.

بر این اساس، با انحلال پارلمان یمن، شورای ملی انتقالی با حضور ۵۵۱ عضو جایگزین آن خواهد شد و به مدت دو سال به فعالیت خود ادامه خواهد داد.

همچنین بنا بر بیانیه قانون اساسی، شورای ریاست جمهوری متشکل از پنج عضو در دوران انتقالی اداره امور کشور را برعهده خواهد داشت. این شورای ریاستی همچنین مسئول نظارت بر تشکیل دولت شایسته سالاری ملی خواهد بود.

بنابراین گزارش، بیانیه قانون اساسی کمیته های انقلابی یمن ۱۶ ماده دارد که به امضای «محمدعلی الحوثی» رئیس کمیته های مرکزی انقلابی یمن رسیده است.

بیانیه شماره یک

کمیته انقلابی یمن که عهده دار اداره یمن به مدت دو سال شده است، جمعه شب بیانیه شماره یک را در خصوص وزارت دفاع و وزارت کشور یمن در سال ۲۰۱۵ صادر کرد.

در این بیانیه آمده است: با استناد به قانون اساسی یمن و بیانیه کمیته انقلابی یمن و طبق مقتضیات منافع عالی ملی این کشور به موجب این بیانیه «محمود الصبیحی» به عنوان سرپرست وزارت دفاع و «جمال الرویشان» سرپرست وزارت کشور یمن منصوب می شوند. الصبیحی وزیر دفاع یمن در دولت مستعفی این کشور است.

بیانیه شماره دو

کمیته های انقلابی طی صدور بیانیه شماره دو فرمان تشکیل یک کمیته امنیتی عالی را به ریاست «محمود الصبیح» وزیر دفاع این کشور صادر کردند.

این در حالی است که الصبیحی در حالی منصب وزارت دفاع را بر عهده داشت که «خالد البجاح» نخست وزیر مستعفی این کشور به همراه «عبد ربه منصور هادی» رئیس جمهوری یمن در ۲۸ آذر ماه سال جاری و به دنبال تنشهای به وجود آمده میان دولت و معترضان از سمت خود استعفا کرده بود.

از دیگر اعضای این کمیته امنیتی «جمال الرویشان» وزیر کشور دولت مستعفی، «خالد الصوفی» رئیس سازمان مرکزی امنیت سیاسی و «حسن الاحمدی» رئیس سازمان امنیت ملی، «حسین خیران» رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و نیز شماری از مسئولان انصار الله به شمار می روند.

از سوی دیگر برخی منابع عربی اعلام کردند که احتمالاتی در خصوص فراخواندن سفرای برخی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در یمن از سوی مقامات این کشورها وجود دارد.

واکنش شورای امنیت

در همین راستا شورای امنیت در خصوص انحلال پارلمان در این کشور ابراز نگرانی و اعلام کرد که در صورت از سر گرفته نشدن مذاکراتی که توسط نماینده سازمان ملل در امور یمن رهبری می شود، این شورا اقدامات دیگری را اتخاذ خواهد کرد.

این در حالی است که طبق گزارش منابع یمنی «جمال بن عمر» نماینده سازمان ملل در امور یمن ساعاتی پیش وارد صنعاء، پایتخت یمن شد.

بر اساس این گزارش قرار است بن عمر با گروههای سیاسی یمنی و کمیته انقلابی این کشور در خصوص آخرین تحولات آن و اتخاذ راهکارهای مناسب به بحث و رایزنی بپردازد.

این در حالی است که روزنامه یمنی الشارح با انتشار گزارشی اعلام کرد که پیش از صدور بیانیه قانون اساسی یمن توسط کمیته های انقلابی، نشست مقامات سعودی با برخی از گروههای سیاسی در یمن از جمله انصارالله با شکست مواجه شد.

از سوی دیگر برخی از جدایی طلبان جنوب یمن در استانهای عدن و حضرموت با صدور این بیانیه مخالفت کرده و از آن با عنوان کودتا یاد کردند. حزب الناصری و حزب الشعب هم از جمله مخالفان این بیانیه اعلام شده اند.

دخالتی آشکار با این اقدام مخالفت کردند. «ماری هارف» سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در واکنش به ترسیم آینده سیاسی یمن طبق صدور بیانیه قانون اساسی این کشور توسط کمیته های انقلابی این اقدام را محکوم کرد. وی اعلام کرد که وزارت خارجه آمریکا انحلال پارلمان یمن را به شدت محکوم می کند.

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا همچنین در ادعایی اقدام اخیر کمیته های انقلابی یمن را یک کودتا توصیف کرد. از سوی دیگر یک مقام آمریکایی اعلام کرد که طی نشست که روز جمعه میان «جان کری» وزیر خارجه آمریکا و مقامات برخی از کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس برگزار شد این کشورها خواهان مداخله جامعه بین الملل در تحولات یمن شده اند.

بر اساس بیانیه صادر شده از سوی کمیته های انقلابی یمن این کمیته امنیتی مسئولیت اتخاذ راهکارهای مختلفی را در خصوص حفظ امنیت و ثبات این کشور و همچنین حمایت از شهروندان یمن را بر عهده دارد.

این در حالی است که انتظار می رود این کمیته با شروع فعالیت خود در تمام مناطق نظامی یمن حالت فوق العاده اعلام کند.

واکنش آمریکا و کارشکنی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس

با صدور بیانیه قانون اساسی در یمن که به عنوان راهکاری برای حل بحران در این کشور محسوب می شود، برخی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و همپیمان اصلی آنها یعنی آمریکا دست به کارشکنی زده و در



گفتگو با تحلیلگر الاهرام:

آمریکابه دنبال نابودی داعش نیست/ جریان اسلامی بخشی از معادلات مصر



گفتگو از سوسه موسسه الاهرام

تحلیلگر موسسه الاهرام مصر با اعلام اینکه آمریکا به دنبال نابودی داعش نیست اعلام کرد که جریان اسلامی بخشی از معادله مصر محسوب می شود و آمریکا به دلیل منافع اقتصادی همواره از جنگ در منطقه استقبال می کند. روابط ایران و مصر متأثر از علل و عوامل مختلفی بوده است. در این روابط باید توجه داشت برخی اهداف سیاست خارجی دو کشور تفاوتی آشکاری با هم ندارند لذا با وجود چنین اهدافی پیوند روابط میان دو کشور کاری سخت و دشوار است. در جایی که سیاست خارجی مصر گرایش به غرب و به ویژه آمریکا، موضوع سازش عربی اسرائیلی، سنخ حکومتی پاتریمونیال (پدرسالار)، مخالفت با قرائت اسلام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تعریف امنیت خلیج فارس به عنوان امنیتی عربی و ناسیونالیسم عربی را مورد نظر دارد جمهوری اسلامی ایران در تضاد اهداف با این اهداف است.

به جای آن ایران تأکید بر توازن در روابط شرق و غرب و عدم وابستگی به هر کدام، به رسمیت نشناختن سازش عربی اسرائیلی، توجه به اسلام سیاسی، حمایت از جنبشهای آزادی خواهانه و اسلام گرایانه، سنخ حکومتی مردمسالاری دینی، تأکید بر امنیت درون زاد خلیج فارس به معنای مشارکت همه کشورهای حاشیه آن و ... را به عنوان اهداف سیاست خارجی دنبال و پیگیری می کند. لذا مشاهده می شود تعارض آشکاری در برخی اهداف سیاست خارجی دو کشور دنبال می شود. البته این به معنای این نیست که در حوزه هایی که دو کشور همگرا هستند امکان همکاری و گسترش روابط وجود ندارد.

«احمد السیوفی» تحلیلگر موسسه الاهرام مصر در گفتگو با خبرنگار مهر به بررسی موضوع چالش ملت-دولت نزد برخی کشورهای عربی و موانع پیش روی روابط ایران و مصر پرداخت که در ادامه می آید.

اوضاع امنیتی در سیناء بسیار بد است و مشکل این است که گروه های مسلح در حال حاضر به دنبال جنگ های چریکی در این منطقه هستند. در دوره ریاست جمهوری «حسنی مبارک» بسیاری از اعضای القاعده از زندان گوانتانامو فرار کردند و در سیناء مستقر شدند. این گروه ها از سوی برخی کشورهای حمایت می شوند و سیاست «عبدالفتاح السیسی» رئیس جمهوری مصر در حال حاضر از بین بردن گروه های مسلح در این منطقه است.

|| نظر تران درباره مواضع دوگانه غربی-عربی در قبال قیام های عربی منطقه چیست به عنوان مثال کشورهای عربی در قبال قیام بحرین سکوت می کنند و یا با انقلاب مردمی در یمن مخالفت می کنند؟

اتحادیه عرب صدای سران و حکام کشورهای عربی است و صدای ملت ها را منعکس نمی کند و حکام مرتبط با اوضاع و سیاست های بین المللی هستند. اتحادیه عرب اتحادیه ای ناتوان و ناکارآمد است زیرا منکس کننده شکست و ناتوانی حاکمان عرب است به ویژه اینکه سران عرب به ملت هایشان تحمیل شده اند؛ لذا به حمایت کشورهای بزرگ نیاز دارند و این حمایت تاوان و بهایی دارد و بهای آن چشم پوشی از خواست و اراده ملت های عرب است. به عنوان مثال کشورهای منطقه

و غرب خواهان انقلاب بحرین نیستند. «شیخ علی سلمان» دبیرکل جمعیت الوفاق بحرین در راس هیئتی از مخالفان بحرینی به قاهره سفر کرد و در میان آنها اهل تسنن و ارنی نیز به چشم می خورد. وی اعلام کرد که انقلاب بحرین طایفه ای نیست و ائتلاف مخالفان بحرینی مذهبی نیستند و خواسته های طائفه ای ندارند بلکه مطالبات آنها سیاسی است.

در مورد کشورهای غربی نیز باید گفت که تعامل دوگانه آنها با انقلاب های عربی ناشی از منافعشان است. یعنی این کشورها طبق منافع خود موضعگیری می کنند و انقلاب بحرین بر خلاف منافعشان در منطقه است.

کشورهای منطقه است. تمامی کشورهای جهان خواستار گسترش نفوذ خود در دنیا هستند و ایران و مصر باید درباره این نفوذ به تفاهم برسند و این امر از طریق همکاری محقق خواهد شد. من دلیلی برای عدم برقراری روابط میان دو کشور نمی بینم و طرح مسائلی همچون نامگذاری خیابانی در ایران به نام «خالد اسلامبولی» بهانه است روابط میان کشورها در گروی نامگذاری خیابان ها نیست. مصر و ایران کشورهای مهم منطقه هستند و نباید تحت تاثیر چنین مسائلی قرار گیرند زیرا روابطشان به نفع منطقه است. در منطقه ۳ کشور مرکزی وجود دارد: ایران، مصر و ترکیه و اگر روابط قاهره با آنکارا بد باشد هیچ توجیهی برای عدم برقراری رابطه با ایران وجود ندارد و این یک مسئله استراتژیک است.

تاکنون هیچ مدرکی مبنی بر اینکه ایران در امور داخلی مصر دخالت می کند وجود نداشته است بنابراین روند امور باید تصحیح شود تا هر دو ملت ایران و مصر از برقراری رابطه سود ببرند. مصر دروازه آفریقا و ایران دروازه آسیا است و وقتی دروازه وجود دارد این دو کشور نباید برای ورود به آسیا و آفریقا از پنجره استفاده کنند. به نظر من تنها مشکل در عدم رابطه میان ایران و مصر ناشی از اراده سیاسی برای برقراری رابطه است.

|| دولت مصر اخوان المسلمین را یک گروه تروریستی معرفی کرده است آیا به نظر شما چنین اقدامی گامی درست در برقراری ثبات در مصر به شمار می رود؟

اخوان المسلمین اشتباهات بسیاری مرتکب شد اما این گروه بخشی از معادله مصر محسوب می شود و نادیده گرفتن این بخش دشوار است. حوادث دو سال گذشته مصر نشان داد جریان اسلامی بخشی از معادله مصر است و نمی توان آن را به طور کامل حذف کرد و آن را نادیده گرفت. محمد البرادعی نیز تأکید دارد که باید با گروه اخوان المسلمین بر سر میز مذاکره نشست.

ایجاد گروهی مثل داعش همچون تولید القاعده و طالبان بوده است و همه این گروه ها به یک شکل عمل می کنند. آمریکا خواهان از بین رفتن چنین گروه هایی نیست بلکه با تشکیل این گروه ها به دنبال ایجاد رعب و وحشت در کشورهای منطقه است. واشنگتن خواهان از بین بردن داعش نیست و ائتلاف مقابله با داعش که به رهبری آمریکا تشکیل شده است هدفش نابودی داعش نیست و این کشور در صورتی که بخواهد می تواند در عرض یک ساعت آن را از بین ببرد.

داعش با سیطره بر برخی مناطق عراق و سوریه گمان می کند می تواند خلافت اسلامی تشکیل دهد اما این گروه در وهم و خیال بسر می برد و این مسئله با قدرت داعش همخوانی ندارد.

|| روابط ایران و مصر را چگونه ارزیابی می کنید؟

روابط ایران و مصر فرار و نشیب های زیادی داشته است و هیچ روابطی در دنیا همچون روابط ایران و مصر نبوده است. این روابط به بهانه های مختلف همچون گسترش تشیع و تلاش ایران برای ایجاد هرج و مرج در منطقه از سر گرفته نشده است. این سخنان بیپهوده است و به جز یک گروه مرتبط با دستگاه امنیتی مصر تمامی جریان ها خواهان برقراری رابطه با ایران هستند زیرا ایران یکی از مهمترین

|| به نظر شما اهداف گروه تروریستی همچون داعش چیست و چه عواملی در ورای چنین گروهی قرار دارند و آیا ائتلاف مقابله با داعش به رهبری آمریکا می تواند به نابودی این گروه منجر شود؟

داعش یک شرکت تجاری است و از توافق آمریکا با برخی کشورهای منطقه با اهدافی خاص تشکیل شده است. یکی از این اهداف جلوگیری از گسترش مذهب تشیع در منطقه و هدف دیگر فراهم کردن مقدمات حضور دائم آمریکا در منطقه است. از دیگر اهداف تشکیل گروه هایی همچون داعش می توان کسب سودهای فراوان از طریق فروش سلاح به گروه های مسلح و کشورهای منطقه را نام برد.

«ریچارد هاس» نویسنده آمریکایی معتقد است اقتصاد آمریکا یک اقتصاد جنگی است و تنها در سایه جنگ ها رشد می کند. بنابراین اگر جنگ ها و بحران ها متوقف شود آمریکایی ها در جستجوی جنگ جدیدی خواهند بود و از طریق فروش سلاح در این شرایط سود فراوانی به دست می آورند.

ریچارد هاس در مقاله ای عنوان کرده است که آمریکا در ۱۶۷ جنگ در دنیا طی صد سال اخیر مشارکت داشته است و این مشارکت یا به صورت مستقیم یا غیر مستقیم و یا از طریق حمایت لجستیک بوده است. بنابراین



قاره اروپا در ماه بهمن شاهد تحولات مهمی بود. از جمله این تحولات نشست میسنک برای حل و فصل بحران اوکراین بود که به آتش بس محدود میان ارتش اوکراین و شورشیان شرق این کشور منجر شد. تصویب لایحه پیشنهادی «ماتئو رنزی» برای اصلاح در قانون انتخابات ایتالیا، تصمیم ناتو برای تجدید نظر در روابط با روسیه و حمایت مجارستان از پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا از جمله اخبار مهم قاره سبز به شمار می روند.

پیروزی حزب چپگرای «سی ریزا» در یونان از تحولات مهم این قاره به شمار می رود. این موضوع از آنجا حائز اهمیت است که پیروزی این حزب و تأییدی که بر عدم اجرای سیاستهای ریاضتی اتحادیه اروپا داشته باعث نگرانی در خصوص آینده وضعیت اتحادیه اروپا شده است.

همچنین به دنبال این پیروزی، چپگراها در اروپا خرسند شده تادوباره مجالی برای حضور گسترده و قدرتمند آنها در سراسر اروپا مهیا شود.

برگزاری تظاهرات جنبش پگیدا در آلمان، علاقمندی آنکارا و آتن برای گسترش مناسبات در پی پیروزی حزب چپگرای «سی ریزا» در یونان، کناره گیری سختگوی جنبش اسلام هراسانه پگیدا و درگیری های مرزی میان ارمنستان و آذربایجان که منجر به کشته شدن ۷ نفر شد سایر اخبار مهم این قاره در ماه بهمن به شمار می روند.

آغاز طراحی خط لوله گاز روسیه به ترکیه، نشست وزیران دفاع ناتو برای تقویت حضور ناتو در شرق، درخواست کمک نظامی پروشنگو از ناتو، برگزاری کنفرانس امنیتی مونیخ، رای مثبت پارلمان بلژیک به طرح تشکیل کشور فلسطینی و ورود فرانسه به بازار تسلیحاتی مصر و پایان دادن به انحصار آمریکا در این بازار از جمله اخبار مهم ماه بهمن در قاره سبز به شمار می روند.

اروپا



گفتگو از پیمان یزدانی

دکتر «نورای مرت» استاد علوم سیاسی دانشگاه استانبول بهترین راهکار حل مشکل سوریه را ایجاد ائتلاف بزرگ خواند و توصیه های سیاسی دولت ترکیه به اخوان المسلمین را برای آنها مشکل ساز دانست. در روزهای اخیر خبرهایی مبنی بر سفر رهبران حماس به ترکیه و احتمال انتقال دفتر حماس از دوحه قطر به ترکیه در رسانه های مطرح است. در همین خصوص گفتگویی با دکتر «نورای مرت» استاد علوم سیاسی دانشگاه استانبول و کارشناس مسائل منطقه انجام شده است که مشروح آن در زیر آمده است.

گفتگو با تحلیلگر ترک؛

ایجاد «ائتلاف بزرگ» برای سوریه اخوانی ها هم مخالف توصیه های ترکیه هستند

غرب بود اگر غنوشی هم به توصیه های ترکیه مشابه آنچه که به اخوان المسلمین مصر می کرد توجه می کرد و به کار می بست الان اوضاعش اینگونه نبود.

حتی گفته می شود برخی اعضاء اخوان المسلمین مصر به توصیه های سیاسی ترکیه معترض هستند. بطور کلی تحولات بهار عربی نشان داد که علت موفق نبودن اخوان المسلمین فقط ناکارآمدی این گروه و فاصله نگرفتن این گروه از گروه های رادیکال نبوده است بلکه نشان داد که این حمایت های غرب بود که موجب شد آنها راه را به سیاست باز کنند و بدون حمایت و پشتیبانی غرب نمی تواند کار زیادی از پیش ببرند.

این روزها اخوان المسلمین و دولت ترکیه دارای وضع مشابهی هستند هر چند آنها نمی خواهند اعتراف کنند که بخشی از قدرت آنها از غرب است و بعد از اینکه حمایت های غرب را از دست داده اند برای بقا به همدیگر تکیه داده اند و همچنین نمی خواهند اعتراف کنند که ظرفیت و توانایی تغییر سیاست های آشفته خاورمیانه ای خود را ندارند.

امر موجب حمایت های بیشتر دولت ترکیه از اخوان المسلمین خواهد شد؟
شاید ترکیه بخواهد حمایت خود از اخوان المسلمین را افزایش دهد اما من مطمئن نیستم که در حال حاضر فضای برای اخوان المسلمین در سیاست های منطقه وجود داشته باشد. علت حذف اخوان المسلمین از قدرت تنها کودتای نظامی در مصر نبود بلکه این گروه حمایت های غرب را هم از دست داده بود و علاوه بر اینها رهبری این گروه ثابت کرد که نسبت به پرونده دموکراسی سازی در مصر چندان متعهد نیست.

اصلی ترین دلیل قطع حمایت های غرب از اخوان المسلمین، ناتوانی اخوان المسلمین در فاصله گرفتن از رادیکالیسم بود. تنها در تونس غنوشی توانست یک راه معتدل و میانه ای را در پیش گیرد حتی با اینکه تحت فشارهای

به حماس شده است نیازی است که حزب حاکم برای جبران شکست سیاست خارجی اش دارد. دولت ترکیه در تلاش است تا در سیاست های خاورمیانه تاثیرگذار باشد و برای این منظور حماس شانس خوبی را به این حزب می دهد.

علاوه بر اینها حماس در جریان آغاز تحولات و اتفاقات سوریه چرخشی در سیاست های خود داشت و از متحدان قدیمی خود فاصله گرفت هر چند امروز بعد از گذشت ۳ سال و شکست سیاست های غربی ها و متحدان سنی آنها در سوریه اوضاع و احوال تغییر کرده است.

با توجه به موضعی که قطر در راستای بهبود روابط خود با عربستان سعودی اخیرا در قبال اخوان المسلمین گرفته است، آیا می توان گفت که این

گفته می شود که دفتر حماس قرار است از قطر به ترکیه منتقل شود و برخی از مقامات حماس در همین راستا دیدارهایی از آنکارا داشته اند. چرا ترکیه در تلاش است روابط خود با حماس را توسعه دهد؟

حزب حاکم همیشه بنا به دلایل قابل فهم علاقمند به داشتن روابط نزدیک با حماس بوده است زیرا اولا حماس مشروع ترین نماینده فلسطینیان در کشورهای اسلامی است به ویژه در میان اسلام گراها، ثانيا بین حزب حاکم عدالت و توسعه ترکیه و حماس همگرایی های ایدئولوژیک وجود دارد و ثالثا نزدیکی ترکیه و حماس نقش کلیدی در نتیجه بخش بودن مذاکرات فلسطینیان دارد. آنچه که اخیرا موجب علاقمندی دولت ترکیه به نزدیک شدن

با توجه به اظهارات اخیر «بشیر شعیان» مشاور رئیس جمهور سوریه که دولت مصر و «السیسی» رئیس جمهور این کشور را دوست سوریه خوانده بود، آیا می توان گفت که مصر دولت عربستان سعودی را متقاعد خواهد کرد تا سیاست خود در قبال سوریه را تغییر دهد و باقی ماندن بشار اسد در قدرت را بپذیرد؟

من درباره اظهارات وی چیزی نمی دانم اما حقیقت این است که بهترین راهکار برای حل بحران سوریه ایجاد «یک ائتلاف بزرگ» است. به نظر می رسد که محور اتحاد سنی غربی به خطرات جریانهای اسلامگرای افراطی که تحت عنوان جعلی «مخالفین» مطرح می شوند پی برده است. با اینحال حامیان دولت بشار اسد هم باید حقیقت را به رسمیت بشناسند که اسد هم باید راهی برای مصالحه بیابد و حتی مسئله انتقال قدرت و یا تقسیم قدرت را هم مد نظر داشته باشد



شورای آتلانتیک تحلیل کرد؛ موارد اختلاف آنکارا و اتحادیه اروپا/ غرب نگران سیاستهای ترکیه است



زیادی به گاز فروشی روسیه به ترکیه داد. در این گزارش آمده است با وجود تحریم های آمریکا و اروپا علیه روسیه همکاری ترکیه با روسیه موجب نگرانی این کشورها شده است بطوریکه ترکیه بر خلاف خواست اتحادیه اروپا نه تنها روسیه را تحریم نکرده بلکه همکاری های خود با این کشور را افزایش نیز داده است و از فرصت ایجاد شده برای افزایش صادرات خود به روسیه استفاده کرده است.

نویسنده در بخش دیگری از این مطلب می نویسد: باید به خاطر داشته باشیم که علت خروج قبرس از مذاکرات با ترکیه اعتراض به عملیات اکتشاف نفت و گاز ترکیه در شرق دریای مدیترانه صورت گرفت و این در حالی است که قبرس و اسرائیل برای صادرات گاز به مصر، یونان و ایتالیا از طریق خط لوله ای که از ترکیه می گذرد برنامه ریزی کرده اند. نویسنده در پایان با اشاره به مشکلات و نگرانی های ایجاد شده برای غرب توسط ترکیه، توصیه می کند روند مذاکرات الحاق این کشور به اتحادیه اروپا معلق بماند تا این کشورها تا درباره این نکته که ترکیه به ارزش های اروپایی آزادی، دموکراسی، برابری و حکومت قانون و حقوق بشر چگونه احترام خواهد گذاشت اطمینان حاصل کند.

ها اعلام کرد این اقدامات بر خلاف ارزش های اروپایی است که ترکیه خواستار الحاق به آن است. در واکنش به هشدار اتحادیه اروپا رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه گفت: ما هیچ نگرانی درباره آنچه که اروپا می گوید نداریم؛ چه ما را به عضویت بپذیرد و چه نپذیرد. همچنین در این گزارش از دیگر مشکلات بین ترکیه و اتحادیه اروپا «اختلاف بر سر سوریه» عنوان شده است.

بنا بر این گزارش اولویت های ترکیه و اروپا در خصوص سوریه متفاوت است. بطوریکه اروپا با طرح سازمان ملل برای توقف درگیری ها در حلب موافق است و از آن حمایت می کند در حالیکه ترکیه خواستار ایجاد منطقه پرواز ممنوع و حایل در شمال سوریه است و همچنین خواستار کنار گذاشتن بشار اسد از قدرت است زیرا معتقد است به همراه داعش دولت سوریه هم باید هدف قرار گیرد.

در بخش دیگری از این گزارش آمده است، دیدار مقامات اروپایی از آنکارا یک هفته بعد از آن صورت گرفت که «ولادیمیر پوتین» در دیداری که از ترکیه داشت اعلام کرد خواهان انتقال خط لوله گاز «سوات استریم» جریان جنوبی از طریق خاک ترکیه است و تخفیف

فدریکا موگرینی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و دیوید کامرون نخست وزیر انگلیس به ترکیه امیدها را برای بهبود روابط ترکیه و اتحادیه اروپا افزایش داده بود ولی موج وسیع دستگیری روزنامه نگاران و خبرنگاران و حمله پلیس به ساختمان روزنامه تودی زمان موجب از بین رفتن این امید شد. بطوریکه کمیسیون اروپایی بلافاصله بعد از این بازداشت

اولویت های ترکیه و اروپا در خصوص سوریه متفاوت است. بطوریکه اروپا با طرح سازمان ملل برای توقف درگیری ها در حلب موافق است و از آن حمایت می کند در حالیکه ترکیه خواستار ایجاد منطقه پرواز ممنوع و حایل در شمال سوریه است و همچنین خواستار کنار گذاشتن بشار اسد از قدرت است

شورای آتلانتیک در گزارشی به تشریح نگرانی های اروپا و آمریکا از عملکرد متحد منطقه ای خود ترکیه پرداخته و خواستار تعلیق مذاکرات الحاق این کشور به اتحادیه اروپا شد. شورای آتلانتیک در گزارشی به قلم «پینار دوست نیگو» به تشریح نگرانی های متحدان غربی ترکیه از سیاست های این کشور پرداخت.

در این گزارش آمده است که سه مسئله درباره ترکیه وجود دارد که موجب نگرانی آمریکا و متحدان اروپایی این کشور شده است. سه موضوعی که موجب نگرانی های متحدان غربی ترکیه شده است موج وسیع دستگیری روزنامه نگاران و خبرنگاران در این کشور است که امیدها برای احیای مذاکرات الحاق این کشور به اتحادیه اروپا را کم رنگ کرده است. همچنین مذاکرات این کشور و قبرس یونانی نشین اخیرا به خاطر رقابت این کشور با قبرس بر سر منابع نفت و گاز در دریای مدیترانه نیز با مشکل مواجه شده است.

موضوع دیگری که موجب نگرانی غرب شده است پیشنهاد روسیه به ترکیه برای توسعه روابط است تا فعالیت های مشترک خود در زمینه نفت و گاز را افزایش دهند. در این گزارش آمده است با اینکه سفر اخیر



گفتگو با کارشناس ترک:

دلایل ناراحتی غرب از ایران / انقلاب اسلامی سرنوشت منطقه را تغییر داد

کشورهای استقلال طلب جهان تبدیل شد. امروز نیز ایران در مبارزه با تروریسم در کنار ملت های فلسطین، لبنان، سوریه و عراق ایستاده و با اقدامات خود نقشه های امپریالیسم را در منطقه نقش بر آب کرده است.

به گفته این محقق ترک، لیبرال دموکراسی از انقلاب اسلامی ایران هراس دارد زیرا دو رویی و نفاق غرب را افشا می کند. به بیان دیگر لیبرال دموکراسی متشکل از دو رویی، نفاق و دروغ است. غرب از ایران به این خاطر که به دنبال استقلال کامل خود بوده و در مقابل قدرت ها سر خم نمی کند، ناراحت است. قدرت های غربی می خواهند دیگر کشورها به آنها وابسته بوده و مستعمره شان شوند. دلیل دیگر هراس از انقلاب ایران این است که این انقلاب نظم دروغین جهان را بر هم زده و مسیر جدیدی را به ملت ها نشان داده است. این امر قدرت ها را نگران می کند و از این رو با انقلاب ایران مقابله می کنند.

دولابجی یادآور شد: مفهوم دموکراسی دروغ باقی و حرافی نیست، دموکراسی تنها پای صندوق های رای رفتن هم نیست. دموکراسی در واقع آزاد زیستن و دستیابی به حقوق برابر، رشد اقتصادی، برخورداری از حقوق اجتماعی، استقلال و مهمتر از همه داشتن امنیت است. تمام اینها را می تواند در ایران مشاهده کرد. ایران یکی از امن ترین کشورهای جهان است، این نشان می دهد ایران یکی از دموکرات ترین کشورها است. برای غرب دموکراسی مفهوم دیگری دارد. آنها کسانی را که می خواهند از صندوق ها بیرون می آورند. آیا این یک فریبکاری بزرگ نیست؟ سوریه یکی از کشورهای امن جهان بود، اما چه شد؟ وعده غرب برای این که به این کشور دموکراسی خواهد آمد موجب ریخته شدن

این راستا به جنبش های آزادیخواه کمک کرد؛ با بستن سفارت رژیم صهیونیستی، پرچم فلسطین را در آنجا به اهتزاز در آورد. ایران همچنین صلح طلبی خود را نیز به نمایش گذاشت. در کنار این، نیروی حزب الله که با قدرت در برابر اسرائیل ایستاده است، موفقیت ایران است. اگر انقلاب ایران به وقوع نیبوسته بود، چنین امری محقق نمی شد. ایران جبهه مقاومت و ایستادگی را در منطقه ایجاد کرد.

خبرنگار روزنامه آیدنلیک ترکیه در تشریح میزان تاثیر پیام انقلاب اسلامی ایران برای ملت های انقلابی جهان گفت: امام خمینی (ره) رهبر انقلاب اسلامی ایران در مصاحبه ای که در زمان بازگشت از پاریس به ایران با روزنامه آیدنلیک انجام داد قدرت های جهان را از مداخله در مسائل این کشور باز داشت و بعدها نیز در این راستا اقداماتی انجام داد. کوشید ایرانی مستقل و قدرتمند ایجاد کند. پای حرفش ایستاد. با قیام استقلال طلبانه ایران، ملت های ستم دیده و مظلوم جهان نیز به آن پیوستند. ایران شجاعان به سوی این قیام ها دست یاری دراز کرد. این سیاست بسیار موثر بود. در سال های اخیر این رویکرد را در مناسبات ایران با کشورهای آمریکا لاتین می بینیم. وی در بخش دیگری از سخنان خود در بیان ویژگی های انقلاب اسلامی ایران یادآور شد: انقلاب ایران بین دو قدرت امپریالیستی و کمونیستی گزینه سومی را مطرح کرد. این گزینه مورد توجه کشورهایمانند چین، هند، یوگوسلاوی و مصر قرار گرفت که در آن زمان به دنبال استقلال و خارج شدن از بلوک شرق و غرب بودند. شمار بیشتری از کشورها نیز به این روند پیوستند. «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» راه سومی بود که ایران به جهانیان نشان داد. به بیان دیگر ایران به الگویی برای

یک تحلیلگر ترک با بیان اینکه انقلاب ایران بین دو قدرت امپریالیستی و کمونیستی گزینه سومی را مطرح کرد، گفت: این گزینه مورد توجه دیگر ملت های آزادیخواه قرار گرفت و شمار زیادی به این روند پیوستند.

«رجان دولابجی» نویسنده و محقق روزنامه آیدنلیک ترکیه که در سال ۱۹۷۹ نوجوانی ۱۴ ساله بود و اخبار وقوع انقلاب اسلامی در ایران را با هیجان دنبال می کرد در گفتگویی گفت: در آن زمان سقوط شاه ظالم ایران موجب خوشحالی ما بود. گویی همین دیروز بود که امام خمینی (ره) در میان استقبال گسترده مردم، به ایران بازگشت. همینطور از جنگی که عراق به فاصله اندکی پس از انقلاب به ایران تحمیل کرد، ناراحت شدیم، با این حال با دیدن بسیج عمومی مردم ایران و عزیمت پیر و جوان به جبهه ها بار دیگر هیجان زده شدیم. حس وطندوستی ایرانی ها مثال زدنی است. همانطور که مردم ترکیه نیز در جنگ چانک قلعه نبردی تاریخی را در مقابل قدرت های استعمارگر به نمایش گذاشتند.

دولابجی که در این سال ها به عنوان خبرنگار از نزدیک وقایع پس از انقلاب اسلامی ایران را زیر نظر داشته در ادامه افزود: روزنامه آیدنلیک در مورد انقلاب ایران اخبار و مطالب زیادی منتشر کرده است. این انقلاب بسیار مهم است زیرا سرنوشت منطقه را تغییر داد. ایران با این انقلاب حرکت بزرگی انجام داد و در کسب استقلال الگویی برای کشورهای دیگر شد. اگر در زمان حیات امام خمینی (ره) آناترک نیز زنده بود، این دو دوستان خوبی می شدند.

وی در پاسخ به این سوال که انقلاب اسلامی ایران چه تاثیری بر جنبش های رهایی بخش جهان داشته اظهار داشت: انقلاب ایران سرمشق جنبش های آزادیخواهانه و استقلال طلبانه است. این انقلاب حرکتی ملی بود. ایران با پیشینه تاریخی عظیم یکی از کشورهای مهم در منطقه و آسیا به شمار می رود. از این رو نمی تواند وابسته باشد. رژیم شاه این استقلال را از بین برده و به نوکر ایالات متحده تبدیل شده بود. ملت ایران علیه این وضعیت شوریده و قیام کرد. تا سال های دهه ۱۹۸۰ میلادی ملت های زیادی با حکومت های مستبد مبارزه کرده و استقلالشان را به دست آورده بودند. در چنین دورانی ایران دیگر نمی توانست وابستگی را تحمل کند، ملت این روند اشتباه را متوقف کرد و سرنوشت خود را در دست گرفت. دولابجی یادآور شد: ایران با این واقعه مهم، به الگویی برای جهان تبدیل شد و نشان داد که می توان در مقابل قدرت های بزرگ ایستادگی کرد. ملت ایران توانست یک ابرقدرت را شکست دهد به همین دلیل هر چقدر از این کار به خود بیالذ باز هم کم است. قیام مردم ایران همچنین به ملت های مظلوم جهان امید و انگیزه داد. ایران پس از پیروزی انقلاب اعلام کرد در کنار ملت های مظلوم خواهد ایستاد. در

خون هزاران نفر در این کشور شد. مسئول ریخته شدن این خون ها کیست؟ آنها، این را دموکراسی می نامند. هر چیز که ناقص باشد، دموکراسی مورد پسند غرب است.

وی افزود: به نام دموکراسی، جهان را به خون آغشته اند. هر سورا بنگری، ترور و اشک و آه می بینی. تمام اینها آثار اقدامات غرب است. تمام گروه های تروریستی دنیا با کمک سیا، موساد و سازمان های جاسوسی غربی شکل می گیرند. این گروه ها در چارچوب سیاست های غرب حرکت می کنند. در پس این گروه ها نیز ارتش اشغالگر غرب از راه می رسد. آنچه که امروز در منطقه شاهدش هستیم، شاهد این مدعا است. یکی از شعارهای انقلاب اسلامی ایران زندگی در صلح و به دور از شکنجه و آزار است. اگر به تحولات امروز بنگریم متوجه می شویم که جهان چقدر به این مسئله نیاز دارد. ایران با حرکت در این راستا، در جبهه مقابله با تروریسم فعال است و کسانی را که با تروریسم می جنگند، یاری می کند. دولابجی با بیان اینکه ایران یک کشور اسلامی است گفت: ایران باید در این زمینه فعال تر شود. دیگران هر چه می خواهند بگویند، ایران باید راهی را که در پیش گرفته با جدیت دنبال کند. نتیجه این رویکرد در آینده بیش از پیش مشخص خواهد شد.

**لیبرال دموکراسی از
انقلاب اسلامی ایران
هراس دارد زیرا دو
روی و نفاق غرب را
افشا می کند. به بیان
دیگر لیبرال دموکراسی
متشکل از دو رویی، نفاق
و دروغ است. غرب از
ایران به این خاطر که
به دنبال استقلال کامل
خود بوده و در مقابل
قدرت ها سر خم نمی
کند، ناراحت است.
قدرت های غربی می
خواهند دیگر کشورها
به آنها وابسته بوده و
مستعمره شان شوند**

این محقق روزنامه آیدنلیک در بخش دیگری از سخنان خود به نقش امام خمینی (ره) در انقلاب اسلامی ایران پرداخت و تاکید کرد: این انقلاب را رهبری امام خمینی (ره) به پیروزی رسید. وی یکی از رهبران انقلابی بزرگ تاریخ بشریت است. من مورخ دوره جمهوری ترکیه هستم و انقلاب اسلامی ایران و تحولات آن را تعقیب می کنم. در سفرم به ایران به حرم امام خمینی (ره) رفتم. بعد سری به جماران زدم و از سادگی زندگی اش متاثر شدم

امیر احمدیان تشریح کرد:

علل ناموفق بودن مذاکرات صلح اوکراین



گفتگو از فریدون ناعمی

مذاکره توانسته اند اختلافات را حل کنند. مثل آنچه که در مورد تیمور شرقی اتفاق افتاد و این منطقه به عنوان یک کشور مستقل به رسمیت شناخته شد. یا در قره باغ که خواهان استقلال بیشتر بودند و دست به سلاح بردند، در این مورد هم با دخالت کشور ثالث وضعیت بحرانی شد. بحران اوستیای جنوبی و ابخازیا نیز همین وضعیت را داشت. این شرایطی است که در شرق اوکراین هم به وجود آمده و ناشی از ساختار شوروی سابق است.

وی اظهار داشت: به نظر می رسد گفتگوی بین دولت مرکزی و جدایی طلبان شرقی باید در چارچوب دولت اوکراین انجام بگیرد. جامعه جهانی باید هر دو طرف را متقاعد کند که مذاکره دارای ویژگی ها و سطحی است و طرف های درگیر باید این مسائل را رعایت کنند اگر اینها رعایت نشود نتیجه همان می شود که در این مدت شاهدان بوده ایم. آتش بس اعلام می شود دوباره جنگ از سر گرفته می شود و باز آتش بس برقرار می شود و این وضعیت ادامه دارد.

وی افزود: در هر حال همانطور که «داود شواردناده» رئیس جمهوری سابق گرجستان می گفت یک صلح بد بهتر از یک جنگ خوب است. مسائلی مانند بحران اوکراین به این سادگی قابل حل نیست.

امیراحمدیان خاطر نشان کرد: به لحاظ حقوقی روسیه مدل

کارشناس مسائل روسیه ضمن اشاره به مشکلات موجود در مسیر مذاکرات صلح بین دولت اوکراین و جدایی طلبان بر لزوم اصلاح ساختار سازمان ملل برای حل بحران های بین المللی تأکید کرد.

دکتر «بهرام امیر احمدیان» استاد دانشگاه و کارشناس مسائل روسیه در گفتگویی به تشریح شرایط کنونی اوکراین پرداخت و گفت: در شرایط بحرانی و حاد کنونی اوکراین دو طرف می خواهند باهم مذاکره کنند و طبیعی است که در چارچوب خواسته های خود رفتار کنند اما مواردی در این میان وجود دارد که کار را کمی مشکل می کند. یکی این که مذاکراتی از این دست معمولاً بین دو کشور انجام می گیرد.

به اعتقاد این استاد دانشگاه تا زمانی که تفکر سطح و چارچوب مذاکرات مشخص نشود مذاکرات راه به جایی نمی برد. مگر این که هم دولت مرکزی اوکراین و هم جدایی طلبان به این فکر باشند که مناطق شرقی در چارچوب یک کشور مستقل و مرزهای از پیش تعیین شده برای دریافت حقوق شهروندی بیشتر و یا ایجاد یک حکومت فدرالی به امتیازاتی دست پیدا کنند.

امیراحمدیان با طبیعی دانستن مخالفت دولت اوکراین با این مسئله یادآور شد: در موارد مشابهی که بخش هایی از یک کشور با دولت مرکزی مشکل داشته، طرفین با

کوزوو را مثال می زند و می گوید در داخل حاکمیت یک کشور، بخشی دارای استقلال شده و اروپا و ناتو آن را به رسمیت شناخته اند. هر چند هنوز کوزوو در سازمان ملل به رسمیت شناخته نشده اما این بدعت بدی بود که متعاقب آن مدل های مشابه در قفقاز و اوکراین مشاهده می شود. وی تصریح کرد: بخشی از مشکلات پیش روی جهانی به خاطر ساختار سازمان ملل و شورای امنیت و داشتن حق وتو توسط قدرتهای جهانی است که نیازهای دنیای کنونی را جوابگو نیست.

گفتگو با نماینده پارلمان ترکیه؛

اختلافات رئیس جمهوری ونخست وزیر ترکیه صورتی و ترفند سیاسی است



کرده است.

در همین راستا گفتگویی با «عثمان فاروق لوغ اوغلو» نماینده حزب مخالف جمهوری خلق در پارلمان ترکیه داشته ایم که وی بر خلاف نظرات برخی رسانه ها و تحلیلگران اختلافات فعلی بین اردوغان و داود اوغلو بر سر استعفای هاکان فیدان را یک بازی سیاسی هماهنگ دانست که اهداف خاصی را دنبال می کند.

لوغ اوغلو در این خصوص گفت: گفتگوهای اخیر بین رئیس جمهور اردوغان و نخست وزیر داود اوغلو درباره استعفای هاکان فیدان رئیس سرویس های اطلاعاتی ترکیه بر خلاف ظاهر آن نوعی ترفند سیاسی برای دست یافتن به اهدافی خاص است.

وی در ادامه سه هدف را برای این ترفند سیاسی معرفی کرده و گفت: اولین هدف برکناری هاکان فیدان از پست کنونی اش می باشد که دلایل آن هنوز مشخص نیست. اما نخست وزیر و رئیس جمهور درباره آن به توافق رسیده اند و بی ضررترین راه این کار علم کردن وی برای انتخابات پارلمانی است زیرا با این روش وی از مصونیت محاکمه برخوردار خواهد بود و پرستیژ اجتماعی وی هم

حفظ خواهد شد. لوغ اوغلو در ادامه با اشاره تلویحی به برخی گزارش ها مبنی بر دخالت های برخی کشورهای غربی در امور اجرایی و دولت این کشور گفت: تا نیا با این کار برای اردوغان فرصتی ایجاد خواهد شد تا خود را به عنوان یک رئیس جمهور خوب معرفی کند و وانمود کند که در کارهای دولت و نخست وزیر دخالت نمی کند.

همچنین این نماینده پارلمان ترکیه با اشاره ضمنی به برخی ادعاها که داود اوغلو را نخست وزیر ضعیف و تحت سیطره اردوغان می دانند گفت: ثالثاً این ترفند سیاسی فرصتی برای احمد داود اوغلو ایجاد خواهد کرد تا خود را نخست وزیر قوی و قدرتمند نشان دهد.

وی تمامی این کارها را در راستای تلاش برای ارتقاء جایگاه داود اوغلو و برکنار کردن هاکان فیدان از پست کنونی اش که مورد انتقادهای فراوان است دانست و گفت: اردوغان هنوز رئیس و رهبر حزب حاکم عدالت و توسعه است و داود اوغلو فقط رئیس اسمی این حزب است و به عنوان نخست وزیر قدرت محدودی دارد.

برگشت اردوغان واکنشی به آنچه که از سوی مخالفان وی در حزب حاکم می گذرد است و وی از این مسئله احساس ناراحتی می کند. استعفای هاکان فیدان رئیس سازمان اطلاعات ترکیه با وجود مخالفت رجب طیب اردوغان که از نزدیکان وی بوده است و حمایت احمد داود اوغلو نخست وزیر این کشور از استعفای فیدان از سوی برخی تحلیلگران از نشانه های بروز اختلاف در بین این دو هم حزبی دانسته شده است.

هاکان فیدان که از نزدیکان اردوغان در سال های گذشته بوده و بارها از سوی وی به عنوان «راژدار» معرفی شده است برای شرکت در انتخابات پارلمانی از سمت خود کناره گیری

«عثمان فاروق لوغ اوغلو» نماینده حزب جمهوری خلق در پارلمان ترکیه اختلافات اخیر بین رئیس جمهور و نخست وزیر ترکیه بر سر استعفای رئیس سرویس اطلاعاتی این کشور را ترفندی سیاسی با اهداف خاص دانست. در روزهای گذشته برخی رسانه های ترکیه با اشاره به استعفای «هاکان فیدان» رئیس سازمان اطلاعات ترکیه با وجود ناراضی رئیس جمهور این کشور، استعفای وی را نشانه آغاز انزوای «رجب طیب اردوغان» می خوانند.

برخی از این رسانه ها برگشت سریع و زودتر از موعد رجب طیب اردوغان از مکزیک را در راستای نگرانی های وی در خصوص اختلاف و شکاف در درون حزب حاکم عدالت و توسعه دانسته و نوشتند

در گفتگو با تحلیلگر ترک مطرح شد؛

بررسی پیامدهای انتخابات اخیر یونان / تشدید اختلافات ترکیه و اروپا



یک تحلیلگر ترک با اظهار نظر درباره انتخابات اخیر یونان و تأثیر آن بر روابط این کشور با اتحادیه اروپا و ترکیه از تشدید اختلافات میان آنکارا و بروکسل خبر داد.

پروفسور جلال الدین یاووز (Pro. Celalettin Yavuz) استاد دانشگاه بیلکنت آنکارا با درجه استادی است و همچنین سرهنگ بازنشسته نیروی دریایی ارتش ترکیه است. وی سوابقی همچون فرماندهی ناوگان دریایی ترکیه در دریای مدیترانه در دهه ۹۰ میلادی، مستشار نظامی ترکیه در آلمان و همچنین مسئول میزبانی یونان در ستاد کل نیروهای مسلح ترکیه از ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ را عهده دار بوده است. پروفسور یاووز کتاب‌های زیادی را در مورد جغرافیای سیاسی و رژیم حقوقی منطقه بالکان و دریای اژه تألیف کرده است.

یونان که به عنوان یکی از کهن‌ترین تمدن‌های دنیا شناخته می‌شود در سالهای اخیر درگیر بحران اقتصادی بزرگی بوده است. بدهی یونان به اتحادیه اروپا بیش از ۳۰۰ میلیارد یورو تخمین زده می‌شود، مبلغی که پرداخت آن برای یونان که دارای تولید ناخالص داخلی تقریباً ۴۰۰ میلیارد دلاری است در کوتاه مدت بسیار مشکل به نظر می‌رسد.

از سوی دیگر در انتخابات عمومی که در ۲۵ ژانویه گذشته در یونان برگزار شد، حزب سیریزا که از ائتلاف چندین حزب کوچک دیگر پدید آمده است روی کار آمد. آلکسیس جیپراس و وزیر امور اقتصاد وی در سفری که به ایتالیا، بروکسل و آلمان داشتند، سعی کردند تا نظر مساعد اتحادیه اروپا را برای بخشیدن مقداری از بدهی‌های یونان و بازپرداخت باقیمانده این بدهی‌ها در اقساط بلندمدت را به دست آورند، چیزی که به نظر می‌رسد چندان هم موفق نبوده‌اند. چنانکه وزیر اقتصاد یونان، واروفاکیس پس از این سفر کاری ناامیدکننده در سخنرانی تهدیدگونه‌ای اشاره به اینکه خود آلمان هم در طی دو جنگ جهانی ورشکسته شده است و باید بهتر از هر کشور دیگری شرایط کنونی یونان را درک کند گفت: «اگر یک کشور با عزت و احترام مثل یونان را بیش از حد تحقیر کنید ممکن هست که مسائل حادثی پیش آید.»

از سوی دیگر ترکیه و یونان نیز دارای تاریخ پر تنش با یکدیگر بوده‌اند و این تنش جز در برخی مقاطع بسیار کوتاه پس از استقلال یونان از امپراطوری عثمانی در اوایل دهه ۳۰ قرن نوزدهم میلادی وجود داشته است. که از مهمترین آنها می‌توان به جنگ اول و دوم بالکان قبل از جنگ جهانی اول، اشغال بیشتر مناطق غربی ترکیه توسط یونان پس از جنگ جهانی اول و شروع جنگ استقلال، مسئله قبرس و مداخله نظامی ترکیه در ۱۹۷۴ میلادی و آخرین آن نیز بحران جزایر کارداک در ۱۹۹۶ میلادی بوده است.

در رابطه با انتخابات اخیر یونان و تأثیر آن بر روابط این کشور با اتحادیه اروپا و ترکیه، گفتگویی با پروفسور جلال الدین یاووز کارشناس مسائل ژئوپلیتیک و رژیم حقوقی دریای اژه و مدیترانه انجام شده است، که مشروح آن در زیر می‌آید:

|| پروفسور یاووز، روابط ترکیه و یونان در دهه‌های معاصر به چه شکل بوده است؟ لطفاً به اختصار در این مورد توضیح دهید؟

اکنون وقتی که به روابط ترکیه و یونان نگاه می‌کنیم، یعنی اگر از دهه هفتاد و حتی شصت میلادی شروع کنیم، پس از اینکه ماکاریوس سوم (Makarios III) طرح آکریتاس (The Akritas plan) را مطرح کرد و پس از کودتای سال ۱۹۷۴ سامپسون (Sampson) در قبرس و در پی این هم مداخله ترکیه به عنوان کشور گارانتور در مسئله قبرس و حتی قبل از این و فعالیت‌های یونان که از سال ۱۹۷۳ در دریای اژه برای اکتشاف نفت شروع شده بود و مسئله مالکیت جزایر دریای اژه که

در اواخر دهه ۹۰ میلادی بین ترکیه و یونان بسته اعتماد سازی در اژه مطرح و نوشته شد، در موفقیت نسبی این بسته مطرح شده که برای کاهش تنش در مرحله اول و سپس حل تدریجی حق مالکیت جزایر اژه بود، بعضی عوامل مؤثر بودند. اولین اینها این بود که هنوز در ترکیه اثرات حادثه ۲۸ فوریه (کودتای پست مدرن ارتش علیه دولت اسلام‌گرای اربکان در ۲۸ فوریه ۱۹۹۷) وجود داشت. از سوی دیگر نشست سران اتحادیه اروپا که در ماه دسامبر سال ۱۹۹۹ در هلستینکی برگزار شد و در این نشست برای اولین بار از سوی اتحادیه اروپا به عضویت ترکیه چراغ سبز نشان داده شد، اما در اینجا شرایط و تعهداتی برای ترکیه در نظر گرفته شده بود. از مهمترین این تعهدات این بود که ترکیه باید مشکلات خود با همسایگانش را به شکل کامل حل و فصل می‌کرد. و مهمترین این همسایه‌ها مشکلات با یونان در دریای اژه بود. زمانی که برای حل و فصل این اختلافات در نظر گرفته شده بود سال ۲۰۰۴ میلادی بود و تا پایان این سال باید که ترکیه اختلافات دریایی، مالکیت جزایر و حدود هوایی خود با یونان را حل می‌کرد. اما مسئله جزایر و مشکلات مالکیت آنها که نمونه بارز آن بحران سیاسی و نظامی بود که در مورد جزایر کارداک (Kardak) و در سال ۱۹۹۶ به وجود آمد، نه تنها تا کنون حل نشده باقی مانده است حتی مذاکرات جدی نیز در این مورد صورت نگرفته است.

همانطور که می‌دانید پس از پایان جنگ سرد، مفهومی به نام اعتماد سازی (Confidence Building) در صحنه روابط بین‌الملل به وجود آمد و ترکیه و یونان هم با پیروی از این اصل سعی کردند که در دریای اژه به فرمولی برای همزیستی مسالمت آمیز دست پیدا کنند و بنده نیز در آن موقع متناسب با شغل در هیئت ترکیه‌ای حضور داشتم و پس از آنکه طرح نسبتاً جامعی را آماده کردیم آن را به وزارت خارجه فرستادیم اما با این حال تا پایان سال ۲۰۰۴ یعنی فرصتی که از سوی اتحادیه اروپا تعیین شده بود پیشرفت جدی را در مذاکرات شاهد نبودیم و مسائل جدی همانطور پابرجا باقی ماند، اما با این حال تنش و بحران خاصی نیز از آن موقع

به وجود نیامده است. یکی از دلایلی که آن موقع و تا پایان ۲۰۰۴ مانع حل مشکلات مرزی و دریایی دو کشور بود، روی کار بودن حزب ملی‌گرای پاسوک (Panhellenic Socialist Movement) در یونان بود. یعنی آن موقع وزیر امور خارجه یونان پاگالوس (Teodoros Pangalos) بود، که مواضع ضد ترکیه شدیدی داشت و همانطور که شما هم می‌دانید در آن زمان بود که رهبر گروه تروریستی پ ک ک به یونان پناهنده شد و با همکاری یونان به کنیا و سفارت یونان در آنجا رفت و ماجراهایی که در مورد دستگیری وی بود و غیره. اما با این حال و پس از آنکه بسته جامع کاهش بحران از سوی ترکیه به یونان ارائه شد اگر چه امروز با گذشت تقریباً ۱۵ سال تقریباً این مسئله بدون حل و فصل باقی مانده است، اما با این حال از سال ۲۰۰۰ میلادی که این بسته توسط هیئتی که بنده ریاست آن را در ارتش بر عهده داشتم ارائه شده بحران خاصی را در اژه شاهد نبوده‌ایم، اما برخلاف آن بحران و تنش در سالهای اخیر از اژه به مدیترانه شرقی انتقال یافته یعنی جایی که قبرس قرار دارد و منابع عظیم گاز طبیعی که در ماه‌های اخیر نیز شاهد آن هستیم.

|| اما در هفته گذشته شاهد روی کار آمدن حزب سیریزا (SYRIZA) در یونان بودیم آیا این مسئله بر روابط ترکیه و یونان تأثیر خواهد داشت؟ و باعث نزدیکی ترکیه و یونان خواهد شد؟

بله همانطور که گفتیم دو کشور ترکیه و یونان از سال ۲۰۰۰ با بسته پیشنهادی که ارائه شد دارای روابط نسبتاً سانی بوده‌اند و در حقیقت با بلوک کردن اختلافات مرزی و دریایی در سایر زمینه‌ها مانند اقتصاد به همکاری‌های خود تا حد زیادی نیز افزوده‌اند. اما این تا قبل از روی کار آمدن حرکت سیریزا بوده است. یعنی به نظر بنده حزب سیریزا (Coalition of the Radical Left) به رهبری آلکسیس چیپراس (Alexis Tsipras) و همچنین شریک این حرکت در حکومت تشکیل شده جدید یعنی حزب آتل (ANEL) که یک حزب راست افراطی است به رهبری پانوس کاممنوس (Panos Kammenos)

و طبیعتاً جهت گیری اینها را که خیلی به حزب شفق تلاایی نزدیک است، می دانیم و به نظر بنده دولت جدید مسامحه را در پیش نخواهد گرفت و حتی این را به وضوح ما در روزهای گذشته شاهد بودیم. وقتی که حزب سرریزا به عنوان حزب پیروز انتخابات معرفی شد، در خود ترکیه هم اگر اخبار بسیاری از روزنامه ها و یا کانال های خبری را دنبال می کردید شاهد چنین تحلیلهایی یعنی اینکه با روی کار آمدن سرریزا در یونان روابط دو کشور بهتر خواهد شد بودیم که این مسئله برای بنده تعجب آور بود.

وقتی که در یونان دولتی بر سر کار می آید اولین سفر خارجی نخست وزیر به قبرس است و بنده شخصاً منتظر اظهارات ضد ترکیه دولت جدید یونان در این سفر بودم که در این مورد دچار اشتباه شده بودم و زودتر از سفر قبرس این اتفاق افتاد و ما فردای روی کار آمدن دولت جدید در یونان شاهد سفر وزیر دفاع و رهبر حزب آنل یعنی کامنوس به جزایر مورد اختلاف دو کشور و قرار دادن گل به مناسبت نوزدهمین

اگر یونان بخواد به روسیه نزدیک شود آن موقع چطور می خواهد که بدهی ۳۰۰ میلیارد یورویی خود به اروپا را پرداخت کند؟

سالگرد بحران کارداک بودیم که حتی این کار قرار بوده تا با هلیکوپتر انجام شود که با مخالفت ترکیه با کشتی صورت گرفت. و باعث افزایش تنش میان دو کشور شد. و در آخر باید گفت اگر در طی حکومت سرریزا روابط ترکیه و یونان بدتر نشود، بهتر هم نخواهد شد. چون اختلافات جدا از احزاب و عمیق تر از آن است.

به نظر شما پس از این ارتباط میان یونان و اتحادیه اروپا چگونه خواهد بود؟

بله اکنون می توانیم که در مورد روابط یونان با اتحادیه اروپا در آینده صحبت کنیم، یعنی میزان بدهی یونان به اتحادیه اروپا بیش از ۳۰۰ میلیارد یورو است و این رقم بسیار بزرگی برای یونان است و تا آنجایی که من می دانم چیزی در حدود ۷۵٪ کل تولید ناخالص داخلی این کشور را شامل می شود و البته این رقم برای اتحادیه اروپا رقم خیلی بزرگی نیست و چیزی حدود ۱٪ از کل تولید ناخالص اروپا را شامل می شود. اما مسئله این است که اتحادیه اروپا چرا باید این مقدار را ببخشد؟ من الان می خواهم که اشاره ای به انتخابات ۲۰۰۹ داشته باشم، در همان تاریخ و در ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۹ و با فاصله یک هفته ای با یونان، در آلمان هم انتخابات برگزار شد. در انتخابات ۲۰۰۹ یونان حزب دموکراسی نو به رهبری کارامانیلیس شکست خورد و هنگامی که پاندرتو پسر

سمت نخست وزیری و حکومت جدید را با خوشحالی از کارامانیلیس تحویل می گرفت اصلاً نمی دانست که با چه فلاکت و بحران اقتصادی روبرو خواهد شد. دلیل این هم آن بود که یونان و مخصوصاً در این سالهای اخیر همیشه به دستکاری بازارهای مالی روی آورده بود و این بحران اقتصادی که در یونان وجود دارد حاصل چندین دهه دستکاری در بازارهای مالی و بیشتر نشان دادن ارزش آنها از سوی سیستم و دستگاه های اقتصادی یونان است و مختص چند سال گذشته نیست. فکر می کنم که همه آلمان ها را نسبتاً می شناسیم و چقدر جامعه منظم و قانونمندی است را می دانیم.

در آن دوره وقتی که تازه این مسائل آشکار شده بود و با این تقلبی که سیستم مالی یونان انجام داده بود اما با این حال آلمان قبول کرد که ۶۵ میلیارد یورو از بدهی های یونان را بر عهده بگیرد ولی بنده به خوبی به یاد دارم که در آن زمان رسانه های آلمانی با این کار به شدت مخالفت کردند و در آخر هم شرطی قرار دادند که یونان هم برخی جزایر خود را برای تسویه برخی بدهی های خود بفرشد. اما حزب سرریزا که بر روی کار آمده اعلام کرد که اینکار را انجام نخواهد داد! الان یونان از اتحادیه اروپا چیزهایی مثل لغو مقداری از بدهی های خود و شرایط بازپرداخت طولانی برای بخش باقی مانده را دارد. اگر چه این مطالبات برای اتحادیه اروپا خواست های بسیار بزرگی نیست ولی اروپا و مخصوصاً آلمان هم در مقابل از یونان برخی چیزها را طلب می کند. یعنی اگر الان اتحادیه اروپا هر چیزی را که یونان می خواهد انجام بدهد، خوب بعد از آن دیگر کشورها نیز خواستار استفاده از این مزیت ها و امتیازات خواهند بود. در آینده نزدیک در اسپانیا هم انتخابات انجام خواهد شد، خوب اگر در اسپانیا هم حزبی مثل سرریزا بر سر کار بیاید آن موقع چه وضعیتی به وجود خواهد آمد؟ در حالی که اسپانیا هم مثل یونان نیست و دارای اقتصاد به مراتب بسیار بزرگتری است. و پس از آن نوبت به ایتالیا، پرتغال و ایرلند خواهد رسید. الان اتحادیه اروپا به شدت نگران این مسائل است. و مسئله دیگر هم این هست که اصلاً مردم یونان حزب سرریزا را به تنهایی که بر سر کار نیاورده اند و فقط در حدود یک سوم یعنی ۳۶٪ رای دهندگان به این حزب رای داده اند و این در حالی است که میزان شرکت در انتخابات نیز فقط ۶۳٪ درصد بوده است. یعنی مردم یونان هیچ موقع نگفته اند که بله ما تماماً با اتحادیه اروپا مخالف هستیم اما بایستی که در انتخابات دلا اند می گویند که منتظر یک راه حل هستیم.

بروفسور یاووز نگاه ترکیه به این مسئله چگونه است؟

بله اگر از دید ترکیه به این موضوع نگاه کنیم الان و در شرایط کنونی ترکیه با اتحادیه اروپا دارای مشکل و اختلاف هست. و خوب همانطور که می دانید یونان و مهم تر از آن قبرس جنوبی

مهمترین مخالفان ترکیه در اتحادیه اروپا هستند و بسیاری از درخواست ها را وتو کرده اند. الان اختلاف میان ترکیه و اتحادیه اروپا به بالاترین حد خود رسیده است و مهمترین دلیل آن نیز مربوط به پسرفت مسائل مربوط به حقوق بشر، آزادی بیان و اینکه رئیس جمهور به سوگندی که مبنی بر بی طرف بودن در پست ریاست جمهوری خورده بود پشت کرده و مانند یک نخست وزیر عمل می کند و در این اواخر به خوبی نمایان شده است. و این موضوعات هم باعث زبریا گذاشته شدن بسیاری از استاندارهای اتحادیه اروپا شده است.

به خاطر این مسائل هم، اتحادیه اروپا و پارلمان اروپا آن دیدگاه مثبتی را که ۳-۴ سال پیش در مورد ترکیه داشتند، دیگر ندارند. و طبیعتاً در این شرایط یونان هم خیلی مشتاق است تا از این دوری و اختلاف استفاده کند. یعنی سرریزا به عنوان یک جریان سیاسی چپ افراطی و برای جلب آرا مایل به ایجاد تنش است و این تنش در مرحله اول با اروپا است که شروع شده است و در صورتی که اروپا کوتاه نیاید و بدهی های خود را طلب کند در آن صورت برای جلب آرای عمومی و مخصوصاً با نزدیک شدن به انتخابات آتی در یونان که یک انتخابات زودهنگام که آن هم در صورتی که اتحادیه اروپا خواستهای حزب سرریزا را قبول نکند خیلی هم دور از انتظار نیست، در مرحله دوم با ترکیه خواهد بود. و ایجاد تنش هم با ترکیه برای حکومت فعلی یونان اولاً به دلیل مسائل و اختلافات عمیق تاریخی و مرزی که بین دو کشور هست و مهمتر از آن به دلیل اینکه شریک حزب سرریزا در حکومت یعنی حزب آنل یک حزب راست افراطی است خیلی هم چیز مشکلی نخواهد بود.

به نظر می رسد که یونان با نزدیکی به روسیه می خواهد که به این وسیله از اتحادیه اروپا امتیاز بگیرد، آیا این درست است؟

خیر، یعنی بنده احتمال همچین چیزی را اصلاً محتمل نمی دانم. زیرا اگر یونان بخواهد به روسیه نزدیک شود آن موقع چطور می خواهد که بدهی ۳۰۰ میلیارد یورویی خود به اروپا را پرداخت کند؟ از این گذشته خود روسیه اکنون دارای مشکلات خیلی زیادی است و تحریم هایی که از سوی آمریکا و اروپا علیه روسیه اجرا شده است، همگان می دانند و تأثیری که این تحریم ها بر اقتصاد روسیه داشته است را نیز می دانیم. در این شرایط روسیه نه تنها نمی تواند برای یونان مفید باشد بلکه حتی یونان با کاهش درآمدهای گردشگری خود از سوی روسیه مواجه است همانطور که ترکیه نیز از این موضوع نگران است. یعنی جدایی یونان از اتحادیه اروپا به اروپا ضربه می زند مخصوصاً از لحاظ اعتبار و غیره اما چندین برابر این ضربه را یونان شاهد خواهد بود یعنی اگر یونان تصمیم بگیرد که به دراحتمالی بازگردد اقتصاد یونان در این وضعیت توان تحمل آن را نخواهد داشت.

یعنی به نظر من حزب سرریزا و حکومت حاکم سیاست کج دار و مریض خود با اتحادیه اروپا را ادامه خواهد داد، اما از اتحادیه اروپا جدا نخواهد شد. یعنی احتمال جدایی یونان از اتحادیه اروپا و پیوستن آن به اتحادیه اورآسیایی در حد صفر است، اصلاً رای دهندگان یونانی همچنین اجازه ای را به حزب سرریزا ندادند.

به نظر شما سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه مخصوصاً در قبال همسایگانی مثل یونان چگونه بوده است؟

در مورد یونان اینکه در ترکیه کدام حزب بر روی کار باشد یعنی سوسیالیست، ملی گرا و یا مثل عدالت و توسعه محافظه کار باشد این خیلی بر روی معادلات و روابط دو کشور تأثیر گذار نیست و اگر بین یونان و یونان اختلافاتی وجود دارد، اینها نسبتاً عمیق و تاریخی است و باید گذر زمان آن را حل کند و یک مسئله دو طرفه است. یکی از شرایطی که اتحادیه اروپا برای عضویت از ترکیه خواسته است حل مشکلات خود با همسایگان است، و بنده بعضاً می بینم که بعضی ها معتقد هستند که حزب عدالت و توسعه در کم کردن تنش با همسایگان موفق بوده است، بنده در جواب می خواهم بگویم که اصلاً اینطور نبوده، مثلاً در مورد همین یونان اگر از ۱۵ سال گذشته تنش خاصی بین دو کشور وجود نداشته است این حاصل کار بسته اعتمادسازی بود که همان طوری که رقتم قبل از سال ۲۰۰۲ و روی کار آمدن عدالت و توسعه مطرح شده بود.

در مورد روسیه و بلغارستان نیز که اصلاً ربطی به حزب عدالت و توسعه ندارد و روابط ترکیه با این کشورها بعد از فروپاشی شوروی رو به بهبود بود. اما در مورد ایران، روابط ایران و ترکیه پس از سفر نجم الدین اربکان در سال ۱۹۹۶ به ایران رو به بهبود بود و گروه دی ۸ و غیره را که همه می دانیم و خط لوله گاز که ربطی به حزب عدالت و توسعه ندارد، در مورد توسعه روابط بین ایران و ترکیه، جنگ عراق نیز تأثیر داشت به خاطر مواضع مشترکی که دو کشور در خصوص شمال عراق داشتند و غیره.

اگر بخواهیم در مورد روابط با سوریه سخن بگوییم که باز هم، همه می دانیم که با چراغ سبز رئیس جمهور وقت سوریه بود که رهبر گروه تروریستی پ ک ک یعنی عبدالله اوچالان از سوریه اخراج شد و ماجراهایی که بعد از آن به وجود آمد و پس از آن بود که موافقت نامه آدانا میان ترکیه و سوریه امضا شد و با روی کار آمدن بشار اسد و با سیاست تنش زدایی که وی در پیش گرفته بود روابط باز هم بهتر شد و در این مورد هم حزب عدالت و توسعه هیچگونه تأثیر مثبت قابل ذکری نداشت. اما وقتی که در ماه فوریه ۲۰۱۱ حوادث در سوریه شروع شد بله آنموقع بود که ما چهره واقعی حزب عدالت و توسعه را در مورد همسایه خود سوریه دیدیم. آیا کسی می تواند ادعا کند که حزب عدالت و توسعه در رفع تنش با همسایگان موفق بوده است؟

بی بی سی گزارش داد: زندگینامه وزیر دفاع جدید آمریکا و چالش های پیش روی وی



رئیس جمهوری که شما را نامزد کرده، قدرت رهبری هم در اختیاران بگذارد.

چالش های پیش رو

در روزهایی که به نظر می رسد مقابله با بنیادگرایی و نبرد با داعش به اصلی ترین دغدغه وزارت دفاع آمریکا تبدیل شده است سابقه اشتون کارتر نشان می دهد که او اشراف کاملی به مسایل خاورمیانه ندارد. با این حال، کارتر اخیرا گفته است جزئیات نبرد با گروه داعش در عراق و سوریه را زیر نظر دارد و می داند که ممکن است حوزه فعالیت شبه نظامیان داعش به افغانستان کشیده شود.

در زمینه عراق، کارتر گفته است که از مسلح کردن عشایر سنی و پیوستن آنها به ارتش ملی عراق برای مقابله با داعش حمایت می کند. وزیر دفاع آمریکا همچنین خواستار گسترش همکاری با پاکستان در زمینه مبارزه با تروریسم شده و گفته واشنگتن باید تلاش بیشتری انجام دهد تا افغانستان و پاکستان در این زمینه با یکدیگر همکاری کنند.

در شرایطی که چشم انداز عملکرد اشتون در مبارزه با بنیادگرایی چندان روشن نیست کارشناسان می گویند حوزه ای که او می تواند نقش مهمی در دولت اوباما ایفا کند مسایل مرتبط با پرونده اتمی ایران است. دولت اوباما تا آخر ماه ژوئن فرصت دارد تا در قالب مذاکرات اتمی با ایران به توافقی جامع با تهران دست یابد. اگر توافق اتمی بین ایران و گروه کشورهای موسوم به ۱+۵ در مهلت مقرر حاصل نشود برخی کارشناسان می گویند سابقه کارتر نشان می دهد که او موضعی تند در این باره خواهد گرفت.

کارتر ضمن پشتیبانی از مذاکرات دیپلماتیک با ایران با هدف مهار برنامه هسته ای تهران، در سال ۲۰۰۸ یکی از اعضای گروه ویژه ایران و نویسندگان تحقیق استراتژیکی است که اهرم نظامی را یکی از اهرم های لازم در مقابله با بحران هسته ای ایران بر می شمرد.

او در سال ۱۹۹۴ یکی از افراد دولت کلینتون بود که از طرح حمله به تاسیسات اتمی کره شمالی برای بازداشتن این کشور از دستیابی به سلاح هسته ای حمایت می کرد.

چند سال بعد، کارتر در گفتگو با شبکه بی بی سی گفت حمله به کره شمالی می توانست با جنگی «وحشتناک» همراه شود اما ارزش این را داشت که از فاجعه اتمی شدن کره شمالی جلوگیری کند.

وزیر دفاع آمریکا در همان مصاحبه، دستیابی کره شمالی به سلاح اتمی را شکستی بزرگ برای امنیت آمریکا توصیف کرد.

با این همه، همکاری در تدوین یک مطالعه استراتژیکی، کاری متفاوت از ترغیب رئیس جمهوری آمریکا به اقدام نظامی علیه یک کشور است. ویلیام پری وزیر دفاع آمریکا در دولت کلینتون با اشاره به تجربه وسیع کارتر از جمله در زمینه تاریخ قرون وسطی می گوید: او صرفا یک چهره آکادمیک نیست که تنها از مسایل تکنیکی آگاه باشد. او مردی برای تمام فصول است |

در شرایطی که چشم انداز عملکرد اشتون در مبارزه با بنیادگرایی چندان روشن نیست کارشناسان می گویند حوزه ای که او می تواند نقش مهمی در دولت اوباما ایفا کند مسایل مرتبط با پرونده اتمی ایران است |

برای مقابله با تهدیدهای اتمی در آن کشور باقی بماند.

در آن هنگام کاخ سفید اعلام کرد دولت وقت عراق با شرایط ادامه حضور نیروهای آمریکایی موافقت نکرده است. کارتر همچنین یکی از مخالفان کاهش بودجه نظامی آمریکا بوده که در سال های اخیر به دست باراک اوباما و کنگره صورت گرفته است.

جمهوریخواهانی که در اولین جلسه پرسش و پاسخ با اشتون کارتر در سنا با او صحبت می کردند دل در گرو اختلافات ظاهری کاخ سفید و کارتر دارند اما در عین حال نگرانند که اشتون کارتر نیز بعد از ورود به کابینه دولت، مانند پیشینیانش پشت به کنگره و رو به کاخ سفید داشته باشد.

سناتور جان مک کین، از حزب جمهوری خواه یکی از قانونگذاران آمریکایی بود که در برابر کارتر از بیم و امید های خود گفت: رابرت گیتس، و لئون پنتا، دو وزیر دفاع پیش از شما به شدت از دخالت های کاخ سفید در پنتاگون ناراضی بودند و منتقد جدی متمرکز شدن بیش از حد سیاست دفاعی کشور، چاک هیگل وزیر قبل از شما هم براساس گزارشهای زیاد از همین موضوع ناخرسند بود. من واقعا امیدوارم

جمله زرادخانه های هسته ای دارد. اشتون کارتر، پس از لیسانس فیزیک و فوق لیسانس در زمینه تاریخ قرون وسطی، در پایان دهه ۱۹۷۰ از دانشگاه آکسفورد دکترای فیزیک نظری گرفت.

او تا پیش از ورود به وزارت دفاع آمریکا در اوایل دهه ۱۹۹۰، چهره ای آکادمیک در دانشگاه هاروارد بود که به مطالعات فیزیک اتمی و چگونگی مهار تسلیحات هسته ای اشتغال داشت. در محافل سیاسی واشنگتن از اشتون کارتر به عنوان چهره ای زنده نام برده می شود که هم بر امور دفاعی و نظام اداری آمریکا واقف است و هم از دانش فنی تسلیحات کشتار جمعی آگاهی دارد.

برخلاف چاک هیگل که تا سال ۲۰۱۱ و هنگام در دست گرفتن وزارت دفاع آمریکا سناتور بود کارتر سال ها در این وزارتخانه در رده مدیریتی کار کرده و ساختار پنتاگون را می شناسد.

کارتر چهارمین وزیر دفاع کابینه باراک اوباما پس از رابرت گیتس، لئون پانه تا، و چاک هیگل است که بر خلاف پیشینیانش در حزب دموکرات عضویت دارد. لئون پانه تا پیشتر در کتاب خاطراتش، توانایی های کارتر را ستوده و او را «موتور محرکه» پنتاگون دانسته است.

با وجود آنکه اشتون کارتر هرگز یونیفرم نظامی نپوشیده، بنا به گزارش ها چهره ای پرطرفدار در میان نیروهای نظامی آمریکا در نقاط مختلف جهان محسوب می شود. گزارش شده که او نقش مهمی در تجهیز و ارتقای وضعیت ایمنی سربازان آمریکایی مستقر در افغانستان و عراق داشته است. همچنین برخی موضع گیری های اشتون به احتمال بروز اختلاف نظر او و رئیس جمهوری باراک اوباما دامن زده است.

پیش از آنکه اوباما نیروهای آمریکایی را در سال ۲۰۱۰ از عراق خارج کند کارتر یکی از مخالفان این طرح بوده که اعتقاد داشته باید هسته ای قوی از نیروهای آمریکایی

اشتون کارتر ۶۰ ساله که با تأیید سنا آمریکا چهارمین وزیر دفاع دولت باراک اوباما شده، با چندین چالش در ریاست پنتاگون مواجه است.

یک رسانه انگلیسی نوشت: ارزیابی ها نشان می دهد که اشتون کارتر با اشراف کاملی که به امور دفاعی و امنیتی آمریکا دارد می تواند از دامنه انتقادهای جمهوریخواهان علیه دولت اوباما بکاهد. بی بی سی در این رابطه می نویسد: وزیر دفاع تازه آمریکا، اشتون کارتر، پیشاپیش گفته است در طرح خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان که برای پایان ۲۰۱۶ برنامه ریزی شده، بازنگری خواهد کرد.

سابقه موضع گیری های کارتر در زمینه منع تکثیر سلاح اتمی نشان می دهد که او ممکن است موضعی سرسختانه در قبال پرونده هسته ای ایران اتخاذ کند.

کارتر ماه قبل از سوی باراک اوباما به عنوان وزیر دفاع جدید آمریکا معرفی شد و روز پنجشنبه با تأیید سنا آمریکا رسماً وزیر دفاع تازه کشور شد. کارتر، ۶۰ ساله، از اکتبر ۲۰۱۱ تا پایان سال ۲۰۱۳ شخص شماره دو پنتاگون و معاون وزیر دفاع پیشین چاک هیگل بود اما بعد در پی بروز اختلاف نظرهایی از این وزارتخانه فاصله گرفت.

با این حال او سابقه ای طولانی در پنتاگون دارد و در دولت های دموکرات دو دهه اخیر در آمریکا فعال بوده است. با آغاز به کار دولت نخست اوباما، کارتر به عنوان معاونت امور تکنولوژی و لجستیک پنتاگون منصوب شد. سابقه او در وزارت دفاع آمریکا البته به دوره اول ریاست جمهوری بیل کلینتون بر می گردد، هنگامی که در سال ۱۹۹۳ مسئولیت جمع آوری کلاهک های هسته ای از کشورهای تازه استقلال یافته از جمله اوکراین، قزاقستان و بلاروس به او واگذار شد.

وزیر دفاع جدید آمریکا به واسطه تحصیلات آکادمیکی که داشته، در کمی مستقیم از مسایل مرتبط با انرژی اتمی از



قاره آسیا در ماه گذشته شاهد تحولات مهمی بود. مخالفت آمریکا با از سرگیری مذاکرات شش جانبه کره شمالی، اعلام گزینه رئیس جمهوری کره جنوبی برای تصدی پست نخست وزیری، ممنوعیت فعالیت سیاسی «بینگلک شیناواترا» نخست وزیر سابق تایلند به مدت پنج سال از جمله تحولات مهم قاره آسیا در ماه بهمن بوده است.

تأکید سخنگوی وزارت خارجه چین بر لزوم اتخاذ موضع بی طرفانه آمریکا در دریای چین جنوبی، ادعای وزیر امور خارجه فیلیپین مبنی بر تلاش چین برای ساخت و ساز در جزایر مورد مناقشه در دریای چین جنوبی و سفر «وندی شرم» رئیس تیم مذاکره کننده هسته‌ای آمریکا به آسیای شرقی برای دیدار با مقامات چین، کره جنوبی و ژاپن سایر اخبار قاره کهن در بهمن ماه به شمار می روند.

اما خبر سازترین خبر قاره کهن در این ماه توسط داعش رقم خورد. داعش با انتشار ویدئویی از اعدام «هارونا یوکاوا» یکی از دو گروگان ژاپنی خبر داد. این اقدام داعش واکنشهای بین المللی گسترده‌ای را به دنبال داشت.

مذاکره مقامات نظامی ایالات متحده و چین درباره هماهنگی سیاست های نظامی در واشنگتن، تأکید استرالیا و انگلیس بر همکاری های امنیتی و سیاست خارجی، مخالفت نخست وزیر استرالیا با استعفا، ریاست دوره ای چین بر شورای امنیت سازمان ملل متحد سایر اخبار مهم ماه بهمن در قاره آسیا به شمار می رود.

ادعای واشنگتن پست در خصوص رایزنی‌های محرمانه واشنگتن-پیونگ یانگ برای از سرگیری مذاکرات هسته‌ای، تصمیم ژاپن برای امضای پیمان صلح با روسیه، دستگیری سرکرده داعش را در کوالالمپور مالزی و مخالفت چین با طرح آمریکا برای تسلیح اوکراین سایر خبرهای مهم قاره کهن در ماه بهمن هستند.

آسیا

دبیران: معصومه زارع
فاطمه درخشان

کاهش شدید حجم واردات و صادرات چین

یکی از دلایل این افت را رکود بازار مسکن در چین می‌دانند، هرچند بخش‌های دیگر اقتصاد توانسته‌اند تا حد زیادی تأثیر منفی بازار مسکن را خنثی کنند و به گفته فردریک نیومن، رئیس مرکز تحقیقات آسیایی بانک HSBC، این باعث اطمینان به اقتصاد چین می‌شود: رشد فعالیت در بخش خرده‌فروشی و تولیدات صنعتی در ماه دسامبر نسبت به سال گذشته بهتر بود و به چین شتاب لازم را برای ورود به سال بز (سال نوی چینی) می‌دهد. فردریک نیومن معتقد است که برای جلوگیری از عوارض بازار شکننده مسکن در سال ۲۰۱۵، بانک مرکزی چین شاید مجبور شود با تزریق نقدینگی یا کاهش نرخ سود بانکی وارد عمل شود: خوشبختانه چین ابزارهای لازم را برای تنظیم اقتصاد خود دارد و من انتظار دارم از این ابزارها نهایت استفاده را ببرند تا رشد اقتصادی امسال زیر هفت درصد نباشد. به نظر می‌رسد دولت چین همچنان سیاست تشویق اقتصادی را ادامه می‌دهد.

دو ماه پیش بانک مرکزی چین به نحوی غیرمنتظره و برای اولین بار در دو سال گذشته، نرخ بهره را تا ۲.۵ درصد پایین آورد تا اقتصاد را به حرکت در آورد

بر اساس گزارشها از چین واردات و صادرات این کشور سقوط شدیدی را نشان می‌دهند. این گزارشها حاکیست که حجم واردات این کشور در مقایسه با ژانویه سال گذشته میلادی کاهش حدود ۲۰ درصدی را نشان داده است. در همین چارچوب گزارشها حاکیست که واردات ذغال سنگ حدود ۴۰ درصد کاهش داشته است. صادرات نیز در مقایسه با گذشته کاهش داشته است. اما بر اساس همین آمارها در کل مازاد تجاری این کشور ۶۰ میلیارد دلار بوده است.

به گفته تحلیلگران آمارهای تجاری چین در ماههای اول سال نو میلادی همواره نوساناتی شدید داشته است چرا که بسیاری از بازرگانان این کشور در حال عقد قراردادهای تازه در پیش از آغاز سال نو چینی هستند.

آمارهای تازه در حالی منتشر شده‌اند که اواخر ماه گذشته میلادی اعلام شد که رخ رشد اقتصاد چین در سال گذشته ۷.۴ درصد بوده است که نسبت به سال پیش از آن ۳ دهم درصد کاهش داشته هر چند هنوز هم از پیش‌بینی کارشناسان بازار سهام یعنی ۷.۲ درصد بالاتر است.



فور چون تحلیل کرد:

دلایل همکاری آمریکا با برنامه‌های اقتصادی هند

اواما باید روابط تجاری و اقتصادی را اولویت بسیار مهمتر برنامه‌های خود قرار دهد به نوشته فورچون، واشنگتن در این بازه زمانی باید حمایت خود را از عضویت هند در سازمان همکاریهای اقتصادی آسیا-اقیانوسیه (APEC) اعلام کند و مسیر عضویت دهلی نو را در پیمان مشارکت ترانس پاسیفیک (TPP) هموار کند که این اقدام به صورت بالقوه باعث افزایش همکاریهای تجاری میان دو کشور می‌شود.

نارندرا مودی که مه گذشته به عنوان نخست‌وزیر هند انتخاب شد، وعده رشد سریع اقتصادی را به ۱.۲ میلیارد شهروند داد. در حقیقت رشد اقتصادی از کمتر از پنج درصد در سال ۲۰۱۳ آغاز شده است. از سوی دیگر با توجه به عزم مودی برای انجام اصلاحات اقتصادی، اواما باید روابط تجاری و اقتصادی را اولویت بسیار مهمتر برنامه‌های خود قرار دهد. ایالات متحده همچنین برخلاف گذشته در نهایت شریکی را در هند پیدا کرده است که قادر به متقاعد کردن حزبش و مخالفان با تصویب اصلاحاتی است که زمان زیادی برای تأیید آنها وقت صرف شده است اما هند از آن بهره‌مند می‌شود و راه را برای انجام معادلات تجاری با آمریکا هموار می‌کند.

اواما همچنین در بیانیه مشترک ایالات متحده و هند در روز یکشنبه گامی مهم را در راستای گسترش روابط تجاری دو کشور برداشت و آن استقبال از پیوستن هند به اپک بود. این بیانیه به یک دوره طولانی سکوت غیر قابل توضیح آمریکا در تجارت با هند که اقتصاد بزرگ آسیا محسوب می‌شود، پایان داد

یک پایگاه اینترنتی-تحلیلی در گزارشی به دلایل همکاری آمریکا با برنامه‌های اقتصادی هند پرداخت. پایگاه اینترنتی-تحلیلی فورچون در گزارشی تحت عنوان «چرا آمریکا باید برای برنامه‌های اقتصادی بزرگتر با هند همکاری کند؟» نوشت: آمریکا با حمایت از عضویت هند در سازمان همکاریهای اقتصادی آسیا-اقیانوسیه در پی گسترش تجارت خود با بزرگترین دموکراسی جهان است.

باراک اواما رئیس‌جمهوری آمریکا و نارندرا مودی نخست‌وزیر هند اخیراً در دهلی نو با یکدیگر دیدار داشته و فرصتی برای دو کشور فراهم شده تا با امضای توافق طولانی‌مدت امکان تقویت همکاریهای اقتصادی را میان شرکت‌های آمریکایی با شرکت‌های هندی برای چندین سال روابط تجاری فراهم کنند. مودی نیز ضمن استقبال از گسترش روابط تجاری واشنگتن و دهلی نو اقتصاد را لازمه موفقیت همکاریهای استراتژیک می‌داند.

این پایگاه اینترنتی-تحلیلی در ادامه نوشت از سخنان مودی اینطور برداشت می‌شود که واشنگتن نخست‌وزیری را پیدا کرده است که در پی ایجاد تغییر در روابط اقتصادی هند با آمریکا است و مقامات باید فرصت همکاری با رهبری را برای انجام اصلاحات اقتصادی و تجاری متمرکز غنیمت بشمارند.

اقتصاد هند در حال حاضر دو تریلیون دلار بوده و احتمال می‌رود که این کشور به سومین اقتصاد بزرگ جهان در سال ۲۰۲۵ تبدیل شود. با توجه به عزم مودی برای انجام اصلاحات اقتصادی،





باشد که از طریق آنها به چین این پیغام را بدهد که نمی تواند هر کاری که می خواهد بکند، یکی از راه های ارسال این پیام به پکن توسعه همکاری آمریکا با هند، ژاپن و استرالیا است.

به اعتقاد نویسنده اما در دراز مدت این رویکرد کافی و کارآمد نخواهد بود و آمریکا باید سعی کند تمامی شکاف های نظامی خود که ممکن است چین از آن استفاده کند را ببندد هر چند در حال حاضر نیازی نیست که آمریکا توان نظامی خود را افزایش دهد زیرا به نظر می رسد که چینی ها هیچ منافعی در درگیری نظامی با آمریکا ندارند.

نویسنده معتقد است آمریکا باید این موضوع را نشان دهد که می تواند در منطقه حضور نظامی قدرتمند داشته باشد و به تعهدات امنیتی خود در برابر کشورهای دیگر منطقه و متحدانش عمل کند. زیرا این سطح از حضور نظامی برای اهداف آمریکا امری استراتژیک است |

چاینا دیلی از سفر شی جینپینگ به واشنگتن با هدف گفتگو با باراک اوباما رئیس جمهوری آمریکا درباره ایجاد الگوی جدید در روابط دو کشور در اواخر سال جاری همزمان با افزایش تنش ها میان دو کشور خبر داد. این اولین سفر رئیس جمهوری چین به کاخ سفید از زمان تصدی پست ریاست جمهوری در مارس ۲۰۱۳ تاکنون است و پیش بینی می شود در این سفر درباره مدل جدید در روابط واشنگتن-پکن که از سوی رئیس جمهوری چین در سال ۲۰۱۲ مطرح شده است، گفتگو شود.

در همین رابطه سفیر چین در آمریکا با اشاره به رایزنی مقامات آمریکا و چین برای فراهم کردن مقدمات این سفر در عین حال گفت که هنوز زمان دقیقی این سفر مشخص نشده است.

رئیس جمهوری چین اعلام کرده است که چنین روابطی باید بر پایه فهم مشترک، اعتماد و محترم شمردن حقوق یکدیگر، همکاریهای دوجانبه و همچنین همکاریها در زمینه موضوعات جهانی باشد |



ایجاد الگوی جدید در روابط؛ محور مذاکرات «شی جینپینگ» در واشنگتن

نشال اینترست مطرح کرد؛

مهار چین سخت تر از شوروی / حضور نظامی آمریکا در منطقه راه کنترل پکن

چین امروز در مقایسه با مدیریت بحران با اتحاد جماهیر شوروی بسیار سخت تر است، زیرا که یکی از دلایل آن این است که رقابت آمریکا و شوروی دارای نوعی رابطه متقارن بود و در بسیاری از عرصه ها توان نظامی و قدرت سخت دو طرف آینه همدیگر بود. علاوه بر این در آن زمان کشورها در دو بلوک و کمپ جدا از هم قرار داشتند. در ادامه آمده است: روابط چین و آمریکا دو قطب مخالف هم است بطوریکه اقتصاد آنها و حوزه های عمومی آنها همپوشانی های زیادی دارند. به همین دلیل اقدام دو طرف علیه همدیگر موجب خواهد شد تا مدیریت چین وضعیتی در حالیکه روابط فعلی دو کشور هم لزران است بسیار سخت و تقریباً غیر قابل کنترل باشد.

در ادامه مطلب با اشاره به مناسب نبودن استراتژی بازدارندگی و طرح B آمده است در نهایت آمریکا در زمان ریگان با طراحی استراتژی «بالا بردن هزینه» سعی کرد تا هزینه های شوروی را بالا ببرد و نهایتاً این کشور را از دور خارج کند و نهایتاً با این طرح موفق شد تا شوروی را از هم فروپاشاند.

نویسنده معتقد است آمریکا برای خودداری از مقابله نظامی با چین نیاز به تغییر بازی دارد زیرا که چینی ها آرزو دارند روزی را شاهد باشند که آمریکا دیگر در آسیا و اقیانوسیه یک قدرت نباشد.

در ادامه مطلب توصیه شده است آمریکا باید در کوتاه مدت برای مقابله با این آرزوی چین دارای طرح های منطقه ای

مجله آمریکایی نشنال اینترست با اشاره به دشواری مهار چین در مقایسه با اتحاد جماهیر شوروی سابق حفظ توان نظامی قدرتمند آمریکا در آسیا را با هدف ارسال پیام به چین برای اهداف آمریکا استراتژیک خواند.

نشال اینترست در مطلبی تحت عنوان «جلوگیری از جنگ هسته ای چین و آمریکا» با مشکلات آمریکا در دوران جنگ سرد برای مهار اتحاد جماهیر شوروی می نویسد تلاش برای مهار چین به مراتب سخت تر از اتحاد جماهیر شوروی است.

این مجله می نویسد روزگاری سیاست آمریکا برای مهار خطر اتحاد جماهیر شوروی سابق، افزایش توان خود با هدف بازدارندگی بود و همچنین طرح B را هم فراهم کرده بود که در صورت ناکارآمد بودن سیاست بازدارندگی آن را اجرا کند.

بر اساس طرح B اگر چنانچه پیمان آتلانتیک شمالی و ورشو شروع به اقدام علیه همدیگر می کردند آمریکا و متحدانش برنامه اشان این بود که درگیری ها را مدیریت کنند که این طرح در حرف شدنی و منطقی به نظر می رسید. اما پنتاگون طی رزمایشی سری موسوم به Poud Prophet مبادرت به آزمایش این طرح کرد که نتیجه هولناکی داشت و مشخص شد درگیری محدود نظامی مسکو و واشنگتن می تواند منجر به یک جنگ تمام عیار هسته ای شود که نتیجه اش نابودی بشریت خواهد بود.

نویسنده در ادامه با مقایسه چین مدرن هسته ای با اتحاد جماهیر شوروی سابق می نویسد: مدیریت تشدید بحران با



آسوشیتد پرس گزارش داد: روبارویی یا همکاری بزرگترین اقتصادهای جهان

یک رسانه غربی در گزارشی به همکاری بزرگترین اقتصادهای جهان با یکدیگر با وجود اختلافات در زمینه های مختلف پرداخت.

آسوشیتد پرس در گزارشی با اشاره به اولین سفر رسمی «شی جینپینگ» رئیس جمهوری چین به آمریکا در ماه سپتامبر نوشت این سفر حکایت از حرکت مثبت پکن همزمان با افزایش تنش ها میان بزرگترین اقتصادهای جهان است. به نوشته آسوشیتد پرس، اوپاما در ماه نوامبر در سفر به چین در نشست سالانه سازمان همکاریهای اقتصادی آسیا-اقیانوسیه

موسوم به ایک شرکت کرد و در حاشیه آن، نشست هایی را با رئیس جمهوری چین نیز داشت. روسای جمهور آمریکا و چین همچنین در نشست غیر رسمی در ژوئن ۲۰۱۳ در کالیفرنیا به تعریف روابط واشنگتن و پکن بر اساس برابری و احترام متقابل پرداختند. این رسانه غربی در ادامه می نویسد آمریکا و چین درباره طیف گسترده ای از مسائل از جمله کاهش صدور گازهای گلخانه ای همکاری کرده اند، این درحالیست که دو کشور در زمینه شماری از مباحث از جمله حملات سایبری و اقدامات

چین در دریای چین شرقی با یکدیگر درگیر هستند. کاخ سفید نیز اعلام کرده است که اوپاما و شی جینپینگ گفتگوی تلفنی مفصلی را در زمینه کمک چین به کشورهای غرب آفریقا برای مبارزه با ویروس ابولا و چشم انداز پیمان سرمایه گذاری ایالات متحده و چین داشتند. روسای جمهور آمریکا و چین همچنین بر تعهد خود برای مقابله با تهدید امنیت جهانی تاکید کرده و بر تلاشها برای پیشبرد مذاکرات هسته ای پنج عضو شورای امنیت سازمان ملل متحد با ایران تاکید کردند |



شینخوا گزارش داد:

آمریکا به چین نیاز دارد/ منافع واشنگتن در خطر است

یک رسانه غربی با اشاره به لزوم همکاری آمریکا با چین نوشت منافع واشنگتن در خطر است.

شینخوا در سرمقاله ای تحت عنوان «بازی ماهرانه سیاسی در سیاست چین به منافع ایالات متحده لطمه می زند» نوشت: باراک اوپاما رئیس جمهوری آمریکا اخیرا با دالایی لاما رهبر دینی بوداییان تبت در واشنگتن دیدار کرده که این دیدار اقدامی غیرعقلانه بوده و تنها به ابهامات در زمینه سیاست

واشنگتن نسبت به پکن افزوده است. این رسانه چینی در ادامه می نویسد اوپاما در روز پنجم فوریه در واشنگتن اهمیتی به مخالفت چین با دیدار با دالایی لاما نشان نداد و رهبر دینی بوداییان تبت را دوست خود معرفی کرد، این درحالیست که این فرد سیاستمداری است که همواره بر جدایی تبت از چین تاکید کرده است. شینخوا در ادامه عرض ارادت اوپاما به دالایی لاما را نشانه بی احترامی به منافع

اصلی چین برشمرد و نوشت تنش در روابط واشنگتن و پکن چیزی نیست که آمریکا صراحتا به دنبال آن باشد زیرا تنها چند روز پس از دیدار دولت اوپاما با رهبر دینی بوداییان تبت، از شی جینپینگ رئیس جمهوری چین برای سفر به واشنگتن در ماه سپتامبر دعوت کرد که بسیاری از آن به عنوان بخشی از تلاشها برای فراموشی خاطره چین دیداری یاد کردند. به نوشته این رسانه چینی، برنامه ریزی

سفر رسمی ماهها پیش از برگزاری آن رویدادی نادر در دیپلماسی بوده و تا حد زیادی نشان می دهد که واشنگتن علاقه مند به اهمیت روابط واشنگتن و پکن بوده و دستاوردهای بیشتری را از همکاری با پکن بدست می آورد.

شینخوا در ادامه تاکید می کند اگر آمریکا و چین به طور کارآمد با یکدیگر همکاری کنند، اوپاما می تواند بسیاری از مشکلات سیاسی خارجی خود را با کمک چین از جمله برنامه هسته ای ایران و موضوعات مرتبط با شبه جزیره کره، تروریسم و تغییرات آب و هوایی حل کند.

از سوی دیگر دلایل بسیاری برای خوشبینی در روابط چین و آمریکا وجود دارد دلیل اول این است که روسای جمهور دو کشور موافقت خود را برای حل اختلافات و نشان دادن تمایل برای حل تنش های موجود در روابط دوجانبه اعلام کرده اند که این اولین قدم در حل اختلافات موجود است. اوپاما و شی جینپینگ همچنین در نشست سال گذشته ایک با اشاره به دستاوردهای مختلف در روابط دوجانبه از توافق برای چگونگی حل تغییرات آب و هوایی، توافق نظامی برای حل اختلافات و رسیدن به فهم مشترک در زمینه کاهش تعرفه تولیدات فناوری خبر دادند.

هم اکنون با توجه به مسیر روابط در هفت ماه گذشته دو کشور باید همکاری نزدیکی را برای تحکیم روابط انجام دهند. آمریکا نیز به خصوص باید از انجام اقدامات سیاسی بی ملاحظه که تنها نتیجه عکس را در روابط دوجانبه به همراه دارد، اجتناب ورزد |



حوزه آمریکای شمالی از لحاظ خبر منطقه پرخبری است و به دلیل نفوذ آمریکا و اهمیت تحولات آن اغلب خبرهای آمریکای شمالی مربوط به ایالات متحده است.

ایالات متحده در ماه گذشته تحولات زیادی را پشت سر گذاشت که از مهمترین موارد آن می توان به ادامه کشمکش میان کاخ سفید و اعضای جمهوریخواه کنگره بر سر موارد مختلف از جمله ایران، ارائه سند امنیت ملی آمریکا از سوی «باراک اوباما» رئیس جمهوری این کشور، کشته شدن سه جوان مسلمان دانشجوی و تبعات آن، ارثه بودجه جدید به کنگره از سوی اوباما، افشای اسناد محرمانه در مورد کمک آمریکا به اسرائیل برای ساخت بمب های هیدروژنی، سفر اوباما به هند و عربستان، استراتژی امنیت ملی در فضای مجازی، تکرار پی در پی تیراندازی به مردم بیگانه و کشته شدن تعداد زیادی از شهروندان آمریکایی، افشای همکاری سازمان سیا با موساد برای ترور عماد مغنیه، انتقاد ژنرال های بازنشسته ارتش آمریکا از اوباما، بیانیه وزارت خارجه آمریکا در مورد سران فتنه، بر ملا شدن طرح آمریکا برای کودتا در ایران همزمان با پیروی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، موافقت سنا با گزینه پیشنهادی اوباما برای تصدی پست وزارت دفاع، ادامه مباحث مربوط به تغییر سیاست های کاخ سفید در قبال کوبا، تداوم جنگ لفظی میان واشنگتن و مسکو و تصمیم تعدادی از اعضای کنگره آمریکا برای حضور نیافتن در جلسه سخنرانی «بنیامین نتانياهو» نخست وزیر رژیم صهیونیستی، در کنگره اشاره کرد.

آمریکا

دبیر: عبدالحمید بیاتی

چهار تریلیون دلار برای اداره کشوری با ۱۵۰ یالت؛

بودجه جدید آمریکا و تقابل جدید او با جمهوریخواهان



رییس جمهوری آمریکا همچنین خواهان افزایش قابل ملاحظه بودجه زیرساخت های و طرح های عمرانی شده است. در بخش دیگری از لایحه بودجه، او با محدودیت هایی که از سال ۲۰۱۱ در برنامه های نظامی و عمومی اعمال شده بود را کاهش داده و بودجه سازمان های داخلی و نظامی سالانه هفت درصد افزایش می یابد. بسیاری از جمهوریخواهان از افزایش بودجه نظامی حمایت می کنند اما با افزایش بودجه برنامه عمومی مخالفتند.

لایحه پیشنهادی باراک اواما برای سال مالی که از اول اکتبر ۲۰۱۵ شروع می شود تنظیم شده است. این بودجه با ۴۷۴ میلیارد دلار کسری موازنه همراه است. بر اساس چنین طرحی، آمریکا در ۱۰ سال آینده به توازن بودجه نمی رسد و کسری بودجه با انتقال به سال های بعد، در سال ۲۰۲۵ به ۶۸۷ میلیارد دلار خواهد رسید.

دولت باراک اواما معتقد است کاهش بودجه های جاری و افزایش مالیات در یک دهه آینده حدود ۱۸ تریلیون دلار برای دولت درآمد خواهد داشت و کسری بودجه را در حد قابل مدیریت باقی می گذارد.

در این بودجه، ۶۰ میلیارد دلار برای کالج های رایگان و عمومی با ظرفیت پذیرش ۹ میلیون دانش آموز در نظر گرفته شده است. یکی از ردیف های پیشنهادی افزایش بودجه مربوط به مهد کودکان زیر چهار سال است که تا سال ۲۰۲۵ بتواند یک میلیون و یکصد هزار کودک بیشتر را در بر بگیرد.

در این بودجه برای جنگ در عراق نیز ردیف بودجه ای در نظر گرفته شده که مبلغ آن هشت میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار است.

در مجلس نمایندگان، رییس جمهوری را به بهره برداری از کینه و حسادت اقتصادی متهم کرد و در مصاحبه ای با ان بی سی گفت: توزیع ثروت از بالا به پایین عملی نیست. رویترز در این رابطه می نویسد: این اختلافات به احتمال زیاد محورهای اصلی مباحث دو سال پایانی ریاست جمهوری اواما خواهد بود و ممکن است تا مبارزات انتخاباتی بعدی در سال ۲۰۱۶ نیز ادامه پیدا کند.

جمهوریخواهان بهار سال جاری با ترسیم خطوط کلی یک بودجه متعادل با وعده کم کردن فشار کسری بودجه، بدهی دولتی برای نسل آینده، کاستن از بودجه مزایای تامین اجتماعی و اصلاح کدهای مالیاتی به طرح اواما پاسخ خواهند داد. در روزهای پیش از انتشار لایحه بودجه، دولت باراک اواما اعلام کرد که بودجه امسال نشان دهنده استراتژی تقویت طبقه متوسط و کمک به خانواده های شاغل و سختکوش برای پیش افتادن در زمانه تغییرات اقتصادی و فنی است.

باراک اواما در مصاحبه ای که روز دوشنبه از شبکه خبری ان بی سی پخش شد گفت: وضع کشور بهتر از چهار سال پیش است، اما چیز دیگری که ما می دانیم این است که درآمد و دستمزد خانواده های طبقه متوسط رو به کاهش است. آن ها در ۳۰ سال اخیر نتوانستند پا به پای روند سودآوری های شرکت های بزرگ و اقبال خیلی بالا حرکت کنند.

بودجه دولت اواما در حالی ارائه می شود که وضعیت اقتصادی آمریکا بهتر شده است، کسری بودجه فدرال کاهش یافته و موقعیت او در نظر سنجی ها بهبود پیدا کرده است.

برنامه های مورد نظر دولت است و ممکن است به زودی به صورت قوانین تصویب شده در نیاید. کنگره جدید که در کنترل اکثریت حزب جمهوریخواهان است مخالف پیشنهادات باراک اواما است. در همین حال اجرای بودجه نهایی و تصویب شده توسط کنگره، برای دولت الزامی نیست.

اما لایحه بودجه بر هزینه های جاری و در نتیجه بر میزان مالیات تعیین شده و محل تامین درآمدهای دولت تاثیر می گذارد.

اواما معتقد است که اقتصاد آمریکا در حدی بهبود یافته که بتوان مالیات را افزایش داد و در نتیجه از این محل می توان به آمریکایی هایی که تا کنون از بهبود اقتصادی بهره مند نشده اند کمک کرد.

اما جمهوریخواهان معتقدند بودجه پیشنهادی اواما بهبود اقتصادی را به خطر می اندازد و او باید کسری بودجه را کاهش دهد.

اما پل رایان، نماینده حزب جمهوریخواه

«باراک اواما» بودجه جدید ایالات متحده که چهار تریلیون دلار بود را به کنگره داده و انتظار می رود که این بودجه عاملی برای تقابل دوباره جمهوریخواهان با کاخ سفید شود.

همانطور که انتظار می رفت و پیش بینی شده بود اواما به عنوان رئیس جمهور آمریکا در دو سال پایانی حضور خود در کنگره بواسطه حضور حداکثری جمهوریخواهان در کنگره، روزگاری سخت را سپری می کند. در همین رابطه جمهوریخواهان که تا چند روز قبل موضوع تحریم های جدید ایران را عاملی برای فشار بر کاخ سفید یافته بودند از روز گذشته و با ارسال بودجه جدید آمریکا به کنگره موضوعی جدید برای ایجاد تنش در کاخ سفید یافته اند.

با واقع اواما در این لایحه بودجه جدید آمریکا بر اساس مالیات بیشتر برای ثروتمندان و شرکت های بزرگ و افزایش هزینه جاری تنظیم شده، خود را برای درگیری تازه با نمایندگان جمهوریخواه آماده کرد.

به گزارش آسوشیتدپرس، اواما همراه با لایحه بودجه سنگین سال جاری در پیامی به نمایندگان نوشته است که بودجه پیشنهادی دولت او عملی است و نه حزبی. پیش از تحویل لایحه به کنگره، نمایندگان جمهوریخواه از افزایش مالیات ها به رقم دو تریلیون انتقاد کرده بودند. آن ها اواما را به سیاست «مالیات بگیر و هزینه کن» متهم کردند که به اعتقاد آن ها به اقتصاد کشور آسیب می زند و در عین حال برای بزرگ ترین مشکل بودجه که افزایش هزینه برای برنامه های اجتماعی دولت است چاره ای اندیشیده نشده است.

بودجه پیشنهادی سالانه معمولاً فهرستی از

اواما در لایحه بودجه ۲۰۱۵ آمریکا که چهار تریلیون دلار است برنامه های خود را بر اساس مالیات بیشتر برای ثروتمندان و شرکت های بزرگ و افزایش هزینه جاری تنظیم کرده و بدین صورت خود را برای درگیری تازه با نمایندگان جمهوریخواه آماده کرده است.



واشنگتن پست:

توافق هسته‌ای در سایه اختلاف دولت و کنگره دوامی ندارد

یک روزنامه آمریکایی با پرداختن به روند مذاکرات هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱، تصریح کرد: توافق در شرایطی که شکاف و اختلاف میان دولت و کنگره تا این اندازه بالاست، چند ماه بیشتر دوام نیاورد.

واشنگتن پست می‌نویسد: شورای سردبیری روزنامه واشنگتن پست با انتشار یادداشتی از احتمال توافق با ایران بر سر برنامه اتمی، مناقشه برانگیز این کشور در آینده نزدیک، ابراز نگرانی کرد. شورای سردبیری این روزنامه مطرح آمریکایی، از موضع کنگره آمریکا با اکثریت جمهوریخواه که خواهان تصویب تحریم‌های بیشتر علیه ایران است، حمایت کرد. در ساختار رسانه‌های جریان اصلی در آمریکا، تحریریه از شورای سردبیری کاملاً جداست و شورای سردبیری برخلاف تحریریه می‌تواند درباره وقایع سیاسی روز موضع‌گیری روشن و شفاف داشته باشد.

اعضای شورای سردبیری این رسانه معتقدند مذاکرات با ایران با هدف حذف کامل توانایی ساخت سلاح اتمی آغاز شد و اکنون به مدارا و کاستن از توان اتمی ایران تقلیل یافته است. آن‌ها باراک اوباما و کابینه اش را متهم کرده‌اند که در طول مذاکرات نتوانستند مانع از قدرت‌گیری بیشتر ایران در منطقه شوند و به نظر می‌رسد که اوباما و

نگرانی اسرائیل، عربستان سعودی و ترکیه است که همگی از متحدان آمریکا در خاورمیانه محسوب می‌شوند.

در انتهای یادداشت شورای سردبیری واشنگتن پست ابراز تردید و نگرانی شده که توافق در شرایطی که شکاف و اختلاف میان دولت و کنگره تا این اندازه بالاست، چند ماه بیشتر دوام نیاورد.

شورای سردبیری واشنگتن پست به دستگاه سیاست خارجی آمریکا توصیه کرده که در این شرایط به دنبال آن نباشد که حتماً با ایران در زمان تعیین شده توافق کند، بلکه به دنبال هم‌فکری بیشتر با کنگره آمریکا و شروط محکم‌تری باشد که همه را مطمئن سازد که ایران هرگز به سلاح اتمی دست نخواهد یافت.

کیسینجر که از مخالفان توافق اتمی با ایران است، می‌نویسد: چنین امری باعث خواهد شد دیگر کشورهای منطقه از جمله عربستان سعودی و ترکیه نیز به دنبال برنامه اتمی با توانایی و میزان ایران بروند و خاورمیانه سرشار از سانتریفیوژهای فعال شود.

در این یادداشت به نام رئیس‌جمهور آمریکا به رهبر ایران نیز اشاره شده و از باراک اوباما انتقاد شده که عملاً به ایران، نشانه‌های آشکاری فرستاده که هر دو در منطقه منافع مشترکی دارند.

شورای سردبیری این روزنامه می‌گوید دستگاه سیاست خارجی آمریکا تمایل دارد به سهم‌خواهی ایران در عراق، سوریه و لبنان و دیگر کشورهای خاورمیانه تن دهد و این امر موجب

دستگاه سیاست خارجه او می‌خواهند یکی از قدرت‌های اصلی خاورمیانه باشد. این یادداشت همچنین اوباما را متهم به آن کرده که به دنبال حذف گسترده تحریم‌ها علیه ایران بعد از توافق است و برای این کار هم با دیگر نهادهای قدرت در این کشور مشورتی نمی‌کند.

واشنگتن پست می‌نویسد اکنون که مذاکرات به مرحله‌ای رسیده که بیشتر بحث‌ها صرفاً بین ایران و آمریکا و نه دیگر کشورهای موسوم به ۵+۱ است، به نظر می‌رسد آمریکا در روندی تدریجی، بیشتر به خواسته‌های ایران تن می‌دهد و از جمله شمار بیشتری از سانتریفیوژ در تاسیسات اتمی ایران را می‌پذیرد.

این روزنامه با استناد به نقل قولی از هنری

سیاسی رقیب و اپوزیسیون اسرائیل، نتانیاها را بخاطر پذیرش دعوت جان بکینر، رئیس‌جمهوریخواه مجلس نمایندگان آمریکا برای سخنرانی در اجلاس مشترک کنگره سرزنش می‌کنند.

به گزارش صدای آمریکا، دعوت بکینر از نخست‌وزیر اسرائیل بدون هماهنگی با کاخ سفید و برخلاف عرف سیاسی مرسوم صورت گرفته که بر پایه آن، تنها رئیس‌جمهوری آمریکا از رهبران خارجی دعوت می‌کند. از این رو، باراک اوباما، رئیس‌جمهوری آمریکا در سفر ماه مارس بنیامین نتانیاها با او دیدار نخواهد کرد.

به نوشته دویچه وله، در نظرسنجی‌های انجام شده در اسرائیل، حزب دست راستی «لیکود» نتانیاها و حزب چپ میانه «کار» به نتایجی حدوداً برابر دست یافته‌اند.

رهبر حزب «کار» اسرائیل، ایزاک هرتسوغ به رادیو ارتش اسرائیل گفت: «نتانیاها به طور مستقیم به رئیس‌جمهور آمریکا آسیب می‌رسانند. کاری که نتانیاها می‌کنند به علائق امنیتی اسرائیل نیز ضرر خواهد رساند.»

نخست‌وزیر اسرائیل از تصمیم خود برای سخنرانی در کنگره آمریکا دفاع کرد و گفت این وظیفه اوست که از هر فرصتی برای نمایاندن خطر ناشی از برنامه هسته‌ای ایران علیه اسرائیل استفاده کند.

بنیامین نتانیاها، در جلسه کابینه اسرائیل اعلام کرد در سخنرانی‌اش در کنگره آمریکا رهبران ایالات متحده و جهان را از یک توافق هسته‌ای احتمالی با ایران که اسرائیل را به خطر بیاندازد، منع خواهد کرد. نتانیاها گفت تضمین موجودیت اسرائیل و جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح اتمی وظیفه او به عنوان نخست‌وزیر اسرائیل است.

سخنرانی نخست‌وزیر اسرائیل در کنگره آمریکا که برای سوم مارس برابر با ۱۲ اسفند ماه ۱۳۹۳، تدارک دیده شده، سبب ایجاد شکاف سیاسی در هر دو طرف شده است. سیاستمداران اسرائیل بر این باورند که سخنرانی نتانیاها می‌تواند انتخابات سراسری در این رژیم راه که به فاصله‌ای کوتاه برگزار می‌شود تحت الشعاع قرار دهد. بعضی چهره‌های



در پی دعوت کنگره آمریکا از نتانیاها؛

شکاف سیاسی در آمریکا و اسرائیل به خاطر یک سفر



گاردین گزارش داد:

اسناد جدید از برنامه های آمریکا برای کودتا در ایران

یک روزنامه انگلیسی در گزارشی از اسناد جدیدی پرده بر می دارد که بر اساس آن آمریکا در نقشه ای شش مرحله ای قصد کودتا در ایران در سال ۱۳۵۷ را داشته است. گاردین در این گزارش در مورد نقش ژنرال هایزر، معاون وقت نیروی هوایی آمریکا، نوشته است: قرار بود وی در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی در جریان سفر به ایران، امکان تشکیل دولت بختیار و کودتا در ایران را بررسی کند.

ژنرال هایزر، معاون نیروی هوایی آمریکا در سفر به ایران قصد داشته است تا امکان تشکیل دولت بختیار را بررسی و در صورت لزوم طرح کودتا را اعلام نماید. وی در کتاب خاطرات خود نوشته است که قرار بود ابتدا دولتی قوی به ریاست بختیار تشکیل شود، سپس در صورت شکست بختیار کودتا صورت گیرد.

گاردین با استناد به نامه های نوشته شده ژنرال رابرت هایزر به «هارولد براون» وزیر دفاع وقت آمریکا در ژانویه سال ۱۹۷۹ میلادی می نویسد: او در نامه های خود به وزیر دفاع وقت و همچنین ژنرال «دیوید جونز» رئیس وقت ستاد مشترک نیروهای مسلح آمریکا از آنان خواسته تا مشخص کنند که سیاست دقیق آمریکا درباره ایران چیست. ژنرال هایزر در بخشی از نامه اشاره کرده که شاپور بختیار نخست وزیر وقت ایران از جوانب مختلف احساس فشار می کند و نیازمند ایجاد اطمینان از سوی آمریکا است. او در بخشی از نامه نوشته است: «در مکالماتم با آقای براون در شب ۱۱ ژانویه سال ۱۹۷۹، به نظر می رسید که تردیدهایی در ذهن او درباره سیاستگذاری آمریکا در قبال ایران و ابزارهای لازم برای استفاده در آن کشور وجود دارد.»

روزنامه گاردین در ادامه اشاره می کند که این جزئیات بخشی از اسناد دولت امریکاست که تحت عنوان «ماموریت هایزر» منتشر شده و به درک بهتر موضع گیری دولت کارتر در قبال شرایط وقت ایران کمک می کند. نامه هایزر بخشی از یک سری اسناد قبلا سری دولت آمریکا در ارتباط با ماموریت هایزر است که از طرف دولت کارتر در اوج انقلاب ایران به او محول شده بود. با گذشت سی و شش سال، بسیاری از ایرانیان هنوز معتقدند که هایزر با هدف خنثی سازی نقش ارتش ایران به عنوان بخشی از یک توافق خمینی به قدرت رساندن آیت الله روح الله خمینی به تهران اعزام شده بود. به گفته آنها، امریکایی ها ساده لوحانه فکر می کردند که (آیت الله) خمینی ضد کمونیست از منافع آنها در خلیج فارس پس از خروج شاه حفاظت خواهد کرد.

مقامات رسمی آمریکا از آن زمان اصرار داشته اند که چنین توطئه ای در کار نبود و ادعاهای مطرح شده را مبنی بر تضعیف شاه یا اینکه ماموریت هایزر شامل مداخله در امور داخلی ایران بود، تکذیب می کنند. اما فقدان شواهد منجر به تقویت نظریه های توطئه شده است. اکنون انتشار نامه هایزر این امکان را فراهم می سازد که از زبان خود ژنرال به ماهیت ماموریت وی پی ببریم. برای اولین بار می توان دریافت جیمی کارتر رئیس جمهور و تیم امنیت ملی وی امیدوار به تحقق چه چیز بودند. این سند بدون آن که گواهی بر یک توطئه موثر باشد، فاش می سازد که چگونه مقامات امریکایی در تلاش برای مدیریت رویدادهایی هزاران مایل دورتر بطور حیرت آوری اصلا نمی دانستند

از همان شروع کار درک درستی از مسائل نداشتند.

ژنرال هایزر هفتم ژانویه آن سال یعنی چهار روز پس از تصمیم کارتر به اعزام یک نماینده ویژه، به تهران رسید. رئیس جمهور و مشاورانش از روند سریع رویدادها و اینکه چگونه اعتراضات یکساله بر ضد حکومت سی و هفت ساله شاه ناگهان به انقلاب انجامید، بهت زده شده بودند. امریکایی ها پذیرفته بودند که کار شاه تمام بود و از تصمیم وی به انتقال قدرت به یک دولت غیرنظامی به ریاست شاپور بختیار قبل از خروج شاه از کشور حمایت کردند.

کاخ سفید همچنین از تشویش در میان نیروهای ارتش ایران مطلع بود. ژنرالهای ارشد شاه پیش بینی می کردند ارتش در نبود فرمانده کل قوا فروخواهد پاشید. به همین علت از نظر بسیاری از آنها به دست گرفتن سریع قدرت بهتر از انتظار برای یک حمام خون انقلابی بود.

کارتر با شعار حمایت از حقوق بشر در انتخابات پیروز شده بود. وی به محض اینکه به قدرت رسید، شاه را برای آزادی زندانیان سیاسی و ایجاد فضای بازتری در رژیم خود تحت فشار قرار داده بود. وی با چنین ذهنیتی بعید به نظر می رسید دستور بدهد عملیات آژاکس تکرار شود - سیا در سال هزار و نهصد و پنجاه و سه طی عملیات آژاکس به بازگرداندن شاه به قدرت پس از یک شورش مدنی کمک کرد. اما کارتر نیز نمی توانست این کشور را که حافظ منافع آن در همه حوزه های نفتی خلیج فارس بود، از دست بدهد.

همانطور که هایزر بعدها در خاطراتش نوشت: «مادامی که یک دولت غیرنظامی حاکم بود، کارتر احساس می کرد حتما باید ارتش را به حمایت کامل از آن دولت پس از خروج شاه از کشور ترغیب نماید. چطور چنین چیزی ممکن بود؟ ظاهرا رئیس جمهور در فکر اعزام یک مامور ویژه بود و به یک چهره ارشد نظامی با تجربیات دیپلماتیک و اطلاعات وسیع درباره ایران می اندیشید که بتواند اعتماد مقامات نظامی ایران را جلب نماید.»

هایزر که معاون فرماندهی عالی نیروهای متحد در اروپا بود، نامزد قطعی برای آن ماموریت بود. وی قبلا چند سفر به تهران داشت و به شاه و ژنرالهای وی در مورد نحوه بهبود روند تصمیم گیری در ارتش مشاوره داده بود. کارتر از آن جهت هایزر را انتخاب کرد که معتقد بود وی از اعتماد هر دو دولت برخوردار بود.

به علت حساسیت این ماموریت بود که مقامات آمریکا تمایلی به ابلاغ دستورات مکتوب به هایزر نداشتند. ژنرال الکساندر هیگب فرمانده ناتو به هایزر هشدار داده بود که در صورت شکست ماموریتش کاخ سفید او را سپر بلای خود خواهد کرد. با اعتراض هایزر، به توصیف وی در کتاب خاطراتش، فقط یک متن پیش نویس به او داده شد که دستورالعمل های وی جنبه اصولی و ناقص داشت. هایزر چهار روز پس از ورود به ایران خواستار شفاف سازی در این خصوص شد.

وی در تلگرافی که در دوازدهم ژانویه هزار و نهصد و هفتاد و نه ارسال کرد، به براون وزیر خارجه و ژنرال جونز رئیس ستاد مشترک گفت که به نظر وی رئیس جمهور از وی می خواهد که شش نکته را به ژنرالهای شاه منتقل نماید. اول، داشتن روابط قوی و با ثبات برای آمریکا و ایران امری حیاتی است.

دوم، نیروی مسلح شاهنشاهی ایران عمیقا کارتر را تحت تاثیر قرار داده است.

سوم، رئیس جمهور معتقد است که تحقق مهمترین منافع همه در گرو وجود یک دولت غیرنظامی قوی و با ثبات است.

چهارم، دولت غیرنظامی جدید بختیار باید از حمایت کامل ارتش برخوردار باشد.

پنجم، این حمایت فقط در صورتی قابل تحقق است که مقامات نظامی به کارشان ادامه دهند: آنها نباید کشور را ترک کنند و باید به صورت یک تیم عمل نمایند.

ششم، دولت آمریکا از رئیس جمهور گرفته تا مقامات پایین همچنان قویا از آنها حمایت می کنند.

اما هایزر می دانست که کارتر و مشاورانش حمایت آمریکا از یک کودتا را رد نکرده بودند. در کابینه دولت کارتر بین زیگنیو برژنسکی مشاور امنیت ملی که خواهان اقدام فوری بود، و سایروس ونس وزیر خارجه که به کلی با کودتا مخالف بود، اختلاف نظر وجود داشت.

کارتر در موضعی بینابین با کودتا مخالفت کرد مگر آن که شرایط خاصی محقق شود. طبق خاطرات هایزر، برژنسکی می خواست که (با فرمان وی) چراغ سبزی به ارتش ایران جهت انجام کودتای نظامی داده شود. کارتر به چنین چیزی فقط به عنوان حربه آخر می اندیشید.

هایزر در تلگراف خود برای براون و جونز تشریح کرد که قبلا به ژنرالها (در ایران) تاکید کرده بود حمایت آمریکا از یک کودتا در آینده منوط به حمایت قبلی آنها از بختیار است و او کودتای نظامی را حربه آخر می داند.

حمایت از کودتا منوط به سه شرط بود. اول، باید به بختیار فرصت اعمال قدرت داده می شد. دوم، در صورت وخامت اوضاع داخلی ایران ممکن بود وی حکومت نظامی اعلام کند و ارتش را برای انجام خدمات اساسی مانند مدیریت حوزه های نفتی یا حفاظت از شبکه برق فرا خواند.

فقط در صورت بی نتیجه بودن گام های اول و دوم، آمریکا از مسلط شدن ارتش بر قدرت حمایت می کرد. هایزر در پایان تگرافش دستورالعمل های خود را این گونه جمع بندی می کند که: «همه تلاشم را برای ... حمایت از بختیار به عمل خواهم آورد و در انجام یک کودتای نظامی تجلیل نخواهم کرد.»

ماموریت هایزر محکوم به شکست بود، بخصوص آن که کاخ سفید به شاه اطلاع نداده بود یک ژنرال امریکایی جهت توصیه های درخواست نشده به فرماندهان ارشد ایران به آن کشور اعزام شده بود. این نقض صریح پروتکل، خشم اردشیر زاهدی سفیر ایران در آمریکا را بر انگیخت. وی در

ایران و جایگاه آن در سند امنیت ملی آمریکا



برنامه هسته‌ای ایران شده و این برنامه را در ابعاد کلیدی به عقب رانده است.

تمامی گزینه‌ها همچنان مطرح هستند

رئیس جمهور آمریکا در مورد عمل به تعهدات بین المللی از سوی واشنگتن نیز بار دیگر به سراغ ایران رفته و می نویسد: ما تصریح کرده‌ایم که ایران باید به تعهدات بین المللی خود عمل کند و نشان دهد که برنامه هسته‌ای این کشور کاملاً صلح آمیز است. برنامه تحریم‌های ما نشان داده است که جامعه بین المللی می‌تواند - و خواهد توانست - آن دسته از کشورهایی را که به تعهدات خود عمل نمی‌کنند به پاسخگویی وادار کند، و این تحریم‌ها در عین حال فضایی را برای حل و فصل دیپلماتیک باز می‌کند. پس از دستیابی به یک توافق گام نخست که پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران را در ازای لغو محدود تحریم‌ها متوقف می‌کند، گزینه ارجح ما دستیابی به یک توافق جامع و قابل راستی آزمایی است که اطمینان بدهد برنامه هسته‌ای ایران کاملاً اهداف صلح آمیز دارد. این بهترین راه برای پیشبرد منافع ما، تقویت رژیم منع تکثیر جهانی، و قادر ساختن ایران برای دسترسی به انرژی صلح آمیز هسته‌ای است. با این حال، ما همه گزینه‌ها را برای تحقق هدف جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای حفظ می‌کنیم.

ارتباط ثبات خاورمیانه با مذاکرات هسته‌ای

ثبات و صلح در خاورمیانه و آفریقای شمال همچنین نیازمند کاهش علل زیربنایی درگیری است. بنابراین، آمریکا کماکان به همکاری با متحدان و همکاران خود در راستای دستیابی به توافق جامع با ایران که نگرانی‌های جهان را در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران برطرف کند، ادامه خواهد داد. ما همچنان به پایان دادن به اختلاف‌ها و درگیری‌ها میان اسرائیل و فلسطینیان از طریق راه حل دو کشوری ادامه خواهیم داد که متضمن امنیت اسرائیل و زیست‌پذیری فلسطین (به عنوان کشوری مستقل) باشد. ما از تلاش‌ها برای کاهش دادن تنش‌های فرقه‌ای و خشونت میان جوامع شیعه و سنی در سراسر منطقه حمایت خواهیم کرد.

سند امنیت ملی آمریکا جمعه ۱۷ بهمن توسط «باراک اوباما» به کنگره تحویل داده شد. در این سند رئیس جمهور آمریکا ضمن تأکید مجدد بر رویکرد فعلی خود در قبال جمهوری اسلامی بارها به نام ایران اشاره کرده است. در این استراتژی تازه تأکید شده که آمریکا همچنان باید رهبری جنگ با تروریسم را عهده دار باشد، اما هشدار داده شده که این کشور نباید بیش از حد خود را در کشورهای دیگر درگیر کند.

باراک اوباما در بیانیه‌ای که همراه با این سند منتشر شده، گفته است که آمریکا از موضع قدرت رهبری خواهد کرد. اما این بدان معنا نیست که این کشور باید تلاش کند تا مسیر اتفاقات جهان را تعیین کند. اوباما اعلام کرده که آنچه آمریکا به آن نیاز دارد صبوری استراتژیک و ثبات قدم است و نمی‌تواند همه چیز را از طریق قوای نظامی حل کند.

اشاره پی در پی به نام ایران در سند امنیت ملی آمریکا

اوباما اشاره به نام ایران را از برنامه پراگ آغاز کرده و می‌نویسد: ما در عرصه جهانی متعهد هستیم برنامه «پراگ» را پیش ببریم که در برگیرنده اقداماتی از قبیل متوقف کردن گسترش تسلیحات هسته‌ای و تأمین امنیت مواد هسته‌ای است. در حال حاضر، سرگرم بررسی این مسئله هستیم که آیا ممکن است به راه حلی جامع دست یافت که بتواند به جامعه بین المللی این اطمینان خاطر را بدهد که برنامه هسته‌ای ایران، صلح آمیز است. آنهم در شرایطی که طرح اقدام مشترک (توافق ژنو) سبب متوقف شدن پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران شده است.

دفاع از تحریم‌های غیر موجه

اوباما در ادامه به موضوع تحریم‌ها اشاره کرده و می‌نویسد: ما هدایت تلاش‌های بین المللی را برای متوقف کردن اشاعه تسلیحات هسته‌ای برعهده داشتیم و از جمله کارهایی که در این زمینه انجام دادیم تقویت رژیم تحریم‌های بین المللی بی‌سابقه برای پاسخگو کردن ایران بخاطر عمل نکردن به تعهدات بین المللی اش بود. البته در کنار این کار به تلاش‌های دیپلماتیک ادامه دادیم که همین حالا نیز سبب متوقف شدن پیشرفت

ربیعی گفت که از انجام کودتا به محض درخواست هاینز را دستگیر و اخراج کند. شاه حق داشت نگران شود. او می‌دانست ویلیام سولیوان سفیر آمریکا با نمایندگان (آیت الله) خمینی در تهران تماس گرفته بود و در مذاکراتی برای بازگرداندن آیت الله (خمینی) از تبعید شرکت داشت. قصور سال دو هزار و دوازده به من گفت که از شاه خواست هاینز را دستگیر و اخراج کند. شاه حق داشت نگران شود. او می‌دانست ویلیام سولیوان سفیر آمریکا با نمایندگان (آیت الله) خمینی در تهران تماس گرفته بود و در مذاکراتی برای بازگرداندن آیت الله (خمینی) از تبعید شرکت داشت. قصور

در این برهه زمانی حساس، هاینز قویا به ربیعی توصیه کرد این طرح را پیش نبرد. به طوری که براون به کارتر گفت، «هاینزر» قویا به این خط مشی پایبند است که ارتش باید به بختیار فرصت تشکیل یک دولت کارآمد و تلاش برای بازگردان نظم به کشور را بدهد. ربیعی با اکراه گفته بود که این رویه را دنبال خواهند کرد.

در حالی که دو ژنرال در حال گفتگو بودند، شاه در تماس تلفنی به ربیعی گفت که هواپیمایش را آماده پرواز کنند، گرچه تاریخ مشخصی قید نکرد. به گفته براون، ربیعی وقت کشی می‌کرد و به شاه گفت که «ترتیب مجوز پرواز از طریق یک کشور دیگر داده نشده است، اما شاه گفت اگر لازم شود می‌تواند از طریق عربستان سعودی عازم شود.»

براون به کارتر اطمینان داد که ژنرالها از تهدیدشان کوتاه آمده بودند. با توجه به قریب الوقوع بودن عزیمت شاه و فقدان هرگونه حمایتی از طرف آمریکا برای کودتا، آنها احساس کردند هیچ شانسی ندارند بجز تلاش برای مصالحه با گروه‌های مخالف به منظور جلوگیری از هرج و مرج. براون در یادداشت خود به کارتر توضیح داد که «بحث‌های وسیعی درباره همکاری نزدیکتر ارتش با برخی رهبران مذهبی جریان داشت. هاینز بر این مسئله تأکید داشت و ربیعی تمایلی نشان نمی‌داد.

نتیجه کار برای همه غافلگیر کننده بود. در دهم فوریه جنگی در پایگاه نیروی هوایی در دوشان تپه تهران به وقوع پیوست و ظرف بیست و چهار ساعت انقلابیون کنترل تاسیسات مهم دولتی را در سراسر پایتخت بدست گرفتند. وقتی که ژنرالهای ارشد شاه با اعلام بی طرفی به نیروهایشان دستور دادند به پایگاه باز گردند، مقاومت سلطنتی در هم شکسته شد.

در ساعت یک و ده دقیقه بعد از ظهر یازدهم فوریه، اتساق وضعیت در کاخ سفید اخبار تکان دهنده‌ای دریافت کردند مبنی بر اینکه تهران در برابر ائتلافی از اصولگرایان مسلمان و گروه‌های چریکی چپ گرا که از طرف لیبی، سازمان آزادی بخش فلسطین و بلوک شرق تأمین مالی و تسلیحاتی می‌شدند، سقوط کرده بود. آخرین پیام از سفارت آمریکا این بود که: «ارتش تسلیم شد (آیت الله) خمینی پیروز شد، همه اسناد محرمانه نابود شود.»

آمریکایی‌ها دریافتند خیلی تعلل کرده بودند. آن تعلل برای ژنرال ربیعی و همکارانش مرگبار بود. آنها دستگیر، شکنجه و سپس اعدام شدند!

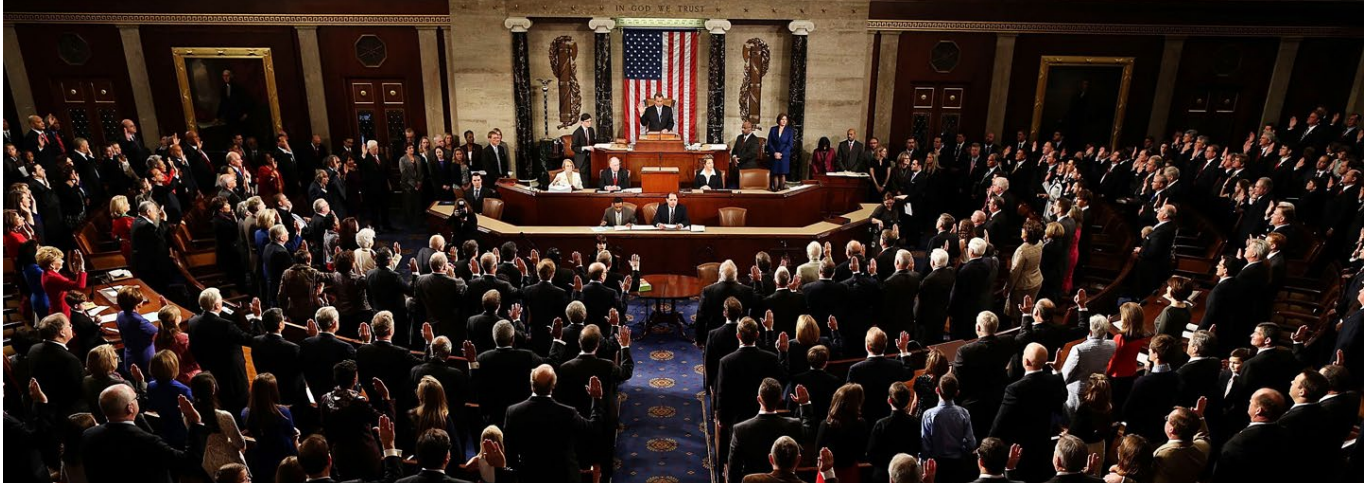
ژنرال هاینز، معاون نیروی هوایی آمریکا در سفر به ایران قصد داشته است تا امکان تشکیل دولت بختیار را بررسی و در صورت لزوم طرح کودتا را اعلام نماید. وی در کتاب خاطرات خود نوشته است که قرار بود ابتدا دولتی قوی به ریاست بختیار تشکیل شود، سپس در صورت شکست بختیار کودتا صورت گیرد!

سولیوان در مشورت با کاخ سفید قبل از چنین اقدام مهمی منجر به سردرگمی ایرانیان در مورد اهداف آمریکا شد. شاه این اقدام را نه شاهدهی بر عدم کفایت بلکه مدرکی دال بر یک توطئه آمریکایی برای برکناری وی قلمداد کرد. افسران ارشد وی خواهان خاتمه دادن فوری به بازیهی آمریکا بودند. زاهدی به من گفت: «ژنرالهای ارتش نزد من آمدند و پیشنهاد ترور هاینز را دادند. آنها نگران بودند که آمریکایی‌ها در صدد تکرار دخالت شان در کودتای هزار و نهصد و شصت و هفت در یونان بر ضد شاه کونستانتین باشند.»

آمریکایی‌ها از این نگرانی‌ها بی اطلاع بودند همانطور که متوجه اولین نشانه‌های یک آشوب قریب الوقوع نبودند. درست هشت هفته قبل از اعزام هاینز به ماموریتش اما ده ماه پس از اولین اعتراضات خیابانی در ایران، برژینسکی مشاور امنیت ملی یادداشتی امیدوار کننده برای کارتر فرستاد با این مقدمه که: «خبر خوب! طبق ارزیابی سیا مورخ ماه اوت، ایران در شرایط انقلاب یا حتی قیام از انقلاب قرار ندارد. ناراضیاتی هایی از کنترل شدید شاه بر فرآیند سیاسی وجود دارد اما این امر تهدیدی برای دولت نیست.»

ژنرالهای شاه تا چه حد به اقدام نزدیک بودند؟

در سیزدهم ژانویه هزار و نهصد و هفتاد و نه، ژنرال امیر حسین ربیعی فرمانده نیروی هوایی شاهنشاهی ایران در ملاقات با هاینز گزارشی از ملاقاتش در همان روز با فرماندهان نیروی زمینی، دریایی و ژاندارمری ارائه داد. به گفته هاینز - که فوراً مقامات مافوقش در واشنگتن را در جریان قرار داد-



جنگ داخلی در کنگره آمریکا بر سر مذاکرات هسته‌ای ایران

جو حاکم بر سنای آمریکای در مورد مذاکرات هسته‌ای ایران با اقدام روز گذشته ۱۱ سناتور در حمایت از گفتگوهای در حاکم انجام میان کشورهای ۵+۱ و جمهوری اسلامی، وارد فاز جدیدی شد. ۱۱ سناتور آمریکایی متشکل از ۱۰ سناتور دموکرات و یک مستقل، با ارائه طرحی از مذاکرات در حال انجام میان ایران و کشورهای ۵+۱ حمایت کرده و مخالفت خود را با تصویب تحریم‌های جدید علیه تهران اعلام کردند. این ۱۱ سناتور در عین حال اعلام کردند که در صورت شکست مذاکرات و یا تخطی ایران از توافقات، اعمال تحریم‌های جدید اقدامی مناسب خواهد بود. در این طرح آمده که سنا آماده است تا در صورت شکست مذاکرات، تحریم‌های جدیدی علیه ایران تصویب کند. سناتور دایان فاینستاین، از تهیه کنندگان این قطعنامه در بیانیه‌ای اعلام کرد که تصویب تحریم‌های جدید پیش از پایان زمان تعیین شده برای مذاکرات می‌تواند تلاش‌های ما برای توافق با ایران را به

شدت تضعیف کند. سناتور کریس مورفی، از دیگر طراحان نیز گفته که این قطعنامه برای آنهایی که قطعنامه مطرح در کمیته بانکی سنا را مضر می‌دانند، گزینه‌ای در حمایت از دیپلماسی فراهم می‌کند. مورفی در حمایت از دولت باراک اوباما گفت که تصویب تحریم‌های جدید علیه ایران در جریان مذاکرات جاری هسته‌ای، تلاش‌ها برای رسیدن به توافق با تهران را به شدت تضعیف می‌کند. قرار است که کمیته بانکی سنا در هفته جاری طرحی را به رای بگذارد که بر اساس آن، در صورت به دست نیامدن توافقی میان ایران و ۵+۱ تا ۱۰ تیر ۱۳۹۴، تحریم‌ها علیه تهران تشدید خواهند شد. این طرح توسط سناتور جمهوریخواه، مارک کرک و سناتور دموکرات، رابرت منندز تهیه شده و منندز قصد دارد طرح آن در کنگره را تا ماه مارس به تعویق بیاورد. این وضعیت در حالی است که باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا گفته که این طرح،

مذاکرات هسته‌ای با ایران را به شکست می‌کشاند و در صورت تصویب در سنا، آن را وتو خواهد کرد. بر اساس گزارش‌های موجود هم‌اکنون دو طرح در سنای آمریکا برای تصویب تحریم‌های جدید علیه ایران مطرح است. این دو طرح عبارتند از:
۱- طرح «مارک کرک، رابرت منندز»: طبق این طرح باید تحریم‌های مشروط علیه ایران تصویب شوند.
۲- طرح «باب کورکر، لیندسی گراهام»: بر اساس این طرح هرگونه توافق احتمالی با ایران باید در کنگره تصویب شود. مارک کرک و رابرت منندز در طرح خود پیشنهاد داده‌اند تحریم‌ها علیه بخش انرژی ایران در صورت عدم نیل به توافق جامع تا تیر ماه، تشدید گردد. همچنین سناتور جمهوریخواه باب کورکر در سنا در حال کار بر روی طرحی است که در صورت تصویب نهایی، اختیارات کنگره را در برخورد با برنامه هسته‌ای ایران افزایش می‌دهد. بر اساس این طرح کنگره حق دارد مفاد و مواد سخت‌گیرانه تری علیه توافق هسته‌ای جامع، تصویب کند. در این میان منندز اعلام کرده که به دلیل جلب حمایت بیشتر از سوی دموکرات‌ها، این طرح را تا ماه مارس به تعویق می‌اندازد. او گفته بود در قبال ایران سه راه وجود دارد:

۱- حمله نظامی به ایران، ۲- پذیرش یک ایران مسلح به سلاح هسته‌ای، و ۳- تشدید تحریم‌ها علیه ایران. منندز که یک عضو ارشد کمیته روابط خارجی سنای آمریکا است، گفته بود اگر تحریم‌ها را در جای خود حفظ کنیم و از آنها به درستی استفاده کنیم، می‌توانیم بگوئیم راه سومی نیز وجود دارد. وی راه سوم را تشدید تحریم‌ها علیه ایران توصیف کرده بود. گفتنی است علی‌رغم اینکه مقامات دولتی و دیپلمات‌های ارشد آمریکایی خواهان همراهی کنگره و سنا با مذاکرات و عدم وضع تحریم‌های جدید ضد ایرانی شده‌اند، اما کنگره که اکنون در اختیار جمهوریخواهان است به این سخنان توجهی ندارد و خواهان تشدید رژیم تحریم‌ها علیه ایران هستند. بعنوان مثال «سامانتا پاور» سفیر و نماینده دائم آمریکا در سازمان ملل متحد در نیویورک، گفته بود: اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران، تخریبگر مذاکرات هسته‌ای است. همچنان دست‌یابی به توافق هسته‌ای با ایران امکان‌پذیر است اما اقدام کنگره آمریکا برای اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران می‌تواند به شکل خطرناکی مانعی در برابر احتمال دست‌یابی به توافق هسته‌ای باشد و به جای ایران، آمریکا را منزوی کند.

هاآرتض خبر داد:

آمریکادست‌رسی نتانیاهو به اطلاعات مذاکرات ایران را محدود کرده است

دولت آمریکا با این توجیه که نتانیاهو از اطلاعات مذاکرات هسته‌ای ایران استفاده سیاسی کرده و شانس رسیدن به توافق احتمالی را کاهش می‌دهد، دسترسی وی به اطلاعات مربوط به پیشرفت گفتگوها را محدود کرده است. در پی بروز تنش میان کابینه اسرائیل و دولت آمریکا و از آنجا که در شرایط فعلی منافع آمریکا در مورد ایران با منافع اسرائیل در این مورد تفاوت دارد، کاخ سفید دسترسی «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر اسرائیل، به آخرین اطلاعات مربوط به پیشرفت مذاکرات هسته‌ای میان ایران

و کشورهای ۵+۱ را محدود کرده است. دیپلمات‌های رژیم صهیونیستی با تأیید این مطلب می‌گویند: آمریکایی‌ها از این می‌ترسند که نتانیاهو خواهد اطلاعات مربوط به پیشرفت مذاکرات هسته‌ای ایران را بر اساس نیازهای سیاسی خود در انتخابات مورد استفاده قرار داده و تلاش کند تا مذاکرات میان ایران و کشورهای ۵+۱ را کم‌اهمیت کند. از همین رو واکنشگتن اطلاعات زیادی را در این رابطه در اختیار تل آویو قرار نمی‌دهد. هاآرتض در ادامه می‌نویسد: یکی از دلایل اصلی

خودداری آمریکا از ارائه اطلاعات جدید و دقیق به اسرائیل، ترس از درز کردن این اطلاعات به بیرون است. از همین رو در مورد عمق صحبت‌های انجام شده و اینکه گفتگوها تا چه حد پیشرفت داشته و اینکه آیا توافق میان طرفین حاصل شده یا خیر، مطلبی در اختیار تل آویو قرار نمی‌گیرد. برای مثال اخیراً آمریکا متوجه شد اطلاعاتی که در مورد صحبت‌های انجام گرفته در مذاکرات در مورد ساترفیوهای ایران، به رسانه‌های اسرائیل رسیده از همین رو برای مطمئن شدن از عدم درز اطلاعات دسترسی تل آویو به این اطلاعات را محدود کرده است. به گزارش مهر، انتشار این گزارش از سوی هاآرتض نشان می‌دهد که اختلافات بوجود آمده میان نتانیاهو و اوباما بویژه در مورد ایران، اختلافاتی اساسی است و شخص رئیس‌جمهور آمریکا نیز در کنفرانس خبری مشترک خود با آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان، صریحاً به این نکته اشاره کرد که با نتانیاهو بر سر ایران مشکل دارد.

ژنرال های بازنشسته آمریکا اذعان کردند:

اوباما اجازه رشد القاعده را داد/ تروریست ها چهار برابر شده اند



در این رابطه گفت: با وجود تلاش های انجام شده برای عقب راندن و شکست دادن القاعده این گروه در طی پنج سال گذشته رشد کرده و قویتر شده است. این ژنرال بازنشسته ارتش آمریکا در ادامه گفت: همانطور که می توانید در نقشه مشاهده کنید القاعده و شاخه های آن چندین کشور را درگیر خود کرده اند، در حقیقت القاعده در پنج سال گذشته چهار برابر شده است.

وی در ادامه گفت: داعش از القاعده در عراق متولد شد و این در حالی بود که القاعده در سال ۲۰۰۹ در عراق شکست خورده بود. بعد از خروج نظامیان آمریکایی از عراق در سال ۲۰۱۱ داعش به عنوان یک گروه تروریستی در عراق متولد و در سال ۲۰۱۲ به سوریه منتقل شد. آیا امکان دارد به نقشه نگاه کرده و به این پرسش پاسخ دهید که یا استراتژی آمریکا در خارمیانه موثر بوده است؟ و یا به این پرسش پاسخ دهید که القاعده در حال شکست است؟ نمی توانیم در این رابطه شک کنیم که استراتژی های ما شکست خورده اند!

تعدادی از ژنرال های بازنشسته آمریکا با انتقاد از سیاست های دولت اوباما در عراق و افغانستان، رویکرد کاخ سفید را عامل اصلی رشد القاعده در پنج سال گذشته و ظهور گروه هایی همچون داعش دانستند. سه ژنرال بازنشسته ارتش آمریکا روز گذشته در جلسه استماع کمیته نیروهای مسلح سنای آمریکا حاضر شدند و کاخ سفید را متهم به نداشتن استراتژی مناسب در خاورمیانه کردند.

به گفته این ژنرال ها، نبود استراتژی مناسب موجب شده که پیروزی در خاورمیانه غیر قابل دسترس باشد. بر اساس این گزارش ژنرال «جک کین» به همراه ژنرال «جیمز ماتیس» از تفنگداران دریایی بازنشسته و ژنرال «ویلیام فالون» از نیروی دریایی آمریکا در جلسه استماع دیروز حضور داشتند. در این جلسه علاوه بر این ژنرال های بازنشسته کهنه سربازانی از جنگ های عراق و افغانستان نیز حاضر بودند. پرسش اصلی در این جلسه استراتژی مباره با داعش و همچنین استراتژی کاخ سفید در عراق و افغانستان بود که ژنرال کین

واشنگتن پست خبر داد:

سیا و موساد مغنیه را ترور کردند/ جزئیات ترور فرمانده در سوریه



عبور کرد بمب تعبیه شده در لاستیک زاپاس خودرو که در پشت خودرو قرار داشت منفجر شد و مغنیه فوراً به شهادت رسید. گولدمن می گوید که این بمب را عوامل موساد که در تل آویو حضور داشتند تهیه کرده بودند.

اما روزنامه نیوزویک معتقد است بمب توسط آمریکایی ها تهیه شده و از طریق اردن وارد سوریه شده بود. در شب عملیات یک تیم مشترک از عوامل موساد و سیا در منطقه حضور داشتند. یکی از عناصر موساد اعلام کرد که شخص مورد نظر عماد مغنیه است و همکار وی در سیا ماده منفجره را فعال کرد.

راینبرگمان معتقد است اگر اطلاعات مذکور صحیح باشد نشان دهنده میزان همکاری سیا و موساد در آن زمان است و همچنین بیانگر میزان نزدیکی کاخ سفید و دفتر نخست وزیر اسرائیل و توانمندی اطلاعاتی میان تیم جاسوسی دو طرف است ارتباطاتی که به خاطر نزدیکی «آریل شارون» و «ایهود اولمرت» با «جرج بوش» رئیس جمهوری سابق آمریکا وجود داشت!

آمریکا و اسرائیل مطرح شده است چرا که طبق ادعای واشنگتن، آمریکایی ها به علت حضور سردار سلیمانی مانع از اجرای عملیات شدند اما اسرائیلی ها با وجود اطلاع از حضور وی عملیات ترور «جهاد مغنیه» را متوقف نکردند.

«راینبرگمان» تحلیلگر روزنامه «یدیوت آهارونت» در این رابطه می گوید: «جف استاین» روزنامه نگار «نیوزویک» و «آدام گولدمن» روزنامه نگار واشنگتن پست تحقیقاتی را در زمینه ترور عماد مغنیه داشتند به طوری که استاین معتقد است آمریکا عامل اصلی ترور عماد مغنیه بوده است و این در حالی است که گولدمن معتقد است واشنگتن شریک اصلی ترور بوده است.

بنا بر اعلام تحقیقات واشنگتن پست، عماد مغنیه ۱۸ فوریه سال ۲۰۰۸ پس از خوردن شام در یک رستوران محلی به سمت خودروی خود در منطقه «کفرسوسه» در دمشق رفت، تیمی از عوامل سیا در منطقه حضور داشتند و وی را تعقیب می کردند، هنگامی که مغنیه از کنار خودروی جیب

رژیم صهیونیستی خطور کرد که معانی این افشاکری چه بوده است. بنا بر اعلام تحلیلگران از جمله «یوسی میلمان» تحلیلگر هفته نامه «معاریو» هدف از این اقدام آمریکا ابلاغ این پیام به اسرائیلی ها بوده است که تل آویو بدون واشنگتن نمی تواند در منطقه عربی کاری از پیش ببرد. همچنین برخی تحلیلگران معتقدند این گزارش برای کشاندن پای واشنگتن به درگیری با حزب الله بوده است.

یوسی میلمان معتقد است: با وجود آنکه عماد مغنیه در عملیات های ضد آمریکایی دست داشت اما وی بیش از آنکه هدف آمریکا باشد هدف اسرائیل بود. درست است که گزارش واشنگتن پست حاوی پیام برای اسرائیلی ها و «بنیامین نتانیاها» نخست وزیر اسرائیل بود اما این گزارش در راستای منافع امنیتی تل آویو نیز بود چرا که آمریکایی ها با این اقدام حزب الله را به چالش می کشاندند و این جنبش و ایران را در وضعیت دشواری قرار می دهند وضعیتی که می گوید شما تنها با اسرائیل مقابله نمی کنید بلکه آمریکا نیز وجود دارد. بن دیویید دیگر تحلیلگر اسرائیلی نیز معتقد است گزارش واشنگتن پست حاوی یک پیام تلویحی برای ایران نیز هست چرا که در آن اشاره شده است آمریکایی ها مانع از ترور سردار سلیمانی فرمانده سپاه قدس جمهوری اسلامی ایران شده اند. احتمالاً این امر برای مقایسه میان

یک روزنامه آمریکایی به نقل از منابع اطلاعاتی این کشور اعتراف کرد که سازمان سیا و موساد در سال ۲۰۰۸ با همکاری هم اقدام به ترور «عماد مغنیه» کرده اند. واشنگتن پست با نقل این خبر می نویسد: سرویس های جاسوسی آمریکا و اسرائیل از طریق همکاری با یکدیگر در سال ۲۰۰۸ و با انفجار خودرو اقدام به ترور فرمانده عالی حزب الله در سوریه کردند.

واشنگتن پست این خبر را به نقل از مقامات سابق اطلاعاتی آمریکا منتشر کرده و در آن آورده است: در ۱۲ فوریه سال ۲۰۰۸ میلادی عماد مغنیه در حال ترک رستورانی در دمشق با انفجار بمب کشته شد.

این فرمانده حزب الله به وسیله بمبی که در لاستیک یدکی (زاپاس) خودروی عقبی پارک شده بود کشته شد. این بمب که توسط آمریکا ساخت شده و در ایالت کارولینای شمالی آزمایش شده بود توسط عوامل موساد که با سازمان سیا در ارتباط بودند در آن محل کار گذاشته شد.

به گفته مقامات سابق اطلاعاتی آمریکا، مشارکت سازمان سیا در ترور مغنیه نیازمند امضای رئیس جمهور وقت آمریکا (جرج بوش)، دادستان کل ایالات متحده، و چند تن دیگر از مقامات ارشد دولت بود.

روزنامه السفير چاپ لبنان نیز در مقاله ای این رابطه نوشت: به محض اینکه روزنامه واشنگتن پست از نقش آمریکا در ترور «عماد مغنیه» در سوریه پرده برداشت این نکته به ذهن تحلیلگران امنیتی و نظامی

رئیس جمهوری، جو بایدن، معاون او و جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا در مورد این واقعه پر معنی است و افزود که مقامات ارشد آمریکایی می‌بایست در قبال چنین حادثه‌ای موضع‌گیری می‌کردند.

رئیس جمهوری ترکیه با محکوم کردن کسانی که مرتکب قتل این سه دانشجو شده‌اند، گفت: اگر در مواجهه با چنین حادثه‌ای سکوت اختیار کنید و در باره آن سخنی نگویید، جهانیان هم نسبت به شما سکوت اختیار خواهند کرد.

سه فردی که روز سه شنبه کشته شدند «ضیا شادی برکات» ۲۳ ساله دانشجوی رشته دندانپزشکی، همسرش «یُسر محمد ابوصالحه» ۲۱ ساله و خواهر همسرش «زران محمد» ۱۹ ساله بودند و مراسم تشییع جنازه آنان روز گذشته با حضور هزاران نفر در چپل هیل برگزار شد. به گفته منابع خبری، وقوع این قتل ساکنان چپل هیل را به شدت تکان داده است.

در مراسم تشییع اجساد این سه نفر، پدر یُسر و زران گفت که دو دختر و داماد او قربانی تنفر مذهبی شده‌اند و قاتل را متهم کرد که به خاطر عقاید دینی این سه نفر، آنان را به قتل رسانده است. پس از انتشار خبر قتل این سه نفر نیز، به نقل از برخی منابع پلیس محلی گزارش شد که احتمال دارد انگیزه قاتل، نفرت مذهبی بوده باشد.

اظهارات رجب طیب اردوغان در حالی منتشر می‌شود که روابط بین او و رئیس جمهوری آمریکا در یکی دو سال اخیر تا حدودی به سردی گراییده است. سال گذشته، اردوغان گفت که روابط شخصی او با باراک اوباما به صمیمیت سابق نیست و آن دو دیگر مانند گذشته، به طور مستقیم با هم گفتگوی تلفنی ندارند زیرا رئیس جمهوری آمریکا از اقدام لازم در سوریه خودداری ورزیده است. وی گفت که به جای اوباما، با جو بایدن، معاون او در مورد مسایل عراق گفتگو می‌کند.



انتقاد اردوغان از سکوت اوباما در قبال کشته شدن دانشجویان مسلمان

گفته پلیس، بر اساس تحقیقات اولیه، علت این قتل‌ها، اختلاف بر سر جای پارک خودرو بوده است.

پس از این اتفاق کاخ سفید اعلام کرد که منتظر تحقیقات پلیس می‌ماند و بعد از روشن شدن علت قتل درباره آن اظهار نظر می‌کند.

اردوغان که برای دیدار رسمی به مکزیک سفر کرده، در یک نشست خبری مشترک با رئیس جمهوری آن کشور با اشاره به این واقعه، گفت که سکوت باراک اوباما،

یک مرد چهل و شش ساله به نام گریک هیکس، با قبول مسئولیت قتل این سه نفر، خود را به پلیس محلی تسلیم کرده است. اردوغان که در مکزیک به سر می‌برد گفت که به رئیس جمهوری، معاون رئیس جمهوری و وزیر امور خارجه آمریکا زنگ زده و از آن‌ها خواسته تا در قبال این قتل‌ها واکنش نشان دهند.

روز ۲۱ بهمن ماه سه دانشجوی مسلمان در نزدیکی دانشگاه کارولینای شمالی مورد هدف گلوله قرار گرفتند و کشته شدند. به

رئیس جمهوری ترکیه از سکوت هم‌تای آمریکایی خود در قبال کشته شدن سه دانشجوی مسلمان در ایالات متحده انتقاد کرد. «رجب طیب اردوغان» از «باراک اوباما» هم‌تای آمریکایی خود، به دلیل سکوت در قبال قتل سه مسلمان در آمریکا انتقاد کرد. روز سه شنبه، اجساد سه دانشجوی مسلمان که در اثر اصابت گلوله به سرشان کشته شده بودند در یک مجتمع آپارتمانی در شهر چپل هیل، ایالت کارولینای شمالی یافت شد و مدتی پس از آن، پلیس اعلام کرد که

راشادودی خبر داد:

بازبینی پرونده ایران در آژانس در پی افشای دروغ پردازی‌های سیا



که متهم به درز اطلاعات عملیات‌های محرمانه سازمان سیا علیه ایران شده است.

بر اساس تلگرافی متعلق به می ۱۹۹۷ که به دادگاه ارائه شده هدف [عملیات سازمان سیا] قرار دادن مقادیر زیادی اطلاعات ساختگی در برنامه هسته‌ای تسلیحاتی ایران بود تا آنها وارد مسیری بی سرانجام شده و پول و زمان‌شان هدر رود.

این مسئله با فعالیت‌های بازرسی آژانس نیز در ارتباط است زیرا برخی از تردیدهای این سازمان درباره برنامه هسته‌ای ایران بر اساس اطلاعات قدیمی هستند که توسط سازمان‌های اطلاعاتی ارائه شده‌اند.

یکی از سخنگویان آژانس اعلام کرده است که این سازمان در حال ارزیابی جامع اطلاعاتی است که دریافت داشته است. سازمان سیا هنوز واکنشی به این گزارش‌ها نشان نداده است.

کارشکنی سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) و اقدامات آن علیه جمهوری اسلامی، موجب شده تا آژانس بین المللی انرژی اتمی از احتمال بازبینی پرونده فعالیت هسته‌ای ایران سخن بگوید.

ادعای سازمان سیا مبنی بر ارائه طرح‌های ابتدایی ساخت بمب هسته‌ای به ایران موجب شده تا احتمال بازبینی پرونده ایران در آژانس بین المللی انرژی اتمی قوت بگیرد.

به نوشته راشادودی، هدف سازمان سیا از این کار کمک به ایران نبوده بلکه آمریکا قصد داشته با ارائه اطلاعات غلط وقت و انرژی ایران را در این مسیر به هدر دهد.

جزئیات این اقدام سازمان سیا مربوط به سال ۲۰۰۰ میلادی است که در جریان رسیدگی به یک پرونده قضایی که «جفری استرلینگ» در آن حضور داشته افشا شده است. استرلینگ از مأموران سابق سازمان سیا است



منطقه اوراسیا از مناطق استراتژیک جهان است که مقوله انتقال انرژی و امنیت آن در دهها اخیر به ویژه بعد از بحران اوکراین توجهات زیادی را معطوف خود کرده است. رد دعوت «رجب طیب اردوغان» از سوی «سرژ سارکیسیان» رئیس جمهور ارمنستان برای شرکت در سالگرد نبرد گالیپولی، تشکیل جنبش «ضد میدان» برای مقابله با انقلاب های رنگی در روسیه و اعتراض ۸۰۰ هزار چینی به هتاکی شارلی ابدو از جمله اخبار مهم ماه بهمن در منطقه اوراسیا به شمار می رود.

تحولات شرق اوکراین نیز در این ماه کماکان میان دولت اوکراین و جدایی طلبان شرق تداوم داشت. در این خصوص شاهد انتقاد نماینده روسیه در سازمان ملل از نقش آفرینی «تحریک آمیز» آمریکا در بحران اوکراین بودیم.

خبر مهم دیگر در این ماه اینکه در پی حمله جدائی طلبان اوکراین به ماریوپل، شورای امنیت سازمان ملل قصد داشت با صدور بیانیه ای این اقدام را محکوم کند اما روسیه مانع صدور این بیانیه انتقادی شد. همچنین اتحادیه اروپا در واکنش به تشدید درگیری های نظامی در شرق اوکراین تهدید کرد تحریم های بیشتری را علیه روسیه اعمال می کند.

در این ماه شاهد سفر دکتر علی اکبر ولایتی فرستاده رئیس جمهوری اسلامی ایران دکتر حسن روحانی به روسیه بودیم. ولایتی در ای سفر با «ولادیمیر پوتین» رئیس جمهوری روسیه، «سرگئی لاوروف» وزیر خارجه و «الکساندر نوک» وزیر انرژی روسیه دیدار کرد. محور گفتگو در این دیدارها مناسبات دو جانبه، مسائل منطقه ای و جهانی بوده است.

درگیری های مرزی بین نظامیان جمهوری آذربایجان و ارمنستان در این ماه ۷ کشته بر جا گذاشت.

مهمترین خبر این ماه را می توان نشست مینسک برای حل و فصل بحران اوکراین نامید. در این نشست کشورهای روسیه، اوکراین، فرانسه و آلمان برای آتش بس در شرق اوکراین به توافق رسیدند. هر چند این آتش بس دوام چندانی نداشت.

گفتگو با مشاور مرکز پژوهشهای راهبردی ترکیه:

سیاست خارجی آنکارا متوجه اوراسیا شده است / پارادوکس هویتی ترکیه

گفتگو از امید شمیزی



رئیس دانشکده علوم سیاسی دانشگاه دولتی دولموپینار با اشاره به اینکه روسیه، چین و ایران به عنوان منابع قدرت پیش روی سیاست خارجی ترکیه هستند گفت: اوراسیا گرایی در گرایش سیاست خارجی ترکیه نسبتاً قوی است. در حالی که تا این اواخر مقامات و دولتهای ترکیه از عضویت در اتحادیه اروپا به عنوان یک عامل بسیار مهم در سیاست خارجی و جهت گیری های این کشور یاد می کردند و عضویت در اتحادیه اروپا یکی از مهمترین پایه های سیاست خارجی ترکیه را تشکیل می داد. اما در سالهای اخیر این رغبت را کمتر شاهد هستیم. در این رابطه مصاحبه ای با دکتر «باریش آدی بلی» (Barış Adıbelli) رئیس دانشکده علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه دولتی دولموپینار و کارشناس مسائل اوراسیا و مشاور مرکز پژوهش های راهبردی امنیت ملی ترکیه انجام شده که در ادامه می آید.

دارای منافع نسبتاً خوبی نیز بوده اند.

حکومت و مردم ترکیه در نهایت اتحادیه اروپا را انتخاب خواهند کرد و یا شرق و خاورمیانه را؟ نگرش به این دو مقوله چگونه است؟

بله، الان درباره این موضوع به مهم ترین مسئله می رسیم و آن بعد هویت است و مفهوم هویت. در اینجا مهمترین سوالی که پیش می آید این است که ترکیه به کجا تعلق دارد؟ در این مورد از همان ابتدا اتحادیه اروپا ترکیه را به عنوان کشوری که به شرق تعلق دارد دیده است. ترکیه را به عنوان ملتی که به شرق و به عنوان تمدنی که متعلق به آسیا است دیده است. حتی مسئله ای که اینجا هست به ترکیه به عنوان تمدنی که نه به خاورمیانه بلکه به آسیا تعلق دارد نگریسته اند.

الان اگر از نظر جغرافیایی به مسئله نگاه کنیم، ۳٪ از مساحت ترکیه در اروپا و ۹۷٪ آن در آسیا قرار دارد. و به این دلیل هم اکنون دچار نوعی سردرگمی هویتی شده ایم. یعنی الان ما کی هستیم؟ آیا اروپایی هستیم؟ آسیایی هستیم؟ آیا به غرب تعلق داریم؟ و یا ملتی مسلمان و خاورمیانه ای هستیم؟ مسئله این هست که متأسفانه این روند بفرنج در تمام طول تاریخ جمهوری ترکیه وجود داشته است و هیچ موقع نتوانسته ایم دارای هویتی ثابت و مشخصی باشیم. از یک بعد آسیایی هستیم، از سوی دیگر اروپایی، به خودمان اروپایی می گوئیم اما دارای بسیاری از ویژگیهای ارزشهای جوامع آسیایی و شرقی نیز هستیم؛ یعنی از بعد فرهنگی و ارزشهای اجتماعی. از طرف دیگر اصرار بر غربی بودن داریم اما اولاً مسلمان هستیم و از سوی دیگر دارای بسیاری از ویژگی های جوامع خاورمیانه ای هستیم.

الان وقتی که اینها را در کنار هم قرار می دهیم، روند سخت و پیچیده تلاش ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا بهتر

دکتر آدی بللی لطفاً کمی در باره روند تاریخی روابط ترکیه و اتحادیه اروپا توضیح می دهید؟

غربی شدن و اروپایی شدن یکی از مفاهیم اساسی و اصول ایدئولوژیک جمهوری ترکیه از زمان تأسیس آن بوده است. یعنی مسیر مدرنیته و غربی شدن و معاصر شدن در ترکیه از این نقطه شروع می شود. اما اگر این موضوع را کلی تر و عمیق تر بررسی کنیم و بخواهیم که از موضع تاریخی به آن نگاه کنیم، ریشه های اولیه غربی شدن و غرب گرایی در ترکیه به ۲۰۰ سال قبل و تا زمان امپراطوری عثمانی برمی گردد. تقریباً در مدت این سده همیشه و به صورت پیوسته با اروپا روابط خاصی را شاهد بوده ایم، یعنی در حالی که بعضاً نسبت به اروپا در موضع برتر بوده ایم و یا در مقابل آن در موضع ضعف قرار گرفته ایم.

روند غربی شدن و میل به اروپایی شدن در ترکیه صرفاً از زمان جمهورییت شروع نشده است و در زمان عثمانی هم در بیشتر مواقع دولت برای رفع نقاط ضعف و کاستی های خود و به نام توسعه و مدرنیته، اروپایی شدن را انتخاب کرده است. این را در تاریخ شاهد هستیم مخصوصاً در دوره تنظیمات. اما هنگامی که در اواخر دهه ۵۰ میلادی اتحادیه اروپا به عنوان یک سازمان و تشکیلات سر بر آورد، یعنی در زمان مندرس (عدنان مندرس نخست وزیر ترکیه در طول دهه ۵۰ میلادی که در کودتای نظامی می ۱۹۶۰ توسط افسران ارتش اعدام شد) تقاضای ترکیه برای عضویت شروع شد و از آن زمان نیز روابط ترکیه با اتحادیه اروپا و همراه با فراز و نشیب های فراوان ادامه داشته است. حکومت هایی که در ترکیه بر سر کار آمده اند در بیشتر مواقع از موضوع عضویت در اتحادیه اروپا بهره برداری سیاسی کرده اند که گاهی مثبت و سازنده و گاهی نیز دارای تأثیرات منفی بوده است. در سالهای اخیر نیز ترکیه در چارچوب مذاکرات برای عضویت نسبت به اصلاح بسیاری از قوانین جزایی، مدنی و تجاری دست زده است که

مسلمان بودند از نظر غربی ها و اروپایی ها قتل عام و کشتار آنها ایرادی نداشت و چشم هایشان را نسبت به آن بستند. این هم برعکس تفکر خیلی ها مشخص می کند که در اروپا مرزبندی بسیار مشخصی از لحاظ فرهنگی وجود دارد و آن هم، غرب مسیحی و شرق مسلمان است.

در سالهای پیش و مخصوصاً هنگامی که در سال ۲۰۰۲ حزب عدالت و توسعه بر سر کار آمد نسبت به عضویت در اتحادیه اروپا بسیار راغب بود و اصلاحات بسیار زیادی را برای هماهنگی با این اتحادیه انجام داد. اما بعدها دید که اینها بیهوده است و هر کاری کند نخواهد توانست این نگرش غرب مسیحی و شرق مسلمان را که در اروپا حاکم است را بشکند. بدین دلیل بود که ترکیه کم کم شروع به کندوکاو و پرسش درباره هویت واقعی خود کرد. البته استانداردهای دوگانه اروپا در اینجا خیلی مهم نیست. این مهم است که ترکیه هویت خود را کشف کرد و این خیلی مهم بود. یعنی ترکیه جواب این سوال را که ترکیه به کجا متعلق است را تقریباً یافت.

اکنون جواب این پرسش که آیا در سیاست خارجی ترکیه چرخش و تغییر محور به وجود آمده است به نظر بنده منفی است. در واقع نه اینکه در سیاست خارجی چرخش محور رخ دهد، بلکه ترکیه جهت و مسیر خود را یافت. مثلاً در موضوع مسئله هسته ای ایران هنگامی که همه کشورها و با تبلیغات غرب بر علیه ایران موضع گرفته بودند، فقط دو کشور در کنار ایران بودند، برزیل و ترکیه که البته کمی بعد برزیل هم کنار کشید و فقط ترکیه بود که در کنار ایران ماند و در شورای امنیت بر علیه قطعنامه ها موضع گرفت و رای منفی داد البته متأسفانه در موضوع سوریه دو کشور دارای اختلاف نظر شده اند و در این رابطه انتقادات زیادی به حزب عدالت و توسعه وارد است.

با این وجود و با تعریفی که ترکیه از هویت خود پیدا کرده رویکرد سیاست خارجی آن به کدام منطقه خواهد بود؟

اکنون ترکیه فهمیده است که به غیر از اتحادیه اروپا چیزهای دیگری نیز در جهان وجود دارد مثلاً منطقه اوراسیا، روسیه، چین و ایران به عنوان منابع قدرت پتانسیل پیش روی ما هستند و مسئله این است که موضوع اوراسیا گرایی در ترکیه نیز نسبتاً قوی است. اکنون در پیش روی ترکیه دو راه وجود دارد. اول اینکه به همکاری با غرب ادامه بدهد که در این صورت فشارهای گذشته غرب باز هم بر ترکیه ادامه خواهد داشت و یا راه دوم اینکه با پیوستن به شرق و نظم نوین جهانی که در منطقه اوراسیا در حال شکل گرفتن است و با قرار گرفتن در کنار ملت های مظلوم و غیر استعماری و شریک شدن با آنها با شرایط مساوی و برابر. در این راه هرچند که با انتقادات و حتی بعضاً با مسخره ها همراه بوده است اما تلاش های ترکیه بیشتر معطوف به سازمان همکاری شانگهای خواهد بود.

مشخص می شود. اکنون جواب به این پرسش که، آیا ما بخشی از اروپا هستیم؟ و یا نه؟ این است که، نخیر ما بخشی از فرهنگ اروپا نیستیم. یعنی فرهنگ و ارزش هایی که اتحادیه اروپا بر روی مفهوم و اصل مسیحیت آن را ساخته و به وجود آورده است و مسئله مهم هم این است که این ارزشهای مشترک و عوامل اتحاد نه در عصر حاضر بلکه از ۱۰۰۰ سال قبل و از زمان جنگهای صلیبی شکل یافته است. حال این سوال را می پرسیم آیا با این نوع نگاه ترکیه جایگاهی در اتحادیه اروپا و در فرهنگ اروپایی دارد؟ بله دارد. ولی نه در جهت مثبت و همکاری بلکه کاملاً برعکس و در جهت مخالف. یعنی از قرنهای گذشته تصویری که از ترک های مسلمان در ذهن اروپا بوده است، یک ذهنیت سرشار از تهدید و ترس بوده است. یعنی جایگاه ترکیه مسلمان در فرهنگ اروپایی همیشه در طرف منفی بوده است.

می خواهیم که این موضوع را با یک مثال عینی روشن کنیم. چند ماه قبل فیلمی با نام «دراکولا: ناگفته» (Dracula Untold) در سینماهای غرب به اکران درآمد. این فیلم سرشار از نفرت و دشمنی با ترکیه شروع می شد و کل فیلم هم عبارت بود از تنفر. این فیلم سرشار از احساس نفرت و تنفر از سلطان محمد فاتح که استانبول را فتح کرد بود. مسئله این است که تاریخ اکران این فیلم سال ۲۰۱۴ است. موضوع کلی این فیلم این بود که ترکیه و مسلمانها با ورودشان به اروپا زن و بچه، پسر و جوان همه را از دم تیغ گذرانده اند، در حالی که مخصوصاً این روزها با این اوضاع و افزایش نژادپرستی و غیره در اروپا اصلاً احتیاجی به این مسائل نیست. اما باز هم شاهد هستیم که اروپا این احساس را به شرقی ها دارد. به این خاطر هم بود که در زمان حزب عدالت و توسعه، ترکیه شروع به پرسیدن این سوال اساسی از خود کرد که واقعا ما به کجا تعلق داریم؟

از شما می خواهیم که قتل عام بوسنی را در دهه ۹۰ میلادی مرور کنید، لطفاً مسئله کوزوو را کمی با دقت تر بررسی کنید. مردمی که در اینجاها قتل عام شدند فقط یک گناه داشتند و آن هم این بود که مسلمان بودند و گرنه مشکل دیگری وجود نداشت. فقط به دلیل اینکه بوسنی و کوزوو